

# پسر ابلیس

Publifye AS

# فهرست مطالب

۲	فهرست مطالب
۴	۱ پیش‌گفتار
۶	۱.۱ نکته‌ای درباره چگونگی نگارش این کتاب . . . . .
۷	۲ یکی از آن دوازده
۱۰	۳ یکی از شما ابلیس است
۱۲	۴ دزد
۱۵	۵ دوست صمیمی
۱۷	۶ یونانی و عبری
۱۷	۱.۶ واژگانی که یهودا را توصیف می‌کنند . . . . .
۱۹	۲.۶ واژگانی که بها را توصیف می‌کنند . . . . .
۱۹	۳.۶ واژگانی که شب را توصیف می‌کنند . . . . .
۱۹	۴.۶ نام‌ها . . . . .
۲۱	۷ نام‌ها و مکان‌ها
۲۴	۱.۷ خیانتکار در حروف پنهان . . . . .
۲۸	۸ سی سکه نقره
۳۲	۱.۸ آیه‌ای که خیانت را پنهان می‌کند . . . . .
۳۵	۲.۸ طومار باز شده . . . . .
۳۹	۳.۸ نه فقط موجود – بلکه خوشه‌ای . . . . .
۴۱	۹ فرزند هلاکت
۴۴	۱۰ شیطان در او داخل شد
۴۷	۱۱ شام آخر
۵۰	۱۲ بوسه
۵۳	۱۳ وای بر آن مرد
۵۵	۱۴ بازگرداندن خون‌بها
۵۹	۱۵ مکان مخصوص خود او



# فصل ۱

## پیش‌گفتار

نکته‌ای در مورد اصطلاحات. هر جا در این کتاب به «واترمارک» یک آیه تورات اشاره می‌شود، منظور مجموعه‌ای از کلمات عبری است که با فواصل حروف مساوی (اصطلاح فنی آن Equidistant Sequences Letter یا ELS است) در میان صامت‌های آن آیه کدگذاری شده‌اند. توضیح کامل در مورد معنای این اصطلاح و چگونگی آزمایش آن در برابر کنترل‌های نظم تصادفی حروف، موضوع کتاب مکمل Watermark The است که به صورت رایگان در آدرس [junifye.publifye.pro/the-watermark](http://junifye.publifye.pro/the-watermark) قابل مطالعه می‌باشد.

این کتاب یک پروژه تحقیقاتی است که تحت هدایت و نظارت کامل AS Publifye انجام شده است. دستیار هوش مصنوعی Claude (Anthropic) به عنوان شریک تحقیق و نگارش تحت هدایت گردآورنده عمل کرده و از Service Bible Darash به عنوان تنها ابزار خود برای تمام امور مربوط به کتاب مقدس استفاده کرده است – شامل ۵۹ ترجمه، فرهنگ لغات Strong همراه با واژه‌نامه‌های تخصصی، تحلیل صرفی واژه به واژه، ۴۴۶,۵۴۴ ارجاع متقاطع و ۱۳ لغت‌نامه کتاب مقدس. هر جستجوی آیه، هر مطالعه واژگان یونانی و عبری و هر ردیابی ارجاع متقاطع از طریق Darash انجام شده است. روش کار به صورت تقابلی بود: هوش مصنوعی تحت فشار قرار می‌گرفت تا هر ادعایی را با کتاب مقدس به چالش بکشد، استدلال‌های متقابل بیابد و در هر مرحله برای رد کردن فرضیه تلاش کند. اما نتوانست. کتاب مقدس در هر بار سربلند بیرون آمد. آنچه در دست دارید نتیجه آن است – اثری که از طریق درگیری بی‌وقفه با متن اصلی گردآوری شده، در برابر گواهی کامل کتاب مقدس آزمایش شده و طی همکاری انسان و هوش مصنوعی صیقل یافته است. اعتقاد و باور متعلق به گردآورنده است، ابزار مورد استفاده Darash است و مرجع نهایی تنها کتاب مقدس است. همان‌طور که جامعه ۴:۱۲ می‌گوید: ریسمان سه‌لا به زودی گسسته نمی‌شود – در اینجا، آن ریسمان عبارت است از اعتقاد انسانی، هوش مصنوعی و کلام تغییرناپذیر خداوند.

عیسی به ایشان پاسخ داد: «آیا من شما دوازده تن را برنگزیدم؟ با این حال، یکی از شما ابلیس است!» او دربارهٔ یهودای اسخریوطی، پسر شمعون، سخن می‌گفت؛ زیرا او که یکی از آن دوازده تن بود، بعداً به او خیانت کرد.

John 6:70-71 ---

در تمام کتاب مقدس هیچ شخصیتی به اندازه یهودای اسخریوطی مورد نفرت همگانی نیست. نام او در هر زبان و فرهنگی که کتاب مقدس در آن خوانده شده، به ضرب‌المثلی برای خیانت تبدیل شده است. یهودا نامیدن یک شخص، به معنای پست‌ترین نوع خائن خواندن اوست – کسی که نه به یک غریبه، بلکه به یک دوست؛ نه به یک پادشاه، بلکه به پسر خدا؛ و نه برای اصول، بلکه برای سی پاره نقره خیانت می‌کند.

با این حال، با وجود آشنایی بسیار با نام او، یهودا به ندرت با دقتی که نقش او در کتاب مقدس ایجاب می‌کند، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نام او در فهرست دوازده رسول می‌آید، در لحظات کلیدی روایت‌های انجیل ظاهر می‌شود و در فصل اول اعمال رسولان ناپدید می‌گردد و متیاس جایگزین او می‌شود. میان این دو نقطه، داستانی نهفته است که کتاب مقدس با دقتی حساب‌شده روایت می‌کند – هیچ جزئیاتی بیهوده نیست و هر جزئیاتی به هدفی اشاره دارد.

داستان یهودا سال‌هاست که ذهن مرا به خود مشغول کرده است – نه به عنوان شروری که باید نادیده گرفته شود، بلکه به عنوان هشدار که باید درک گردد. این کتاب تلاش من است برای گردآوری هر آنچه کتاب مقدس درباره یهودای اسخریوطی می‌گوید و بررسی دقیق آن. نه برای گمانه‌زنی فراتر از آنچه مکتوب است، نه برای روان‌کاوی در جایی که کلام ساکت است، بلکه برای دنبال کردن متن به هر کجا که رهنمون شود. هر یک از چهار انجیل جزئیات خاص خود را ارائه می‌دهند. کتاب اعمال رسولان پایان او و معنای الهیاتی آن را ثبت کرده است. مزامیر – که هم عیسی و هم پطرس از آن نقل‌قول کرده‌اند – قرن‌ها پیش از وقوع، خیانت او را پیشگویی کرده بودند. زکریای نبی قیمت را نام برد. و خود عیسی در مقدس‌ترین دعای ثبت شده در کتاب مقدس، یهودا را با لقبی خواند که تنها دو بار در کل کتاب مقدس ظاهر شده است: **پسر هلاکت** (یوحنا ۱۲:۱۷).

سوالاتی که این مطالعه مطرح می‌کند، سوالات راحتی نیستند. آیا عیسی آگاهانه یک خائن را برگزید؟ آیا یهودا برای خیانت پیش‌گزیده شده بود؟ آیا او می‌توانست توبه کند؟ آیا او هرگز یک ایمان‌دار واقعی بود؟ و داستان او امروز به کلیسا درباره امکان همگام بودن با مسیح و در عین حال گم‌گشته بودن چه می‌گوید؟

روش کار در اینجا همانند کتاب‌های مکمل در این مجموعه است. متن اصلی، کتاب مقدس نسخه کینگ جیمز است. ارجاعات متقاطع از Treasury of Scripture Knowledge استخراج شده و با استفاده از فرهنگ لغات Strong در برابر متن اصلی عبری و یونانی تایید شده‌اند. جستجوی آیات کتاب مقدس از طریق API کتاب مقدس Darash انجام شده که دسترسی به چندین ترجمه و تعاریف Strong را فراهم می‌کند. هر ادعایی در کتاب مقدس لنگر انداخته است. هر جا کتاب مقدس سخن می‌گوید، ما سخن می‌گوییم. هر جا کتاب مقدس ساکت است، ما سکوت می‌کنیم.

ای برادران، می‌بایست آن نوشته کتاب مقدس به تحقق می‌رسید که روح القدس بیشتر از زبان داود درباره یهودا گفته بود، همان که راهنمای دستگیرکنندگان عیسی گشت.

Acts 1:16 ---

پطرس در برابر آن صد و بیست نفر در بالاخانه ایستاد و گفت آنچه بر سر یهودا آمد «می‌بایست به تحقق می‌رسید.» روح القدس بیشتر از طریق داود درباره آن سخن گفته بود. این موضوع در مزامیر مکتوب بود. خیانت به پسر خدا توسط یکی از دوازده برگزیده خود او، یک اتفاق، یک غافلگیری یا انحرافی از نقشه نبود. این امر پیشگویی شده بود، پیش‌دانسته بود و اجازه وقوع یافته بود – و با این حال، همان‌طور که خواهیم دید، یهودا مسئولیت کامل عمل خود را بر عهده داشت.

آن تقابل – میان حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی – در هر فصل از این کتاب جریان دارد، زیرا در هر آیه‌ای که از یهودا نام می‌برد، جاری است. عیسی او را برگزید در حالی که می‌دانست چه خواهد کرد. عیسی او را دوست داشت، پاهایش را شست و به او نان تعارف کرد. و عیسی اجازه داد او به دل شب برود.

## ۱.۱ نکته‌ای درباره چگونگی نگارش این کتاب

این کتاب توسط Publifye AS با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی و **Bible Darash Service** (darash.publifye.pro) گردآوری شده است. این پلتفرم دسترسی به یک کتابخانه تحقیقاتی عظیم، شامل ۵۹ ترجمه کتاب مقدس و لغت‌نامه‌های تخصصی مانند-Interna Easton's ، Strong's Concordance، tional Standard Bible Encyclopedia و غیره را فراهم می‌کند.

تحقیقات توسط **Claude** (Anthropic) سازماندهی شده است، یک دستیار هوش مصنوعی که جستجوی آیات، ارجاعات متقاطع و مطالعات واژگان یونانی و عبری را انجام داده است. این شامل تحلیل کامل مورفولوژیک (ساخت‌واژی) است که در واقع روشی برای بررسی دستور زبان زیربنایی و ریشه هر کلمه می‌باشد. در حالی که Claude تحت هدایت Publifye AS متن را پیش‌نویس کرده است، هر ادعای الهیاتی مستقیماً بر اساس کتاب مقدس بنا شده و توسط شما در برابر منابع ذکر شده قابل راستی‌آزمایی است.

متوجه خواهید شد که متن از لحنی صمیمی و اول‌شخص استفاده می‌کند. این یک انتخاب ادبی است – راهی برای تبدیل یک پژوهش غلیظ به یک گفتگو. هیچ نویسنده انسانی واحدی پشت این «من» نیست؛ بلکه این سنتزی از داده‌های کتاب مقدسی است. در حالی که سبک نگارش محاوره‌ای است، شواهد واقع‌گرایانه هستند و ما شما را تشویق می‌کنیم که هنگام مطالعه، مطالب را بررسی و تایید کنید.

AS Publifye مارس ۲۰۲۶

## فصل ۲

### یکی از آن دوازده

او دوازده شاگرد خود را فرا خواند و به آنان قدرت داد تا روح‌های پلید را بیرون کنند و هر نوع بیماری و رنجوری را شفا بخشند. نام‌های این دوازده رسول از این قرار است: اول شمعون که پطرس نامیده می‌شد، و برادرش اندریاس؛ یعقوب پسر زبدی و برادرش یوحنا؛ فیلیپس و برتولما؛ توما و متی باجگیر؛ یعقوب پسر حلفی، و تدی؛ شمعونِ قانوی و یهودای اسخریوطی، همان که او را تسلیم کرد.

Matthew 10:1-4 ---

هر فهرستی از دوازده رسول در عهد جدید، یهودای اسخریوطی را در آخرین رتبه قرار می‌دهد. متی ۱۰:۴، مرقس ۳:۱۹، لوقا ۶:۱۶ – در هر مورد، یازده نفر دیگر ابتدا نام برده می‌شوند و یهودا در پایان می‌آید، و همیشه همان توصیف تلخ و ناگوار به نام او چسبیده است. متی می‌گوید: «همان که او را تسلیم کرد.» مرقس می‌گوید: «که او را تسلیم نمود.» لوقا حتی از واژه «تسلیم کردن» فراتر می‌رود و او را آشکارا همان‌گونه که بود می‌نامد: «یهودای اسخریوطی که خائن گشت» (لوقا ۶:۱۶). واژه یونانی که انجیل‌ها برای «تسلیم کرد» (خیانت کرد) به کار می‌برند، G3860 paradidōmi است و ریشه‌شناسی آن به خودی خود تصویری از این عمل است: G3844 para (در کنار) و G1325 didōmi (دادن). خیانت کردن در لغت به معنای «دادن در حالی که در کنار کسی ایستاده‌ای» است – یعنی تحویل دادن کسی از درون حلقه اعتماد. یهودا از دور به عیسی حمله نکرد. او در کنار او راه رفت، با او غذا خورد، او را بوسید – و او را تحویل داد. و در اینجا وزنی است که این واژه فراتر از خیانت با خود حمل می‌کند: همان واژه G3860 paradidōmi توسط پولس برای عمل خود خدا به کار رفته است: «او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه همه ما تسلیم کرد» (رومیان ۸:۳۲). فعل خیانت و فعل نجات، همان واژه یونانی هستند. آنچه یهودا در خیانت انجام داد، خدا در محبت انجام داد. هر دو او را تسلیم کردند. یکی برای نقره، دیگری برای جهان.

نام اسخریوطی موضوع بحث‌های علمی قابل توجهی بوده است. پذیرفته‌شده‌ترین ریشه، از کلمه عبری Ish-Kerioth است – «مردی از قریوت.» قریوت شهری در جنوب یهودیه بود (یوشع ۱۵:۲۵). اگر این درست باشد، پس یهودا تنها کسی از آن دوازده نفر بود که جلیلی نبود. او یک یهودیه‌ای در میان جلیلیان بود، از همان ابتدا بیگانه‌ای در حلقه درونی. و سرزمینی که او از آن آمده بود، پژواک تاریک خود را دارد: یهودا از یهودیه (Judah) آمد – و این یهودای پطریارک بود که برای اولین بار پیشنهاد فروختن برادر در ازای نقره را داد. «اگر برادرمان را بکشیم و خونش را پنهان کنیم، چه سودی دارد؟ بیایید او را به اسماعیلیان بفروشیم» (پیدایش ۲۶:۳۷-۲۷). مردی از سرزمین یهودا، کاری را تکرار کرد که مردی به نام یهودا انجام داده بود: او پسر محبوب را در ازای سکه‌های نقره به غیریهودیان فروخت. این شاید توضیحی باشد برای اشاره‌ای که در انجیل یوحنا به یهودا شده است: «یهودا، پسر شمعون اسخریوطی» (یوحنا

۶:۷۱، ۱۳:۲، ۱۳:۲۶) – پدر او شمعون نیز با این محل منشأ شناخته می‌شد تا این یهودا از شاگرد دیگر که نامش یهودا (برادر یعقوب) بود، متمایز شود.

آنچه در فهرست‌های رسولان تکان‌دهنده است، این است که فراتر از عمل نهایی یهودا، اطلاعات ناچیزی درباره او به ما داده شده است. پطرس به عنوان نفر اول توصیف شده است. متی باجگیر خوانده شده است. شمعون، قانونی (یا غیور) نامیده شده است. اما یهودا هیچ توصیفی از شخصیت، دعوت یا پیشینه خود دریافت نمی‌کند – تنها نشانی از آنچه خواهد شد. انجیل‌ها به زندگی‌نامه او علاقه‌ای ندارند. آن‌ها به نقش او در داستان رستگاری علاقه‌مندند، و آن نقش یگانه است: او کسی بود که پسر خدا را تسلیم کرد.

با این حال، پیش از آن عمل نهایی، یهودا شرکت‌کننده‌ای تمام‌عیار در خدمت عیسی بود. وقتی عیسی آن دوازده نفر را دو به دو فرستاد تا به ملکوت موعظه کنند، دیوها را بیرون برانند و بیماران را شفا دهند (مرقس ۶:۷-۱۳)، یهودا در میان آن‌ها بود. به او همان اقتداری داده شد که به پطرس داده شده بود، و همان قدرتی که به یوحنا. او همان پیام را موعظه کرد. او احتمالاً همان معجزات را دید. در انجیل‌ها هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که یهودا در طول سال‌های خدمت عمومی عیسی، به ظاهر تفاوتی با یازده نفر دیگر داشته باشد. وقتی عیسی در شام آخر اعلام کرد که یکی از آن‌ها به او خیانت خواهد کرد، شاگردان فوراً به یهودا اشاره نکردند. آن‌ها «با حیرت به یکدیگر نگاه می‌کردند و نمی‌دانستند در حق که می‌گوید» (یوحنا ۱۳:۲۲). هر یک پرسیدند: «خداوندا، آیا من هستم؟» (متی ۲۶:۲۲). یهودا به عنوان مظنون بدیهی جلوه نکرد.

این یک جزئیات عمیقاً نگران‌کننده است – و باید شما را نگران کند. اگر یهودا توانست به مدت سه سال در همان سفره‌ای بنشیند که پسر خدا نشسته بود و تغییر نکند، پس مجاورت با مسیح به معنای تصاحب مسیح نیست. مردی سه سال با عیسی راه رفت، هر موعظه‌ای را شنید، شاهد هر معجزه‌ای بود، در هر مأموریتی شرکت کرد – و در قلبش تغییر نکرد. نزدیکی به مسیح او را نجات نداد. قدرت مسیح که از طریق او جریان می‌یافت، او را دگرگون نکرد. آن قدر نزدیک بود که پسر خدا را لمس کند، و با این حال، به گفته خود عیسی، او یک ابلیس بود (یوحنا ۶:۷۰).

عیسی به کوه برآمد و هر که را خود می‌خواست نزد خویش خواند، و آن‌ها نزد او آمدند. پس دوازده تن را برگزید تا همراه او باشند و آنان را به موعظه بفرستد ... [آیه ۱۹] و یهودای اسخریوطی را که او را تسلیم کرد. پس به خانه‌ای درآمدند.

Mark 3:13-19 ---

مرقس به ما می‌گوید که عیسی «هر که را خود می‌خواست نزد خویش خواند.» انتخاب آن دوازده نفر یک عمل حاکمیتی بود. این یک فراخوان داوطلبانه نبود. عیسی آن‌ها را خواند. او آن‌ها را برگزید. لوقا جزئیاتی را اضافه می‌کند که اهمیت موضوع را عمیق‌تر می‌کند: «چون روز شد، شاگردان خود را فرا خواند و از میان آن‌ها دوازده نفر را برگزید و ایشان را رسول نامید» (لوقا ۶:۱۳). عیسی تمام شب پیش از آن را در دعا سپری کرده بود (لوقا ۶:۱۲) و سپس این انتخاب را انجام داد. او تمام شب دعا کرد – و سپس یهودا را برگزید.

این یک اشتباه نبود. عیسی درباره یهودا اشتباه قضاوت نکرد. او پتانسیلی را ندید که بعدها فاسد شود. او از روز اول می‌دانست یهودا چیست و چه خواهد کرد. یوحنا این موضوع را صریح بیان می‌کند: «زیرا عیسی از ابتدا می‌دانست چه کسانی ایمان نمی‌آورند و کیست که او را تسلیم خواهد کرد» (یوحنا ۶:۶۴). از ابتدا. نه از لحظه‌ای که یهودا نزد سران کاهنان رفت. نه از لحظه‌ای که شیطان وارد او شد. از ابتدا – از شب دعا بر فراز کوه، از لحظه‌ای که یهودا را به نام خواند و او را در شمار آن دوازده نفر آورد.

این پرسش فشار می‌آورد: چرا؟ چرا کسی را انتخاب کنی که می‌دانی به تو خیانت خواهد کرد؟ چرا یک خائن را در حلقه‌ی درونی خود بگنجانی؟ چرا پاهای کسی را بشویی که تو را به قیمت یک برده خواهد فروخت؟

پاسخ، تا آنجا که کتاب مقدس آن را آشکار می‌کند، توسط خود عیسی در بالاخانه داده شده است: «درباره‌ی همه‌ی شما سخن نمی‌گویم؛ من کسانی را که برگزیده‌ام می‌شناسم. اما باید نوشته‌ای از کتاب مقدس به تحقق بپیوند که می‌گوید: «آن که نان مرا می‌خورد، پاشنه‌ی خود را بر ضد من بلند کرده است»» (یوحنا ۱۸:۱۳). گنجاندن یهودا در میان آن دوازده نفر، علیرغم نبوت نبود – بلکه به خاطر نبوت بود. کتب مقدس پیشگویی کرده بودند که مسیح توسط یک دوست نزدیک تسلیم خواهد شد، کسی که با او هم‌سفره بوده است (مزامیر ۴۱:۹). برای اینکه آن نبوت محقق شود، خائن باید کسی از نزدیکان می‌بود. او باید یکی از آن دوازده نفر می‌بود.

و چنین شد که یهودا جای خود را در سفره گرفت، اقتدار خود را دریافت کرد، مأموریت خود را به انجام رساند و منتظر ماند – یا بهتر بگوییم، انتظار او را می‌کشیدند – تا ساعت مقرر فرا رسد.

## فصل ۳

### یکی از شما ابلیس است

عیسی در پاسخ ایشان گفت: «آیا من شما دوازده تن را برنگزیدم؟ با این حال، یکی از شما ابلیس است!» منظور او یهودای اسخریوطی، پسر شیمعون بود؛ زیرا او که یکی از آن دوازده تن بود، قصد داشت به او خیانت کند.

John 6:70-71 ---

فصل ششم انجیل یوحنا یک نقطه عطف را ثبت کرده است. عیسی آن پنج هزار نفر را خوراک داده است. جمعیت کثیری او را دنبال می‌کنند. و سپس او شروع به تعلیم چیزی می‌کند که آن‌ها را از خود می‌راند: «آمین، آمین، به شما می‌گویم، اگر بدن پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید» (یوحنا ۶:۵۳). این بیان تعمداً دشوار است. این یک آزمایش است، و جمعیت در آن شکست می‌خورند. «از آن زمان، بسیاری از شاگردان او بازگشتند و دیگر با او همراهی نکردند» (یوحنا ۶:۶۶).

عیسی رو به آن دوازده تن کرده و سؤالی می‌پرسد که طنین غم در آن است: «آیا شما هم می‌خواهید بروید؟» (یوحنا ۶:۶۷). پطرس به نمایندگی از گروه، با یکی از بزرگ‌ترین اعترافات کتاب مقدس پاسخ می‌دهد: «خداوندا، نزد کی برویم؟ کلمات حیات جاودان نزد توست. ما ایمان آورده‌ایم و می‌دانیم که تو آن قدوس خدایی» (یوحنا ۶:۶۸-۶۹).

و آنگاه عیسی سخنی می‌گوید که لابد لرزه بر اندام تک‌تک آن‌ها انداخته است: «آیا من شما دوازده تن را برنگزیدم؟ با این حال، یکی از شما ابلیس است!» (یوحنا ۶:۷۰).

واژه یونانی که در اینجا «ابلیس» ترجمه شده است، G1228 diabolos می‌باشد. این واژه G1140 daimonion (یک دیو، یا روحی پلید و مرتبه‌ای پایین‌تر) نیست. بلکه G1228 diabolos است — همان واژه‌ای که در سرتاسر عهد جدید برای خود شیطان به کار رفته است. این واژه به معنای «افترا زنده» و «متهم‌کننده دروغین» است، کسی که در برابر خدا می‌ایستد. وقتی عیسی یهودا را یک G1228 diabolos می‌نامد، از یک استعاره به شکلی گذرا استفاده نمی‌کند. او یهودا را با خود خصم (شیطان) یکی می‌انگارد. ارجاعات متقابل برای یوحنا ۶:۷۰ به یوحنا ۸:۴۴ اشاره دارند، جایی که عیسی به فریسیان می‌گوید: «شما از پدر خود ابلیس هستید»، و نیز به اول یوحنا ۳:۸: «آن که گناه می‌کند از ابلیس است، زیرا ابلیس از آغاز گناهکار بوده است.» این ارجاعات همچنین به یوحنا ۱۳:۲ اشاره دارند، جایی که ابلیس وسوسه خیانت را در قلب یهودا می‌نهد، و به یوحنا ۱۳:۲۷، جایی که شیطان جسماً وارد او می‌شود.

یوحنا به وضوح به ما می‌گوید منظور عیسی که بود: «منظور او یهودای اسخریوطی، پسر شیمعون بود؛ زیرا او که یکی از آن دوازده تن بود، قصد داشت به او خیانت کند» (یوحنا ۶:۷۱). آیه‌ای که عنوان این کتاب از آن گرفته شده است. ابزار دست ابلیس بر سر سفره نشسته بود. او برگزیده شده بود، نامیده شده بود، مأموریت یافته بود، و بر ارواح ناپاک اقتدار یافته بود — و با این حال، او یک ابلیس بود.

به زمان بندی دقت کنید. این اعلام مدت‌ها پیش از خیانت صورت می‌گیرد. پیش از تدهین در بیت‌عنیا، پیش از ورود به اورشلیم، و پیش از شام آخر. عیسی در واکنش به کاری که یهودا انجام داده سخن نمی‌گوید، بلکه آنچه را که یهودا «هست» فاش می‌کند. زمان فعل در زبان یونانی حال است: یکی از شما ابلیس است. نه اینکه «خواهد شد»، یا «در خطر تبدیل شدن است»، بلکه: است.

اما برخی از شما هستند که ایمان ندارند.» زیرا عیسی از آغاز می‌دانست که چه کسانی ایمان ندارند و چه کسی به او خیانت خواهد کرد.

John 6:64 ---

دو آیه قبل، یوحنا شالوده الهیاتی سخن عیسی در آیه ۷۰ را به ما ارائه می‌دهد. عیسی از آغاز می‌دانست. واژه «آغاز» (G746 archē) همان واژه‌ای است که در یوحنا ۱:۱ به کار رفته است: «در ابتدا کلمه بود.» این تنها به معنای «از شروع خدمت عمومی» نیست، بلکه بار سنگین علم ازلی را بر دوش دارد. عیسی که پیش از آفرینش جهان با پدر بود، یهودا را پیش از آنکه یهودا خودش را بشناسد، می‌شناخت.

و با این حال، او را برگزید. ارجاعات متقابل این آیه (یوحنا ۶:۶۴) به یوحنا ۲:۲۴-۲۵ پیوند می‌خورند، جایی که می‌خوانیم عیسی «خود را به ایشان نمی‌سپرد، زیرا همه را می‌شناخت. او نیازی نداشت که کسی درباره انسان شهادت دهد، زیرا می‌دانست در درون انسان چیست.» عیسی پشت هر نقابی را می‌دید. او ایمان پطرس و بی‌ایمانی یهودا را می‌شناخت. او ارادت یوحنا و طمع درون قلب یهودا را می‌دانست. او هر انگیزه، هر فکر پنهان و هر جاه‌طلبی مخفی را می‌خواند – و با این حال، همه آن‌ها را برگزید.

این همان رازی است که بر کل روایت یهودا حاکم است. علم پیشین الهی، انتخاب آزادانه انسان را لغو نمی‌کند. عیسی می‌دانست یهودا آزادانه چه خواهد کرد، و آن عمل آزادانه را در نقشه نجات گنجانده بود. یهودا یک خیمه‌شب‌بازی نبود. او برای خیانت تحت فشار قرار نگرفت. او در هر قدم، راهی را انتخاب کرد که او را به سوی سران کاهنان برد. اما انتخاب او دانسته شده بود، انتخاب او پیش‌گویی شده بود، و انتخاب او در خدمت هدفی بود که بزرگ‌تر از هر آن چیزی بود که یهودا می‌توانست تصور کند.

ارجاعات متقابل یوحنا ۶:۷۰ همچنین به اعمال رسولان ۱:۱۷ اشاره دارد، جایی که پطرس درباره یهودا می‌گوید: «او در شمار ما بود و در این خدمت سهمی داشت.» واژه «سهم یافتن» در اینجا elachen است – او قرعه و سهم خود را دریافت کرد. حتی جایگاه او در میان آن دوازده تن به او واگذار شده بود. و اعمال رسولان ۱۳:۱۰ ثبت کرده است که پولس، غلیماس جادوگر را «ای فرزند ابلیس و دشمن هر پارسایی» خطاب می‌کند – و از زبانی استفاده می‌کند که پژواک سخنان عیسی درباره یهودا است. روحی که در یهودا دمیده شده بود، همان روحی است که در هر نسلی با انجیل مخالفت می‌کند.

«یکی از شما ابلیس است.» این جمله‌ای است که باید هر خواننده‌ای را به تأمل وادارد. نه به این دلیل که ما یهودا هستیم، بلکه به این دلیل که یهودا یکی از آن دوازده تن بود. او درون آن حلقه بود. او کلمات حیات جاودان را شنید و تکان نخورد. او جلال خدا را در چهره عیسی مسیح دید و ارزش آن را با نقره محاسبه کرد.

## فصل ۴

### دزد

اما یکی از شاگردان او، یعنی یهودای اسخریوطی پسر شمعون، همان که می‌بایست او را تسلیم کند، گفت: «چرا این عطر به سیصد دینار فروخته نشد تا پولش به مستمندان داده شود؟» او این را نه از آن‌رو گفت که نگران مستمندان بود، بلکه از آن‌رو که دزد بود و کیسه پول در نزد او بود و از آنچه در آن ریخته می‌شد، برداشت می‌کرد.

John 12:4-6 ---

فقط یوحنا این جزئیات را به ما می‌دهد، و آن را با صراحتی بیان می‌کند که جایی برای دلسوزی باقی نمی‌گذارد. یهودا یک دزد بود. او کیسه مشترک را حمل می‌کرد – کیسه پولی که هزینه خدمت سیار عیسی و دوازده شاگرد را تأمین می‌کرد – و از آنچه در آن بود برای خود برمی‌داشت.

صحنه در خانه ایلعازر در بیت‌عنیا، شش روز پیش از عید فصح است (یوحنا ۱:۱۲). مریم، خواهر ایلعازر، یک پوند عطر ناردین – خالص و بسیار گرانبها – را برمی‌دارد و پاهای عیسی را تدهین می‌کند و با موهای خود آن‌ها را خشک می‌نماید. عطر فضای خانه را پر می‌کند. این عملی از روی فداکاری بی‌حد و حصر است، و بلافاصله با اعتراض یهودا مواجه می‌شود: «چرا این عطر به سیصد دینار فروخته نشد تا به فقرا داده شود؟» (یوحنا ۵:۱۲).

سیصد پنس – سیصد دینار – تقریباً دستمزد یک سال یک کارگر ساده بود. این اعتراض معقول به نظر می‌رسد. حتی پارسایانه به نظر می‌رسد. مسلماً این پول می‌توانست برای اطعام گرسنگان مفیدتر باشد تا برای معطر کردن پاهای یک ربی؟ متی و مرقس ثبت کرده‌اند که شاگردان دیگر نیز در این خشم سهیم بودند (متی ۸:۲۶، مرقس ۴:۱۴). اما یوحنا که دهه‌ها بعد با بهره‌مندی از دانش کامل می‌نویسد، به ما می‌گوید که پشت حرف‌های یهودا چه بود: طمع. «او این را نه از آن‌رو گفت که نگران مستمندان بود، بلکه از آن‌رو که دزد بود و کیسه پول در نزد او بود و از آنچه در آن ریخته می‌شد، برداشت می‌کرد.»

واژه یونانی برای «کیسه»، *glōssokomon* G1101 است Abbott-Smith. پیشنهاد آن را دنبال می‌کند: این واژه در ابتدا به جعبه‌ای برای نگهداری زبانه‌ها یا زبانه‌های موسیقی – جعبه فلوت – اشاره داشت. اما در سبعینیه، همین واژه برای ترجمه کلمه عبری *aron* به کار رفته است – کلمه‌ای که برای تابوت عهد استفاده می‌شود (دوم سموئیل ۱۱:۶، دوم تواریخ ۸:۲۴). کیسه پولی که یهودا حمل می‌کرد، با همان واژه یونانی نامیده شده است که مترجمان برای صندوق مقدسی که حضور خدا را در خود داشت، به کار بردند. یک *glōssokomon* G1101 جلال خداوند را در خود داشت. دیگری شامل جوهی بود که دزد آن‌ها را اختلاس می‌کرد. تا قرن اول، این واژه برای هر نوع صندوق یا جعبه پول به کار می‌رفت. واژه برای «برداشت کردن» *G941 ebastadzen* است که می‌تواند به معنای «حمل کردن» باشد، اما به

معنای «کش رفتن» نیز هست – یوحنا ممکن است آگاهانه از آن با ایهام استفاده کرده باشد، به این معنا که هم یهودا کیسه را حمل می‌کرد و هم آنچه را که در آن بود می‌ربود.

کتاب Types Bible Wilson's با صراحتی خاص، وزن این جزئیات را تأیید می‌کند. تحت عنوان «کیسه»، ویلسون درباره یوحنا ۱۲:۶ می‌نویسد: «یهودا خزانه‌دار شاگردان بود و از پولی که برای نگهداری به او سپرده شده بود، سرقت می‌کرد. این درسی برای ماست که از آنچه متعلق به خداوند است و برای محافظت در اختیار ما قرار گرفته، سوءاستفاده نکنیم.» درس ساده است: یهودا چیزی را که متعلق به مسیح بود در دست داشت و با آن همچون دارایی خود رفتار می‌کرد. آن کیسه یک امانت‌داری بود، نه یک مالکیت – و آن دزد، امانت‌داری را به خدمت به خود تبدیل کرد. این قدیمی‌ترین گناه در کتاب مقدس است که ردای خدمت بر تن کرده است.

صرف و نحو این آیه چیزی را آشکار می‌کند که در ترجمه انگلیسی پنهان می‌ماند. تمام افعال کلیدی در یوحنا ۱۲:۶ در زمان ماضی استمراری یونانی هستند – emeleiv («او اهمیت می‌داد»)، ēn («او بود»)، eichen («او داشت»)، G941 ebastadzen («او برمی‌داشت»). زمان ماضی استمراری در یونانی بر عملی مداوم، عادت و تکرار شونده در گذشته دلالت دارد. یوحنا یک لغزش منفرد را توصیف نمی‌کند. او یک الگو را توصیف می‌کند – یک وضعیت جاری. یهودا به‌طور عادت‌ی نسبت به فقرا بی‌تفاوت بود. او به‌طور عادت‌ی دزد بود. او به‌طور عادت‌ی از کیسه پول برداشت می‌کرد. سرقت یک عمل مجزا نبود که پیش از خیانت رخ داده باشد. این شیوه‌ای از زندگی بود که خیانت را ممکن ساخت.

این جزئیات – یهودا به عنوان خزانه‌دار – چیزی درباره جایگاه او در میان دوازده شاگرد به ما می‌گوید. به او اعتماد شده بود. دیگران نمی‌دانستند که او دزدی می‌کند. وقتی عیسی در شام آخر به یهودا گفت آنچه را که می‌خواهی انجام دهی، سریع‌تر انجام بده، سایر شاگردان گمان کردند عیسی او را برای انجام ماموریتی می‌فرستد: «چون کیسه پول نزد یهودا بود، برخی گمان کردند عیسی به او می‌گوید: "آنچه برای عید لازم داریم بخر" یا اینکه چیزی به مستمندان بدهد» (یوحنا ۱۳:۲۹). آن‌ها دلیلی برای سوءظن به او نداشتند. او نقش یک مباشر مسئول را بازی می‌کرد، کسی که امور مالی را مدیریت می‌کرد و نگران فقرا بود.

زیرا عشق به پول، ریشه هر نوع بدی است و برخی در آرزوی آن، از ایمان گمراه گشته و خود را به دردهای بسیار دوخته‌اند.

1 Timothy 6:10 ---

پیوند میان یهودا و عشق به پول در سراسر روایت خیانت جریان دارد. او نزد سران کاهنان رفت و گفت: «به من چه می‌دهید تا او را تسلیم شما کنم؟» (متی ۲۶:۱۵). پرسش صریح است. این یک معامله است. سران کاهنان سی سکه نقره پیشنهاد دادند – قیمتی که توسط زکریا تعیین شده بود، قیمت یک برده طبق شریعت (خروج ۲۱:۳۲). و یهودا پذیرفت.

جا دارد در مورد ناچیز بودن این مبلغ درنگ کنیم. سیصد دینار ارزش عطر مریم بود. سی سکه نقره تقریباً یک‌دهم آن بود. اگر یهودا عیسی را برای پول فروخت، این کار را ارزان انجام داد. ارزشی که او برای پسر خدا قائل شد، کمتر از ارزش یک شیشه عطر بود.

با این حال، کتاب مقدس انگیزه یهودا را تنها به پول تقلیل نمی‌دهد. لوقا به ما می‌گوید که «شیطان در یهودا ... داخل گشت» (لوقا ۲۲:۳) پیش از آنکه او نزد سران کاهنان برود. یوحنا می‌گوید که «ابلیس در دل یهودای اسخریوطی پسر شمعون انداخته بود که او را تسلیم کند» (یوحنا ۱۳:۲). طمع مجرایی بود، اما نیرویی که از آن عبور می‌کرد، شیطانی بود. یهودا از طریق دزدی‌های عادی خود در را باز کرد و چیزی به مراتب تاریک‌تر از آن عبور کرد.

## فصل ۵

### دوست صمیمی

آری، حتی دوست صمیمی‌ام که به او اعتماد داشتم و نان مرا می‌خورد، پاشنه خود را بر ضد من بلند کرده است.

Psalm 41:9 ---

عیسی این آیه را در شبی که به او خیانت شد نقل کرد. او در حالی که با آن دوازده تن بر سر سفره نشسته بود و می‌دانست چه اتفاقی در شرف وقوع است، فرمود: «درباره همه شما سخن نمی‌گویم؛ من کسانی را که برگزیده‌ام می‌شناسم. اما این باید به کمال برسد که نوشته شده است: "آن که نان مرا می‌خورد، پاشنه خود را بر ضد من بلند کرده است"» (یوحنا ۱۳:۱۸). مزموری که او نقل کرد، تقریباً هزار سال پیش از آن توسط داوود نوشته شده بود. داوود از تجربه شخصی خود سخن می‌گفت – از همراهی قابل اعتماد که بر ضد او برخاسته بود. اما عیسی آن را در مورد خود و یهودا به کار برد و اعلام کرد که آن کلمات باستانی، تحقق نهایی خود را در وقایع همان شب می‌یابند.

متن عبری مزمو ۴۱:۹ بسیار زنده و گویاست. «دوست صمیمی‌ام» ترجمه shelomi ish است – به معنای لغوی «مرد سلامتی (صلح) من»، مردی که با او عهد صلح و دوستی داشتم. این یک آشنایی معمولی نبود، بلکه شخصی بود که با عمیق‌ترین پیوندهای رفاقت مرتبط بود. «که به او اعتماد داشتم» – واژه عبری آن batachti است، همان واژه‌ای که در سراسر مزامیر برای توکل به خدا به کار رفته است. داوود به این مرد اعتماد کرده بود، آن‌گونه که انسان به خدا توکل می‌کند. «و نان مرا می‌خورد» – در خاور نزدیک باستان، نان خوردن با کسی به معنای ورود به پیمان وفاداری و تعهد متقابل بود. خوردن نان یک نفر و سپس خیانت به او، عمیق‌ترین هتک حرمت محسوب می‌شد. و «پاشنه خود را بر ضد من بلند کرده است» – تصویر اسبی است که به صاحبش لگد می‌زند، یا مردی که پای خود را بلند می‌کند تا کسی را که به او غذا داده است، لگدمال کند.

کتاب Wilson Types Bible اثر Wilson، الگوی «پاشنه» را در سرتاسر کتاب مقدس با دقت دنبال می‌کند. ویلسون در مورد مزمو ۴۱:۹ تحت عنوان «پاشنه» می‌نویسد: «از این طریق درمی‌یابیم که یهودا مخفیانه و فریبکارانه به عیسی خیانت کرد و او را به دشمنانش سپرد.» و در مورد پیدایش ۳:۱۵، نخستین نبوت در کتاب مقدس، ویلسون می‌افزاید: «این تمثیل نشان می‌دهد که شیطان سد راه خداوند عیسی در مسیر زمینی‌اش می‌شود و به او آسیب می‌رساند، اما نمی‌تواند او را نابود کند.» واژه پاشنه از باغ عدن تا جتسیمانی جاری است. در پیدایش ۳:۱۵، مار پاشنه نسل زن را می‌کوبد – شیطان به مسیح جراحات وارد می‌کند، اما نمی‌تواند او را نابود سازد. در مزمو ۴۱:۹، دوست صمیمی پاشنه خود را بر ضد کسی که به او روزی داده، بلند می‌کند. و در جتسیمانی، یهودا – که ابزار مار بود – با یک بوسه، پاشنه پسر خدا را می‌زند.

این تیپولوژی (الگوواره)، نخستین نبوت کتاب مقدس را به تاریک‌ترین تحقق آن پیوند می‌دهد: عامل مار، که در حلقهٔ نزدیکان و مورد اعتماد بود، پاشنهٔ خود را بر ضد مسیح بلند کرد. عیسی همهٔ این‌ها را – نان مشترک، اعتماد شکسته شده، و پاشنهٔ بلند شده – گرفت و فرمود: این دربارهٔ من و یهودا است.

زیرا دشمن نبود که مرا ملامت کرد، وگرنه تحمل می‌کردم؛ و نه آن که از من نفرت داشت که بر من کبر فروخت، وگرنه خود را از او پنهان می‌ساختم. بلکه تو بودی، ای مردی که همتای منی، یار و دوست صمیمی من! ما با هم گفتگوهای شیرین داشتیم و در خانهٔ خدا با جماعت راه می‌رفتیم.

Psalm 55:12-14 ---

مزمور ۵۵ مزمور دیگری از داوود است که مراجع متقاطع آن را به خیانت یهودا مرتبط می‌کنند. داوود مغلوب پیمان‌شکنی شده است. شهر او پر از خشونت و نزاع است (مزمور ۵۵:۹). اما آنچه او را در هم می‌شکند، عداوت یک دشمن نیست – بلکه خیانت یک دوست است. «زیرا دشمن نبود که مرا ملامت کرد، وگرنه تحمل می‌کردم.» اگر یک مخالف آشکار به او حمله کرده بود، داوود می‌توانست آن را تحمل کند. اما «تو بودی، ای مردی که همتای منی، یار و دوست صمیمی من» – کسی که با او به خانهٔ خدا می‌رفت، کسی که با او گفتگوهای شیرین داشت.

ارجاعات متقاطع از مزمور ۱۲:۵۵-۱۳ مستقیماً به مزمور ۴۱:۹ و به عوبدیا ۱:۷ پیوند می‌خورند، که متحدانی را توصیف می‌کند که «تو را فریب داده و بر تو غلبه یافته‌اند.» آن‌ها همچنین به ارمیا ۲۰:۱۰ متصل می‌شوند، جایی که پیامبر از «دوستان صمیمی» سخن می‌گوید که منتظر لغزش او هستند. این الگو در سراسر عهد عتیق تکرار می‌شود: ویرانگرترین خیانت‌ها از درون حلقهٔ خودی صورت می‌گیرند.

داوود در مزمور ۵۵:۱۵، حکمی سهمگین برای خیانتکار خود صادر می‌کند: «مرگ بر ایشان ناگهان بتازد و زنده به هاویه فرو روند؛ زیرا شرارت در خانه‌های ایشان و در میان ایشان است.» ارجاعات متقاطع این را به مزمور ۶:۱۰۹-۸ پیوند می‌دهند، جایی که داوود دعا می‌کند: «شریری بر او بگمارد، و ابلیس به دست راست او بایستد. چون داوری شود، محکوم برآید... روزهایش اندک باشد و دیگری منصب او را بگیرد.» پطرس دقیقاً همین آیه را در اعمال ۱:۲۰ نقل کرد، هنگامی که توضیح می‌داد چرا لازم است کسی جایگزین یهودا در میان آن دوازده تن شود.

مزامیر صرفاً توصیف‌کنندهٔ دشمنان شخصی داوود نبودند. آن‌ها به واسطهٔ روح مسیح که در پیامبران بود (۱ پطرس ۱:۱۱)، خیانت آیندهٔ مسیح توسط یکی از نزدیکانش را توصیف می‌کردند. رنج‌های داوود یک «تیپ» – یک پیش‌درآمد – از رنج‌های مسیح بود. و خیانت توسط یک دوست صمیمی، یکی از دردناک‌ترین عناصر آن پیش‌درآمد بود.

هنگامی که عیسی در شام آخر فرمود: «تا کلام خدا به انجام رسد» (یوحنا ۱۳:۱۸)، او مدعی بود که تک‌تک این متون عهد عتیق متعلق به اوست. مزامیر داوود، در عمیق‌ترین معنای خود، مزامیر مسیح بودند. دوست صمیمی که پاشنهٔ خود را بلند کرد، یهودای اسخریوطی بود. گفتگوی شیرینی که با هم داشتند، مصاحبت آن دوازده تن بر سر سفرهٔ خداوند بود. و آن پاشنهٔ بلند شده، در شرف ضربه زدن بود.

## فصل ۶

### یونانی و عبری

بکوش تا خود را در حضور خدا مقبول نمایی، کارگری که نیازی به شرمساری نداشته باشد و کلام حقیقت را به درستی تبیین کند.

--- 2 تیموتائوس 2:15

عهد جدید به زبان یونانی نوشته شده است. عهد عتیق به زبان‌های عبری و آرامی نگاشته شده است. کتاب مقدس نسخه King James یک ترجمه انگلیسی است – وفادار، زیبا و محبوب – اما با این حال یک ترجمه است، و هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند تمام آنچه را که زبان اصلی در خود دارد، به کمال برساند. در فصل‌های پیش رو، با کلمات یونانی و عبری روبرو خواهیم شد که حقایق را آشکار می‌کنند که متن ترجمه به تنهایی قادر به بیان کامل آن‌ها نیست. این فصل، مهم‌ترین آن‌ها را در یک جا گرد آورده است، تا خواننده‌ای که مشتاق تعمق بیشتر است، بتواند چنین کند و وزن زبان اصلی حتی توسط کسانی که هرگز یونانی یا عبری نیاموخته‌اند، احساس شود.

هر کلمه در ادامه از طریق Strong's Concordance و تحلیل ساختاری متن اصلی تأیید شده است. اعداد داخل پرانتز (مانند G1228 یا H3034 شماره‌های مرجع Strong هستند که به هر خواننده‌ای اجازه می‌دهند خودشان مدخل اصلی را جستجو کنند.

### ۱.۶ واژگانی که یهودا را توصیف می‌کنند

**G3860 Paradiđōmi** – کلمه‌ای که در سراسر انجیل‌ها به «خیانت کردن» ترجمه شده است. این واژه از دو بخش تشکیل شده است: **G3844 para** به معنای «در کنار» و **G1325 didōmi** به معنای «دادن». خیانت کردن در زبان یونانی به معنای واقعی کلمه یعنی «دادن در حالی که در کنار ایستاده‌ای» – تسلیم کردن کسی از درون حلقه اعتماد. یهودا از دور حمله نکرد. او عیسی را از نزدیک‌ترین جایگاه به او تسلیم کرد.

همان‌طور که روایت خیانت پیش می‌رود، ساختار دستوری این کلمه تغییر می‌کند. وقتی یهودا برای نخستین بار به دنبال فرصت می‌گردد، فعل در وجه التزامی است – وجه امکان و احتمال: «چگونه او را تسلیم کند» (متی ۲۶:۱۶). در شام آخر، عیسی از زمان آینده استفاده می‌کند: «یکی از شما به من خیانت خواهد کرد» (متی ۲۶:۲۱). وقتی یهودا شناسایی می‌شود، این واژه به یک اسم فاعل تبدیل می‌شود – **paradiđous ho** – «آن که خیانت می‌کند»، یک عمل مداوم، هویت جدید او. و هنگامی که عیسی در جتسیمانی با او سخن می‌گوید، فعل در وجه اخباری حال است: «ای یهودا، با بوسه‌ای پسر انسان را خیانت می‌کنی؟» (لوقا ۲۲:۴۸). دستور زبان، قوس این مسیر را از نیت تا عمل، و از امکان تا واقعیتی هولناک ترسیم می‌کند.

**G1228 Diabolos** – کلمه‌ای که عیسی در یوحنا ۶:۷۰ به کار می‌برد وقتی می‌گوید «یکی از شما دیو است.» این واژه G1140 daimonion (یک روح شرور رده پایین‌تر) نیست. Diabolos کلمه‌ای است که در سراسر عهد جدید برای خود شیطان به کار رفته است. این کلمه به معنای «تهمت‌زننده»، «شاکی دروغین» و کسی است که در تقابل با خدا می‌ایستد. در متن اصلی یونانی یوحنا ۶:۷۰، G1228 diabolos به عنوان یک صفت عمل می‌کند – این کلمه توصیف می‌کند که یهودا چیست، نه اینکه صرفاً عنوانی باشد که به او چسبانده شده است. و فعل G1510 estin («است») در زمان حال و وجه اخباری است – بیانی از یک حقیقت فعلی و مداوم. نه اینکه «خواهد شد.» نه اینکه «ممکن است باشد.» بلکه «هست.»

**G684 Apōleia** – کلمه‌ای که در یوحنا ۱۷:۱۲ به «هلاکت» ترجمه شده است، جایی که عیسی یهودا را «پسر هلاکت» می‌نامد. این واژه به معنای نابودی، ویرانی و خسار مطلق است. این همان کلمه‌ای است که در متی ۷:۱۳ برای راه فراموشی که به «هلاکت» می‌انجامد، و در مکاشفه ۱۷:۸ برای وحشی که به «هلاکت» می‌رود، به کار رفته است. خواننده شدن به عنوان «پسر هلاکت» به این معناست که فرد با خود نابودی تعریف شود – نه صرفاً کسی که نابود می‌شود، بلکه کسی که متعلق به نابودی است.

**G3338 Metamelomai** – کلمه‌ای که در متی ۲۷:۳ استفاده شده وقتی یهودا «پشیمان شد.» این کلمه به معنای احساس تأسف، تجربه پشیمانی و لبریز شدن از اندوه به خاطر کاری است که فرد انجام داده است. این واژه به طور حیاتی با G3340 metanoē متفاوت است؛ کلمه‌ای که عیسی هنگام وعظ به کار می‌برد: «توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است» (متی ۴:۱۷). metanoē به معنای تغییر کامل فکر، بازگشت و جهت‌دهی دوباره به کل زندگی به سوی خداست. یهودا G3338 metamelomai – یعنی پشیمانی – را تجربه کرد. او G3340 metanoē – یعنی توبه – را تجربه نکرد. این تمایز، همان تفاوت بین یهودا و پطرس است. هر دو شکست خوردند. یکی بازگشت؛ دیگری بر ضد خود برخاست.

**G2705 Kataphileō** – واژه‌ای برای بوسه در جتسیمانی (متی ۲۶:۴۹). این صورت تشدید شده کلمه G5368 phileō (دوست داشتن، بوسیدن) است – که از G2596 kata (بر روی) و G5368 phileō ترکیب شده است. این کلمه به معنای بوسیدن مشتاقانه، گرم و با ابراز محبت نمایان است. این واژه تنها چهار بار در کل عهد جدید ظاهر شده است: وقتی آن زن گناهکار پاهای عیسی را با محبت بوسید (لوقا ۷:۳۸)؛ وقتی پدر پسر بازگشته را در آغوش کشید (لوقا ۱۵:۲۰)؛ وقتی پیران افسُس در وداع با پولس گریستند (اعمال ۲۰:۳۷)؛ و وقتی یهودا با بوسه‌ای به عیسی خیانت کرد. سه عمل از عمیق‌ترین نوع محبت. یک عمل خیانت. یهودا از همان کلمه – همان شدت – استفاده کرد که فداکارترین پرستندگان در انجیل‌ها به کار بردند.

**G3845 Parebē** – کلمه‌ای که پطرس در اعمال ۱:۲۵ برای توصیف سقوط یهودا به کار می‌برد: او «از آن انحراف یافت و سقوط کرد.» این واژه به معنای «کنار رفتن از راه، یا منحرف شدن از یک مسیر» است – از G3844 para (در کنار) و G305 bainō (گام برداشتن). یهودا لغزش نخورد. او آگاهانه از مسیری که در آن گام برمی‌داشت، بیرون رفت.

## ۲.۶ واژگانی که بها را توصیف می‌کنند

**Timē G5092** – کلمه‌ای که پولس در ۱ قرنتیان ۶:۲۰ به کار می‌برد وقتی می‌نویسد «به قیمتی خریده شده‌اید.» timē دو معنا دارد: «قیمت» – مبلغ پرداخت شده در یک معامله – و «عزت/احترام» – شأن و ارزش یک شخص. قیمت و عزت در زبان یونانی یک کلمه هستند. بهایی که برای برده پرداخت می‌شود، همان عزتی است که به برده بخشیده می‌شود. وقتی یهودا سی سکه نقره دریافت کرد، او G5092 timē – یعنی یک قیمت – را دریافت کرد. اما خدا آن G5092 timē را به چیزی تبدیل کرد که یهودا هرگز قصدش را نداشت: عزت صلیب، جلال نجات.

**Lytron G3083** – کلمه‌ای که در مرقس ۱۰:۴۵ به «فدیه» ترجمه شده است: «زیرا پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کنند، بلکه تا خدمت کند و جان خویش را فدیه (lytron) بسیاری سازد.» این کلمه به معنای بهایی است که برای آزاد کردن یک برده از اسارت پرداخت می‌شود. این واژه از G3089 lyō مشتق شده که به معنای «گشودن، باز کردن و آزاد کردن» است. فدیه زنجیرها را می‌گشاید. خادم بهای برده را پرداخت تا بردگان را آزاد کند.

**Doulos G1401** – کلمه‌ای که در فیلیپیان ۲:۷ به «غلام» ترجمه شده است، جایی که پولس می‌نویسد عیسی «صورت غلام را پذیرفت.» doulos به معنای یک خدمتکار خانگی نیست. بلکه به معنای برده است – کسی که هیچ حق، اختیار یا ادعایی نسبت به هیچ چیز خود ندارد. عیسی که در صورت خدا بود، صورت یک برده را به خود گرفت. و او به بهای یک برده ارزش‌گذاری شد: سی سکه نقره.

## ۳.۶ واژگانی که شب را توصیف می‌کنند

**Ekeinos G1565** – ضمیر اشاره‌ای که یوحنا در یوحنا ۱۳:۳۰ وقتی یهودا شام را ترک می‌کند به کار می‌برد: «آن شخص فوراً بیرون رفت.» نه «او» بلکه «آن شخص.» دستور زبان، یهودا را از گروه متمایز و دور می‌کند. او دیگر یکی از آن‌ها نیست.

**Eisēlthen G1525** – فعل موجود در یوحنا ۱۳:۲۷ وقتی که «شیطان در او داخل گشت.» این فعل در زمان ماضی مطلق (Aorist) است – عملی تکمیل شده، قاطع و برای همیشه. این یک تسخیر تدریجی نبود. بلکه بسته شدن دری بود که در یک لحظه رخ داد.

**Naos G3485** – کلمه‌ای که در متی ۲۷:۵ برای مکانی که یهودا نقره‌ها را در آن انداخت به کار رفته است. این کلمه G2411 hieron نیست که برای کل محوطه معبد با صحن‌ها و ایوان‌هایش به کار می‌رود. naos قدس یا همان محراب داخلی است – مکانی مقدس که تنها کاهنان اجازه ورود به آن را داشتند. یهودا خون‌بها را به مقدس‌ترین فضای اسرائیل پرتاب کرد.

## ۴.۶ نام‌ها

**loudas / Yēhūdāh (H3063 / G2455)** یهودا. این نام به معنای «ستوده» یا «او ستایش خواهد شد» است. این نام از ریشه عبری H3034 yādâ مشتق شده که معنای دوگانه‌ای دارد:

«ستایش کردن با دستان گشوده» و «پرتاب کردن، افکندن». مردی که نامش «ستایش» بود، کارش را با پرتاب کردن بهای خون بی‌گناه به پایان رساند.

**G2469 Iskariōtēs** – اسخریوطی. از **H377 îš** به معنای «مرد» و **H7149 qiryā** به معنای «شهر». مرد شهر – به طور خاص، مردی از قریوت، شهری در جنوب یهودیه. بیگانه در میان جلیلیان.

**G4613 Simōn** – نام پدر یهودا. از نام عبری **H8095 Šim ōn** به معنای «شنیده شده» یا «شنوایی». پسر «شنوایی» نسبت به صدای مسیح ناشنوا شد.

متن فارسی داستان را به ما بازمی‌گوید، اما یونانی و عبری عمق داستان را به ما نشان می‌دهند. باشد که کلمات اصلی کتاب مقدس درک شما را بگشاید، همان‌گونه که خداوند ذهن شاگردان را در راه عموآس گشود (لوقا ۲۴:۴۵).

## فصل ۷

### نام‌ها و مکان‌ها

حتی دوستِ نزدیک من که به او اعتماد داشتم، همان که نان مرا می‌خورد، پاشنهٔ خود را بر ضد من بلند کرده است.

Psalm 41:9 ---

کتاب مقدس کتابی است که معانی را در نام‌ها پنهان می‌کند. زبان عبری در هر هجا بار الهیاتی خاصی را حمل می‌کند و نام اشخاص و مکان‌هایی که داستان یهودا در آن‌ها رقم می‌خورد نیز از این قاعده مستثنی نیستند. وقتی آن‌ها را دنبال می‌کنیم – از نام خودِ شخص خیانتکار گرفته تا زمینی که در آن به پایان خود رسید – داستانی را بازگو می‌کنند که هیچ نویسندهٔ انسانی نمی‌توانست آن را طراحی کند.

با نام **یهودا** شروع می‌کنیم. واژهٔ یونانی G2455 loudas صورت یونانی واژهٔ عبری Yěhûdâh H3063 است. این نام به معنای «ستوده شده» یا به تعبیری کامل‌تر، «او ستایش خواهد شد» است. این واژه از ریشهٔ H3034 yādâ مشتق شده است و واژه‌نامهٔ عبری براون-دراپور-بریگز (Brown-Driver-Briggs) فاش می‌کند که این ریشه نه دو، بلکه یک معنای چهارگانه دارد – معنایی که کل قوس زندگی یهودا را ترسیم می‌کند. در حالت Qal: تیراندازی کردن به سوی. در: Piel: سنگ‌افکنی بر. در: Hiphil: ستایش کردن، سپاس گفتن. و در: Hithpael: اعتراف کردن. تیرانداز. سنگ‌انداز. ستایش‌گر. اعتراف‌کننده. همه در یک ریشه. وقتی لیه چهارمین پسر خود را یهودا نامید، گفت: «این بار خداوند را ستایش خواهم کرد» (پیدایش ۲۹:۳۵). سبط یهودا، سبط ستایش بود، سبط سلطنتی، نسلی که مسیح از آن ظهور می‌کرد. و خیانتکار همین نام را بر خود داشت – نام ستایش، نام سبط مسیحایی. مردی که نامش «ستایش» بود، به کسی خیانت کرد که باید او را ستایش می‌کرد.

و پیکتوگرام‌های نیا-سینایی (proto-Sinaitic) این کنایه را عمیق‌تر می‌کنند. پنج حرف Yěhûdâh (יְהוּדָה) در شکل تصویری اصلی‌شان چنین خوانده می‌شوند: **Yod** (دستی در کار)، **He** (مردی با دست‌های برافراشته – بنگر!)، **Vav** (یک میخ/قلاب)، **Dalet** (یک در)، **He** (دوباره: بنگر). دست – بنگر – میخ – در – بنگر. مردی به نام یهودا در را باز کرد. و پشت آن در، دست و میخ بود.

و ریشهٔ yādâ – «پرتاب کردن» – دقیقاً همان کاری است که یهودا در پایان انجام داد. وقتی او خون‌بها را به معبد بازگرداند، متی از واژهٔ یونانی G4496 rhipsas (متی ۲۷:۵) استفاده می‌کند – او سکه‌های نقره را پرتاب کرد. مردی که ریشهٔ نام عبری‌اش به معنای «شلیک/پرتاب/ستایش/اعتراف» است، زندگی خود را با پرتاب کردن بهای خون پیش پای کاهنان به پایان رساند. و پیش از آنکه آن را پرتاب کند، اعتراف کرد: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم نمودم» (متی ۲۷:۴). حالت Hithpael از yādâ به معنای اعتراف کردن است – و یهودا اعتراف کرد. ریشهٔ نام او هر عملش را پیش‌گویی کرده بود: او به سوی فرد

بی‌گناه تیر انداخت، نقره را پرتاب کرد و به گناهش اعتراف نمود. تنها حالتی که او هرگز به آن نرسید، Hiphil بود – یعنی ستایش. کسی که نامش ستایش بود، هرگز ستایش نکرد.

و اعداد نیز آنچه را که حروف هجی می‌کنند تأیید می‌نمایند. جماتریا (gematria) یا معادل ابجدی Yēhūdāh (יהודה) – یعنی مجموع ارزش عددی حروف عبری آن – عدد ۳۰ است (Yod) ۱۰ (He) ۵ (Vav) ۶ (Dalet) ۴ (He) ۵ = ۳۰. این همان سی است که زکریا پیش‌گویی کرد: «پس آن‌ها سی پاره نقره را به عنوان مزد من وزن کردند» (زکریا ۱۲:۱۱). نام یهودا خود بهای خیانت است. و وقتی در واژه‌نامه عبری برای هر کلمه‌ای که این عدد را دارد جستجو می‌کنیم، پانزده کلمه می‌یابیم – و در میان آن‌ها، در کنار یهودا: H391 אֲזָבָה که به معنای دروغ، فریب و خیانت است. نام «ستایش» و واژه «خیانت» عدد یکسانی دارند. مردی که برای ستایش نامیده شده بود، به مرد خیانت تبدیل شد – و زبان عبری همه این‌ها را از همان ابتدا می‌دانست.

نام دوم او، اسخریوطی، در یونانی G2469 Iskariōtēs است که از واژگان عبری îš H377 به معنای «مرد» و qiryā H7149 به معنای «شهر» مشتق شده است. اسخریوطی به معنای «مرد شهر» است – به‌ویژه مردی از قریوت H7152، شهری در جنوب یهودیه. یهودا یک یهودی (اهل جنوب) در میان جلیلیان (اهل شمال) بود. او یک بیگانه بود، مردی شهری در میان ماهیگیران و باجگیران شمالی. نامش او را به عنوان کسی که به آن جمع تعلق نداشت متمایز می‌کرد.

نام پدر او کنایه را عمیق‌تر می‌کند. یوحنا مکرراً یهودا را «یهودای اسخریوطی پسر شمعون» معرفی می‌کند (یوحنا ۶:۷۱، ۱۳:۲، ۱۳:۲۶). نام شمعون در یونانی G4613 Simōn و در عبری H8095 Šim ōn است که به معنای «شنیده شده» یا «شنوایی» است. این نام از šāma H8085 مشتق شده که واژه بنیادین عبری برای شنیدن، گوش دادن و اطاعت کردن است – همان واژه‌ای که در «شماع» آمده است: «بشنو ای اسرائیل: خداوند، خدای ما، خداوند یکتاست» (تثنیه ۴:۶). پسر «شنوایی» نسبت به صدای مسیح ناشنوا شد. پسر کسی که نامش به معنای «گوش دادن» است، از گوش دادن امتناع ورزید.

بنابراین نام کامل او چنین خوانده می‌شود: **یهودای اسخریوطی، پسر شمعون** – «ستایش، مرد شهر، پسر شنوایی.» کسی که باید ستایش می‌کرد. کسی که باید می‌شنید. کسی که متمایز ایستاده بود. هر جزء از این نام، داستان آنچه را که او قرار بود باشد و آنچه را که در عوض به آن تبدیل شد، بازگو می‌کند.

حالا مکان‌ها را دنبال کنید. همه چیز از بیت‌لحم آغاز می‌شود. در عبری lehem bêt H1035 است و به معنای «خانه نان» می‌باشد. واژه lehem H3899 واژه متداول عبری برای نان، غذا و غلات است. عیسی که بعدها اعلام کرد «من نان حیات هستم؛ هر که نزد من آید هرگز گرسنه نشود» (یوحنا ۶:۳۵)، در «خانه نان» متولد شد. این یک تصادف نیست. پیامبران آن را پیش‌گویی کرده بودند: «و تو ای بیت‌لحمِ افراته، اگرچه در میان هزاران یهودا کوچکی، اما از تو برای من کسی بیرون خواهد آمد که بر اسرائیل حکمرانی خواهد کرد» (میکاه ۵:۲). نان آسمانی به خانه نان فرود آمد.

و وقتی سی و سه سال بعد، عیسی در شام آخر خیانتکار خود را شناسایی کرد، این کار را با نان انجام داد. «آن که نان مرا می‌خورد، پاشنه خود را بر ضد من بلند کرده است» (یوحنا ۱۳:۱۸، با نقل قول از مزمو ۴۱:۹). او نان را در ظرف فرو برد و به یهودا داد (یوحنا ۱۳:۲۶). کسی

که در خانه نان متولد شده بود، توسط کسی که نان او را می‌خورد، مورد خیانت قرار گرفت. واژه عبری برای نان در مزمور ۴۱:۹ همان lehem است که نام بیت‌لحم را می‌سازد. از خانه نان تا نان خیانت – این رشته ناگسستنی است.

کتاب Types Bible اثر ویلسون، بار نمادین نان را تأیید می‌کند. در ذیل مدخل «نان»، ویلسون درباره یوحنا ۶:۳۳ می‌نویسد: «در سرتاسر این فصل، نان نمادی از خود خداوند عیسی است. وقتی او با ایمان در قلب، جان و زندگی یک ایماندار پذیرفته می‌شود، کسانی را که از او تغذیه می‌کنند و در محبت و فیض او شادی می‌نمایند، سیر و خشنود می‌سازد و به آن‌ها قوت و برکت و حیات فراوان می‌بخشد.» و سپس جمله قاطع: «صرفاً دانستن درباره مسیح، یا حتی باور داشتن به تمام آنچه درباره او خوانده می‌شود، کافی نیست... این اختصاص دادن شخصی خداوند عیسی به خود است که حیات جاودان را به جان منتقل و عطا می‌کند.» یهودا درباره مسیح می‌دانست. او نان او را خورد. او کیسه‌ای را که بودجه خدمت را تأمین می‌کرد، حمل می‌کرد. اما او هرگز مسیح را از آن خود نکرد. او نان را مصرف کرد بدون آنکه نان حیات را دریافت کند. او بر سفره خداوند اطعام شد و در عین حال تهی ماند.

خیانت در بیت‌عنیا به جریان افتاد. در یونانی G963 bēthania است که از آرامی مشتق شده و درباره معنای آن اختلاف نظر وجود دارد: برخی آن را «خانه خرما» می‌دانند، اما اجزای تحت‌اللفظی آن معنای «خانه تیره‌بختی» یا «خانه مصیبت» را به دست می‌دهند. در اینجا بود، در خانه شمعون جذامی (متی ۲۶:۶)، که مریم عطر گران‌بها را بر پاهای عیسی ریخت – و یهودا اعتراض کرد (یوحنا ۱۲:۴-۶). در خانه تیره‌بختی، نقاب از چهره برافتاد. یوحنا به ما می‌گوید که دلسوزی یهودا برای فقرا یک دروغ بود: «این را نه از آن رو گفت که در فکر فقیران بود، بلکه چون دزد بود و کیسه پول در دست او بود و از آنچه در آن ریخته می‌شد، برمی‌داشت» (یوحنا ۱۲:۶). و متی می‌گوید که بلافاصله پس از این واقعه بود که «یکی از آن دوازده که یهودای اسخریوطی نام داشت، نزد رؤسای کهنه رفت» (متی ۲۶:۱۴). خانه تیره‌بختی مکانی بود که در آن طمعی که برای سه سال پنهان شده بود، سرانجام به عمل تبدیل گشت.

خود نام اسخریوطی حامل معنایی جغرافیایی است. واژه یونانی G2469 Iskariōtēs به معنای «ساکن قریوت» است. واژه عبری H7152 qēriyyōt جمع H7149 qiryah به معنای «شهرها» یا «ساختمان‌ها» است. قریوت شهری در جنوب یهودیه بود (یوشع ۱۵:۲۵). اگر این اشتقاق درست باشد، یهودا یک یهودی (اهل جنوب) در میان جلیلیان بود – بیگانه‌ای در حلقه نزدیکان. نام او خود نشان از کسی داشت که به آن جمع تعلق نداشت.

دستگیری در جتسیمانی رخ داد. واژه یونانی G1068 Gethsēmanē از دو واژه آرامی معادل واژگان عبری H1660 gath به معنای چرخش یا دستگاه روغن‌گیری، و H8081 shemen به معنای روغن مشتق شده است. جتسیمانی به معنای «روغن‌کشی» است. آنجا باغی در دامنه کوه زیتون بود و نامش آنچه را که در آنجا رخ داد توصیف می‌کرد. عیسی تحت فشار قرار گرفت. عرق او «همچون قطرات بزرگ خون بود که بر زمین می‌ریخت» (لوقا ۲۲:۴۴). جان‌کندن پسر خدا در باغ، خرد شدن زیتون و بیرون کشیدن آنچه در درون بود، بود. و در همین‌جا، در روغن‌کشی، بود که یهودا با بوسه خود آمد. مکان تحت فشار قرار گرفتن، به مکان خیانت تبدیل شد.

کتاب Types Bible ویلسون بر اهمیت روغن روشنی می‌بخشد. در ذیل مدخل «روغن»، ویلسون می‌نویسد: «این بدون شک نمادی از خود روح‌القدس است.» و در ذیل مدخل «عطر»،

دربارهٔ متی ۲۶:۷ می‌نویسد: «شاید این نمادی از پرستش و ستایشی باشد که به سبب زیبایی خداوند عیسی و گران‌بها بودن او برای قلب، نثارش می‌شود.» در «روغن‌کشی»، آن که توسط روح مسح شده بود، خرد شد. مکانی که در آن روغن با زور از زیتون استخراج می‌شد، مکانی شد که در آن «مسح شده» چنان تحت فشار قرار گرفت که خون عرق کرد. و عطری که مریم در بیت‌عنیا بر پاهای او ریخت – عملی که طمع یهودا را برانگیخت – خود نوعی پرستش بود. آنچه مریم به عنوان ستایش نثار کرد، یهودا به عنوان اسراف محاسبه نمود. روغن روح، عطر پرستش، و خرد شدن در روغن‌کشی: همگی در لحظه‌ای که یهودا با بوسه‌اش رسید، به هم پیوستند.

و داستان در حَقْلُ الدَّمْ به پایان می‌رسد. واژهٔ آرامی آن G184 Akeldama است که از دو ریشهٔ معادل واژگان عبری H2506. hēleq به معنای «سهم» یا «بهره» و H1818 dām به معنای «خون» ترکیب شده است. حقل‌الدم به معنای «مزرعهٔ خون» – یا دقیق‌تر، «سهم خون» است. این همان چیزی است که یهودا با سی پاره نقره‌اش خرید. این مزرعهٔ کوزه‌گر است که در آن غریبان را دفن می‌کنند (متی ۲۷:۷). و این، به شکلی هولناک، میراثی است که او انتخاب کرد. سهم او خون بود. بهرهٔ او مرگ بود. پطرس گفت که یهودا از مقام رسولی سقوط کرد «تا به جای خود برود» (اعمال ۱:۲۵). حقل‌الدم جای خود او بود.

شایسته است بر واژهٔ hēleq تأملی کنیم. این واژه‌ای است که در سراسر عهد عتیق برای میراث، سهم و بهرهٔ خدادادی استفاده شده است. وقتی سرزمین بین قبایل تقسیم شد، هر یک hēleq خود را دریافت کردند. لایوان میراث زمینی نداشتند زیرا «خداوند میراث ایشان است» (تثنیه ۱۸:۲). هر اسرائیلی سهمی داشت که توسط خدا تعیین شده بود. سهم یهودا مزرعه‌ای بود که با خون‌بها خرید شده بود، جایی که هیچ‌کس نمی‌خواست در آن زندگی کند و تنها برای دفن مردگان بی‌نام استفاده می‌شد. این میراث او بود. این hēleq او بود.

مسیر را دنبال کنید: از خانهٔ نان، جایی که نجات‌دهنده متولد شد – به خانهٔ تیره‌بختی، جایی که نطفهٔ خیانت بسته شد – از طریق روغن‌کشی، جایی که پسر خدا خرد شد و تسلیم گشت – به سهم خون، جایی که خیانتکار به پایان خود رسید. نام مکان‌ها نقشهٔ رستگاری و هلاکت است که قرن‌ها پیش از وقوع حوادث به زبان‌های عبری و آرامی نوشته شده بود. نان شکسته شد. تیره‌بختی تحمل شد. فشار روغن‌کشی تاب آورده شد. و خونی که ریخته شد، نجات را برای جهان – و محکومیت را برای کسی که آن را فروخت – خریداری کرد.

پس این مرد با مزد شرارت خود پاره‌زمینی خرید و با سر درافتاده، از میان شکافت و همهٔ امعایش بیرون ریخت. و این بر تمام ساکنان اورشلیم معلوم گشت، چنان‌که آن زمین در زبان خودشان حَقْلُ الدَّمْ نامیده شد، یعنی زمین خون.

Acts 1:18-19 ---

## ۱.۷ خیانتکار در حروف پنهان

تورات – اسفار پنج‌گانهٔ موسی – شامل ۳۰۴,۸۰۵ حرف عبری است که به مدت ۳,۴۰۰ سال بدون خطا کپی شده‌اند. کامپیوترهای مدرن می‌توانند این حروف را برای یافتن کلماتی که در فواصل مساوی کدگذاری شده‌اند، جستجو کنند: هر حرف دوم، هر صدم، هر هزارم، و کلمات

پنهانی را تشکیل دهند که هیچ چشم انسانی نمی‌تواند در ظاهر متن بخواند. این‌ها «توالی‌های حرفی با فواصل مساوی (ELS)» نامیده می‌شوند. این روش در سال ۱۹۹۴ توسط ویتزوم، ریپس و روزنبرگ در مجله Science Statistical منتشر شد و از آن زمان برای نبوت‌های مسیحایی، نمادشناسی تعمیم و دیگر مضامین کتاب مقدسی به کار گرفته شده است.

ما در تورات برای نام دوم خیانتکار – اسخریوطی – در اشکال عبری آن جستجو کردیم و آزمایش کردیم که هر تکرار در کجای متن قرار می‌گیرد. نامی که ده‌ها بار ظاهر می‌شود، در بخش‌های زیادی فرود می‌آید. مسئله این نیست که آیا ظاهر می‌شود یا نه، بلکه این است که کجا ظاهر می‌شود – و اینکه آیا بخش‌هایی که با آن‌ها تماس دارد تصادفی هستند یا داستان خیانتکار را بازگو می‌کنند.

پاسخ نمی‌توانست بر حسب تصادف نوشته شده باشد.

نام خانوادگی Sēkhāriyyōt (סַחְרִיּוֹת) – شکل اسخریوطی مشتق شده از واژه لاتین sicarius (مرد خنجر به دست) – ۱۳۳ بار در تورات در فواصل مختلف (skip) ظاهر می‌شود. ما آزمایش کردیم که این موارد در کجا فرود می‌آیند. دو مورد از نظر آماری خارق‌العاده بودند.

در گام ۱۰۵۱، این واژه در لاویان ۲۷:۱۵ فرود می‌آید:

و اگر آن که خانه خود را وقف کرده است بخواهد آن را بازخريد نماید، بايد يك پنجم ارزش تخميني تو را بر قيمت آن بيفزايد و آن خانه از آن او خواهد بود.

Leviticus 27:15 ---

واژه روی متن در نقطه شروع، – نقره است. نام اسخریوطی که در تورات کدگذاری شده، با کلمه نقره آغاز می‌شود. ما این را در برابر ده هزار کلمه عبری تصادفی با همان طول و در همان فاصله آزمایش کردیم:  $p = 0.0004$ . کمتر از چهار مورد از ده هزار کلمه تصادفی در این فاصله در سفر لاویان فرود می‌آیند. و این آیه درباره بازخريد چیزی است که وقف شده بود – پرداخت پول برای خریدن دوباره آنچه به خدا تقدیم شده بود. یهودا به عنوان یک رسول وقف شده بود. او آن وقف‌شدگی را به نقره فروخت.

در گام ۱۰،۶۸۵، این واژه در خروج ۱۲:۲۷ فرود می‌آید:

پس بگوئيد: اين قرباني فصیح برای خداوند است، که از خانه‌های بني اسرائيل در مصر گذشت هنگامی که مصريان را زد و خانه‌های ما را رهايند. پس قوم سر فرود آورده، پرستش کردند.

Exodus 12:27 ---

واژه روی متن در نقطه شروع، – فصیح است. نام خیانتکار که در تورات کدگذاری شده، بر روی فصیح آغاز می‌شود. ما این را آزمایش کردیم:  $p = 0.0005$ . کمتر از پنج مورد در ده هزار. و یهودا در شام فصیح به عیسی خیانت کرد. شام آخر یک سفره فصیح بود (لوقا ۲۲:۱۵). بوسه در جتسمانی در شب فصیح بود. نام کسی که به «بره» خیانت می‌کند، در آیه‌ای کدگذاری شده است که این عید را توضیح می‌دهد.

در گام ۲,۷۹۷، این واژه در اعداد ۳۱:۱۶ فرود می‌آید:

بنگرید، این‌ها بودند که به مشورت بلعام، بنی‌اسرائیل را واداشتند تا در ماجرای فخور به خداوند خیانت کنند و به این سبب در میان جماعت خداوند وبا افتاد.

Numbers 31:16 ---

واژه روی متن ر – مرتد شدن، خیانت کردن است. و آیه نام بلعام را می‌برد – پیامبری که برای پول به اسرائیل خیانت کرد. بلعام، مردی که عطای نبوتی خود را به مزد بعل فروخت. عهد جدید این ارتباط را صریح می‌سازد: «وای بر ایشان! زیرا... برای سود، خود را تسلیم گمراهی بلعام کرده‌اند» (یهودا ۱:۱)، و «راه بلعام بن بَعور را در پیش گرفتند که مزد ناراستی را دوست می‌داشت» (۲ پطرس ۲:۱۵). نام خیانتکار در آیه‌ای دربارهٔ اولین «خیانتکار اجیرشده» کدگذاری شده است.

در گام ۴,۱۱۴، این واژه در پیدایش ۱۹:۴ فرود می‌آید – جایی که مردان سدوم خانهٔ لوط را محاصره کرده‌اند. واژه روی متن (سدوم) است. شهر نابودی. و عیسی یهودا را «پسر هلاکت» نامید (یوحنا ۱۲:۱۷) – G684 apōleias، پسر نابودی.

و این واژه مکرراً در داستان یوسف ظاهر می‌شود. گام ۵,۵۹۰: پیدایش ۴۲:۲۷ – برادران کیسه‌های خود را باز می‌کنند و در آن نقره می‌یابند. گام ۱۴,۲۰: regional: پیدایش ۳۷:۳۳ – یعقوب قبای یوسف را شناسایی می‌کند، یعنی مدرک فریبکاری برادران. گام به گام، نام اسخریوطی در داستان یوسف فرود می‌آید – آن مرد پارسا که توسط برادرانش به نقره فروخته شد (پیدایش ۳۷:۲۸)، آن بی‌گناهی که توسط کسانی که با او نان می‌خوردند، مورد خیانت قرار گرفت.

شکل جایگزین Ish-Qëriyyôt (ش-قربوت) – «مرد قریوتی»، معادل علمی اسخریوطی در عبری – دو بار در جهت مستقیم در کل تورات ظاهر می‌شود. فقط دو بار. و آن‌ها در این نقاط فرود می‌آیند:

- پیدایش ۴:۱۸ – در نسب‌نامهٔ قاپین. نسل اولین قاتل. مردی که برادرش را کشت. متن رویی، نسل‌های خوشونتی را که از اولین برادرکشی جاری شد، دنبال می‌کند.
- پیدایش ۲۹:۲۲ – شبی که لابان به یعقوب فریب داد. عروسی‌ای که در آن پدر عروس در تاریکی شب، زنی را با زن دیگر جایگزین کرد. واژه روی متن شی – «مردان» است. خیانتی توسط یک همراه مورد اعتماد در یک میهمانی. فریبی در شب. و وقتی یعقوب صبح هنگام متوجه آن شد، دیگر خیلی دیر شده بود.

دو مورد در جهت مستقیم. یکی در نسل قاپین – که کهن‌الگوی برادر قاتل است. یکی در فریب لابان – که کهن‌الگوی دوستی است که در میهمانی خیانت می‌کند. یهودا هر دو بود.

عبارت	گام	آیهٔ فرود	مضمون
سکریوت	۱,۰۵۱	لاویان ۲۷:۱۵ – نقره	p = 0.0004
سکریوت	۱۰,۶۸۵	خروج ۱۲:۲۷ – فصیح	p = 0.0005
سکریوت	۲,۷۹۷	اعداد ۳۱:۱۶ – خیانت بلعام	مرتد شدن
سکریوت	۴,۱۱۴	پیدایش ۱۹:۴ – سدوم	شهر نابودی
سکریوت	۵,۵۹۰	پیدایش ۴۲:۲۷ – نقره در کیسه	یوسف فروخته شد
سکریوت	۱۴,۲۰۰	پیدایش ۳۷:۳۳ – قبای یوسف	فریب برادران
آش‌کریوت	۲۱,۵۶۸	پیدایش ۴:۱۸ – نسل قایین	اولین قاتل
آش‌کریوت	۳۰,۹۷۱	پیدایش ۲۹:۲۲ – میهمانی لابان	خیانت در غذا

نقره. فصیح. بلعام. سدوم. قایین. خیانت به یوسف. میهمانی لابان. هر تکه از این نام در بخشی فرود می‌آید که داستان خیانتکار را بازگو می‌کند – آیاتی که ۱,۴۰۰ سال پیش از آنکه یهودا به خانهٔ کاهن اعظم برود و بگوید: «مرا چه می‌دهید تا او را به شما تسلیم کنم؟» (متی ۲۶:۱۵)، نوشته شده بودند. و آن‌ها سی پاره نقره برای او شمردند.

## فصل ۸

### سی سکه نقره

«به ایشان گفتم: "اگر در نظرتان پسند آید، مزد مرا بدهید و اگر نه، ندهید." پس سی سکه نقره برای مزد من وزن کردند. و خداوند به من گفت: "آن را نزد کوزه‌گر بپرداز؛" آن قیمت گزافی که مرا بدان قیمت کردند! پس آن سی سکه نقره را گرفته، در خانه خداوند نزد کوزه‌گر انداختم.»

Zechariah 11:12-13 ---

هفت قرن پیش از آنکه یهودا وارد تالار رؤسای کهنه شود، زکریای نبی این کلمات را نگاشت. یک شبان – که نمادی از خود خداست – از مردم می‌خواهد ارزش او را تعیین کنند. آن‌ها سی سکه نقره وزن می‌کنند. و خداوند با کنایه‌ای تلخ پاسخ می‌دهد: «آن قیمت گزافی که مرا بدان قیمت کردند!» کتاب Bible the in Used Speech of Figures اثر بولینگر این صنعت را به دقت نام‌گذاری می‌کند: در بخش Eironeia (آیرونی/کنایه)، بولینگر زکریا ۱۱:۱۳ را به عنوان **Antiphrasis** طبقه‌بندی می‌کند؛ کنایه‌ای که شامل یک عبارت واحد است که برای بیان معنای متضادش به کار می‌رود. واژه «گراف» یا «عالی» معنای متضاد آنچه می‌گوید را می‌دهد. این تمسخر الهی است که از زبان نبی جاری می‌شود، در مورد قیمتی که قوم او برای شبان خود تعیین کردند. سی سکه نقره دقیقاً همان مبلغی بود که در خروج ۲۱:۳۲ به عنوان غرامت برای برده‌ای که توسط گاوی شاخ زده شده بود، تعیین شده بود. این قیمت یک برده بود. قوم خدا برای شبان خود، به اندازه قیمت یک بردهٔ مرده ارزش قائل شدند.

عدد سی تصادفی نیست. این عدد در سراسر کتاب مقدس به عنوان رشته‌ای عمل می‌کند که خدمت، فراخوان و بهای جان یک انسان را به هم پیوند می‌دهد. یوسف سی ساله بود که در برابر فرعون ایستاد و خدمت خود را به عنوان حاکم مصر آغاز کرد (پیدایش ۴۶:۴۱). داوود سی ساله بود که پادشاهی بر اسرائیل را آغاز کرد (دوم سموئیل ۵:۴). لایوان در سی سالگی وارد خدمت خیمه عبادت می‌شدند (اعداد ۴:۳). حزقیال رؤیای خدا را در سی‌امین سال زندگی‌اش دریافت کرد (حزقیال ۱:۱). و خود عیسی «تقریباً سی ساله بود» که تعمید یافت و خدمت علنی خود را آغاز کرد (لوقا ۳:۲۳). سی عدد آمادگی بود، سنی که در آن یک مرد برای خدمت به خدا در کامل‌ترین ظرفیت خود، بالغ محسوب می‌شد.

و سی قیمت یک برده بود. طبق شریعت موسی، اگر گاوی غلامی را می‌کشت و او می‌مرد، صاحب گاو باید سی مثقال (شِکِل) نقره به ارباب آن غلام می‌پرداخت (خروج ۲۱:۳۲). لایوان ۲۷:۴ ارزش‌گذاری یک زن را سی مثقال تعیین می‌کند. این پایین‌ترین قیمت نام‌برده شده برای جان یک انسان در نظام موسی بود. عددی که نشان‌دهنده آغاز خدمت مقدس بود، همان عددی بود که ارزش یک بردهٔ مرده را نشان می‌داد.

بنابراین وقتی رؤسای کهنه سی سکه نقره برای عیسی وزن کردند، آن‌ها – چه می‌دانستند و چه نمی‌دانستند – در حال تحقق بخشیدن به الگویی بودند که از ابتدا در بافت کتاب

مقدس تنیده شده بود. کسی که خدمت خود را در سی سالگی آغاز کرد، به قیمت سی سکه ارزش‌گذاری شد. کسی که «نیامد تا خدمتش کنند، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه فدیۀ بسیاریان بدهد» (مرقس ۱۰:۴۵)، به قیمت فدیۀ یک برده ارزش‌گذاری شد. عدد فراخوان، تبدیل به عدد خیانت شد.

و خداوند فرمانی می‌دهد: «آن را نزد کوزه‌گر بینداز.» زکریا اطاعت می‌کند: او آن سی سکه را می‌گیرد و آن‌ها را برای کوزه‌گر «در خانه خداوند» می‌اندازد. نقره، کوزه‌گر و معبد – هر سه جزئیات در روایت عهد جدید از پایان کار یهودا دوباره ظاهر می‌شوند.

«آن‌گاه یکی از آن دوازده تن که یهودای اسخریوطی نام داشت، نزد رؤسای کهنه رفت و گفت: «مرا چه می‌دهید تا او را به شما تسلیم کنم؟» ایشان سی سکه نقره برای او تعیین کردند. و از آن پس او در پی فرصتی بود تا او را تسلیم کند.»

Matthew 26:14-16 ---

متی این معامله را با ایجازی تکان‌دهنده ثبت می‌کند. یهودا نزد رؤسای کهنه می‌رود. او شرط خود را می‌گوید: «مرا چه می‌دهید؟» آن‌ها با او پیمان می‌بندند – واژه یونانی *estēsan* G2476 است، به معنای اینکه آن‌ها تعیین کردند، وزن کردند، مستقر کردند. مبلغ: سی سکه نقره. همان مقدار. همان ارزش‌گذاری. آنچه زکریا در عملی نمادین نبوت کرده بود، رؤسای کهنه در واقعیت عینی اجرا کردند. آن‌ها پسر خدا را به قیمت یک برده وزن کردند.

این تحقق در متی ۲۷:۳-۱۰ ادامه می‌یابد، پس از آنکه خیانت انجام شد. یهودا با دیدن اینکه عیسی محکوم شده است، نقره را به معبد بازمی‌گرداند. او آن را در محراب به زمین می‌اندازد. رؤسای کهنه آن را برمی‌دارند و می‌گویند: «انداختن این پول در خزانه معبد جایز نیست، زیرا خون‌بهاست» (متی ۲۷:۶). بنابراین از آن پول برای خرید مزرعۀ کوزه‌گر استفاده می‌کنند – گورستانی برای غریبه‌ها.

کتاب *Types Bible* اثر ویلسون، عمیق‌ترین کنایۀ نقره را آشکار می‌کند. ویلسون ذیل واژه «نقره» درباره خروج ۳۶:۲۴ می‌نویسد: «این فلز گرانبها اغلب به عنوان نمادی از فدیۀ (رستگاری) استفاده می‌شود... تخته‌ها نشان‌دهنده مسیحیان هستند، در حالی که پایه‌های نقره‌ای نشان‌دهنده فدیۀ هستند... ما در مورد وجود نقره در آسمان چیزی نمی‌خوانیم. هیچ‌کس در آسمان نیازی به فدیۀ شدن ندارد.» نقره فلز فدیۀ است. ماده‌ای است که نشان‌دهنده بهای پرداخت شده برای آزاد کردن اسیر است. یهودا فلز فدیۀ را در دست داشت – سی پاره از آن را – و از آن نه برای فدیۀ دادن، بلکه برای فروختن استفاده کرد. او نماد نجات را گرفت و آن را به ابزار خیانت تبدیل کرد. و ویلسون جزئیاتی را اضافه می‌کند که تا عمق استخوان را می‌سوزاند: «ما در مورد وجود نقره در آسمان چیزی نمی‌خوانیم.» نقره در جلال جایی ندارد زیرا در جلال دیگر نیازی به فدیۀ نیست. یهودا فدیۀ‌دهنده را با همان فلزی معامله کرد که نماد نیاز به فدیۀ است – و در نهایت، نه نقره و نه فدیۀ‌دهنده در تصاحب او باقی نماندند. او نقره را بازگرداند و رفت و خود را نابود کرد.

و ذیل واژه «بره»، ویلسون آنچه را که رؤسای کهنه ناآگاهانه انجام دادند، تأیید می‌کند. ویلسون درباره لایوان ۲۳:۱۲ می‌نویسد که بره فصیح پیش از تقدیم شدن مورد بازرسی قرار می‌گرفت: «همسر پیلطس او را از نظر اجتماعی بازرسی کرد. پیلطس او را برای حکومت

غیرنظامی بازرسی کرد. هیروودیس او را برای حکومت نظامی بازرسی کرد. یهودا او را از دیدگاه رفاقت شخصی بازرسی کرد. آن فرمانده سپاه (سنتوریون) او را به عنوان یک افسر اجرای قانون بازرسی کرد. همه آنها او را بی‌عیب یافتند و بنابراین از دیدگاه انسانی، او را برای بره خدا بودن شایسته دانستند.» یهودا در میان بازرسان بره فهرست شده است. او سه سال با عیسی قدم زد، او را از نزدیک‌ترین فاصله ممکن بررسی کرد و هیچ چیز نیافت – نه گناهی، نه خطایی، نه عیبی. او بره را بازرسی کرد و او را شایسته ذبح دانست. حتی اعتراف او در پایان، این بازرسی را تأیید می‌کند: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم کردم» (متی ۲۷:۴). بی‌گناه. بره بدون لک بود.

سپس متی پیوند نبوی را صریح می‌سازد: «آن‌گاه سخن ارمیا نبی تحقق یافت که می‌گوید: «آن‌ها سی سکه نقره را گرفتند، یعنی بهایی که بنی‌اسرائیل برای او تعیین کرده بودند؛ و آن را برای خرید مزرعه کوزه‌گر دادند، چنان‌که خداوند به من فرمان داده بود» (متی ۲۷:۹-۱۰).

انتساب این سخن به ارمیا به جای زکریا مدتهاست که مورد بحث بوده است. برخی از محققان خاطرنشان می‌کنند که ارمیا نیز مزرعه‌ای خرید (ارمیا ۶:۳۲-۹) و او از خانه کوزه‌گری بازدید کرد که در آنجا خداوند با او درباره سرنوشت اسرائیل سخن گفت (ارمیا ۱۸:۱-۶). متی ممکن است از یک سنت ترکیبی استفاده کرده باشد که کوزه‌گر و مزرعه ارمیا را با سی سکه و کوزه‌گر زکریا پیوند می‌داد. آنچه مورد بحث نیست، محتوای نبوت است: بها، نقره، کوزه‌گر، مزرعه – همه این‌ها قرن‌ها پیش از وقوع نوشته شده بود.

ارجاعات متقابل از زکریا ۱۱:۱۲ خیره‌کننده هستند. آن‌ها به پیدایش ۳۷:۲۸ متصل می‌شوند، جایی که یوسف – نمونه دیگری از مسیح – توسط برادران خودش به بیست سکه نقره فروخته شد. بهای خیانت در سراسر عهد عتیق جریان دارد. یوسف به بردگی در مصر فروخته شد. ماشیاح به دست رومیان فروخته شد. در هر دو مورد، خیانت توسط کسانی انجام شد که باید نزدیک‌ترین افراد می‌بودند – برادران در مورد یوسف، و یک شاگرد برگزیده در مورد عیسی.

آن‌ها همچنین به خروج ۲۱:۳۲ متصل می‌شوند، جایی که قیمت یک برده سی مثقال نقره تعیین شده است. خود شریعت، ارزش‌گذاری‌ای را تعیین کرد که بعداً در مورد پسر خدا اعمال شد. آیرونی لایه‌برداری شده است: کسی که شریعت را داد، به اندازه کمترین تخمین شریعت از ارزش انسانی، قیمت‌گذاری شد.

«چون یهودا، خائن او، دید که عیسی را محکوم کردند، پشیمان شد و آن سی سکه نقره را به رؤسای کهنه و مشایخ بازگرداند و گفت: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم کردم.» آن‌ها گفتند: «ما را چه؟ خود دانی!» پس او سکه‌ها را در معبد انداخت و بیرون رفت و خود را حلق‌آویز کرد.»

Matthew 27:3-5 ---

نقره بازگشت. نمی‌شد آن را نگه داشت. نمی‌شد آن را خرج کرد. حتی نمی‌شد آن را در خزانه معبد گذاشت، زیرا «خون‌بها» بود. پولی که یهودا به دنبالش بود، تبدیل به پولی شد که در دستانش می‌سوخت. او آن را در معبد – خانه خداوند – انداخت، دقیقاً همان‌طور که زکریا نوشته بود. و سپس رفت و خود را نابود کرد.

«او که هم‌ذات با خدا بود، از برابری با خدا برای نفع خود بهره‌ن جست، بلکه خود را خالی کرد و با گرفتن ذات غلام، به شباهت آدمیان درآمد. و چون در سیمای یک مرد یافت شد، خود را فروتن ساخت و تا به مرگ، حتی مرگ بر صلیب، مطیع گردید.»

Philippians 2:6-8 ---

وقتی به عقب برمی‌گردیم و عدد سی را از بالا می‌بینیم – سن خدمت، قیمت یک برده، سکه‌های در دست یهودا – یک حقیقت واحد پدیدار می‌شود که چیزی جز انجیل نوشته شده در علم حساب نیست. در اقتصاد خدا، بالاترین فراخوان و پایین‌ترین قیمت یکی هستند. خدمت به خدا یعنی غلام شدن. و قیمت یک غلام، قیمتی است که خدا برای پرداخت بهای جهان انتخاب کرد.

عیسی این را درک می‌کرد. او که هم‌ذات با خدا بود، ذات یک غلام را بر خود گرفت (فیلیپیان ۲:۷). ارجاعات متقابل برای این آیه، کل الهیات «غلام» در عهد عتیق را در بر می‌گیرد – اشعیا ۴۲:۱ («اینک بنده من»)، اشعیا ۴۹:۳، اشعیا ۵۲:۱۳-۱۴ («اینک بنده من با ورزیدگی رفتار خواهد کرد»)، اشعیا ۵۳:۳، ۱۱ (غلام رنج‌کشیده که «بسیاران را پارسا خواهد شمرد»). او خدمت خود را در سی سالگی آغاز کرد – سن فراخوان غلام. او به سی سکه قیمت‌گذاری شد – قیمت جان غلام. او آمد «نه تا خدمتش کنند، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه فدیۀ بسیاریان بدهد» (مرقس ۱۰:۴۵). واژه یونانی برای «فدیۀ» G3083 lytron است – قیمتی که برای آزاد کردن یک برده از اسارت پرداخت می‌شود. غلام قیمت برده را پرداخت تا برده‌ها را آزاد کند.

و در شب خیانت، او این حقیقت را به صورت جسمانی نشان داد. او حوله‌ای به کمر بست، آب در تشت ریخت و پاهای شاگردان را شست – از جمله پاهای یهودا را (یوحنا ۱۳:۵). سپس فرمود: «غلام از ارباب خود بزرگتر نیست و فرستاده نیز از فرستنده خود» (یوحنا ۱۳:۱۶). خداوند تمام آفرینش در برابر مردی که او را می‌فروخت زانو زد، و پاهای او را شست، و آن را یک الگو نامید.

پطرس، دهه‌ها بعد، می‌نوشت: «زیرا می‌دانید که از شیوه زندگی باطلی که از پدران خود به ارث برده بودید، با چیزهای فانی چون نقره و طلا با خرید نشده‌اید، بلکه با خون گرانبهای مسیح، چون بره‌ای بی‌عیب و نقص» (اول پطرس ۱:۱۸-۱۹). نه با نقره. نه با طلا. نه با سی سکه یا سی هزار سکه. فدیۀ‌ای که نقره یهودا هرگز نمی‌توانست بخرد، با خون کسی خریداری شد که یهودا او را فروخت. ارجاعات متقابل به اول قرن‌تیا ۶:۲۰ متصل می‌شوند: «زیرا به قیمتی خریده شده‌اید؛ پس خدا را در بدن خود تمجید کنید.»

واژه یونانی که پولس برای «قیمت» در این آیه به کار می‌برد، G5092 timē است. و در اینجا زبان کتاب مقدس چیزی خارق‌العاده را آشکار می‌کند. timē تنها به معنای «قیمت» – مبلغ پرداخت شده در یک معامله – نیست. بلکه به معنای «احترام»، «ارزش»، «کرامت» نیز هست. این همان واژه‌ای است که در سراسر عهد جدید برای جلال متعلق به خدا، احترامی که شایسته پادشاهان است و ارزشمندی چیزی که مورد تکریم است، استفاده می‌شود. قیمت و احترام در یونانی یک واژه هستند. بهایی که برای برده پرداخت شده است، همان احترامی است که به برده عطا شده است. وقتی پولس می‌گوید «به قیمتی خریده شده‌اید»، خود کلمه

اعلام می‌کند که قیمتی که برای شما پرداخت شده، اعتبار و احترام شماسست. خون مسیح هم بهای فدیۀ شماسست و هم معیار ارزش شما. شما به قیمت پسر خدا ارزش‌گذاری شده‌اید.

یهودا برای عیسی G5092 timē – سی سکه نقره، یک قیمت – دریافت کرد. اما خدا آن G5092 timē را به چیزی تبدیل کرد که یهودا هرگز قصدش را نداشت: احترام صلیب، جلال فدیۀ، قیمتی که اسیران را آزاد کرد. همان واژه یونانی. نقره‌ای که مایه شرمساری یهودا بود، به جلال جهان تبدیل شد، زیرا خون پشت آن، خون بره بود.

و پولس اضافه می‌کند: «به قیمتی خریده شده‌اید؛ غلام انسان‌ها نشوید» (اول قرنتیان ۷:۲۳). G3083 lytron پرداخت شده است. doulos آزاد شده است. G5092 timē – هم قیمت و هم احترام – متعلق به کسی است که شما را خریده است. غلامان خریداری شده‌اند. قیمت، نقره نبود. قیمت، خود آن «غلام» بود.

و اشعیا، هفت قرن پیش از صلیب، دعوتی صادر کرد که به عنوان پاسخی به سؤال یهودا ایستاده است: «ای همه شما که تشنه‌اید، نزد آب‌ها بیایید؛ و شما که نقره ندارید، بیایید و بخرید و بخورید! آری، بیایید و بدون نقره و بدون قیمت، شراب و شیر بخرید. چرا نقره خود را برای آنچه نان نیست صرف می‌کنید؟» (اشعیا ۱:۵۵-۲). بیایید و بدون نقره بخرید. در اقتصاد خدا، قیمت ورود تسلیم است، نه نقره. آب حیات به رایگان داده می‌شود (مکاشفه ۱۷:۲۲). یهودا پرسید: «مرا چه می‌دهید؟» خدا می‌پرسد: «چرا پول خود را برای آنچه نان نیست صرف می‌کنید؟» نان حیات در برابر یهودا ایستاده بود، و او را به قیمت یک برده فروخت.

سی سکه نقره. عدد فراخوان. قیمت یک غلام. بهای پسر خدا. مزد بدنام‌ترین معامله در تاریخ بشر. و در نهایت، آن‌ها هیچ چیز نخریدند جز مزرعه‌ای برای دفن مردگان بی‌نام. در حالی که خونی که آن سکه‌ها با آن معاوضه شدند، فدیۀ جهان را خریداری کرد.

## ۱.۸ آیه‌ای که خیانت را پنهان می‌کند

تورات حاوی ۳۰۴,۸۰۵ حرف عبری است که به مدت ۳,۴۰۰ سال بدون خطا کپی شده‌اند. وقتی کامپیوترهای مدرن این حروف را برای یافتن کلماتی که در فواصل مساوی کدگذاری شده‌اند – با خواندن هر حرف دوم، هر پنجم، هر شانزدهم – جستجو می‌کنند، کلماتی را می‌یابند که در متن پنهان شده‌اند و هیچ چشم انسانی نمی‌توانست در ظاهر متن آن‌ها را بخواند. این‌ها «توالی‌های حروفی با فواصل مساوی (ELS)» نامیده می‌شوند.

خروج ۲۱:۳۲ چهل و نه حرف بی‌صدا طول دارد. در ظاهر یک چیز می‌گوید: قیمت یک برده مرده سی مثقال نقره است. اما وقتی ما به دنبال کلمات ELS گشتیم که از این چهل و نه حرف شروع می‌شوند، به آن‌ها ختم می‌شوند یا از میان آن‌ها می‌گذرند – کلماتی که توالی‌های حروفی مساوی‌شان با این آیه تماس دارند حتی وقتی به متن اطراف تورات کشیده می‌شوند – کل داستان مردی که چهارده قرن بعد آن قیمت را محقق کرد، از میان حروف بی‌صدا پدیدار شد.

ما هر فاصله پرشی از ۱ تا ۵۰۰ را در متن خروج ۲۱ جستجو کردیم، به دنبال کلمات عبری مرتبط با روایت خیانت که با آیه ۳۲ تماس دارند: بوسه، نقره، خون، آویختن، مزرعه. برخی کلمات کاملاً درون آیه قرار می‌گیرند. برخی دیگر در خارج از آن شروع یا تمام می‌شوند، اما

حداقل یکی از حروف آنها در میان چهل و نه حرف بی‌صدایی که قیمت را تعیین می‌کنند، فرود می‌آید. این آیه نقطه لنگر است. تورات متن اصلی است.

یازده کلمه از سیزده کلمه خیانت با این آیه واحد تماس دارند. این چیزی است که ما یافتیم.

**بوسه.** کلمه عبری (nashaq) – ریشه‌ای که پشت G2705 kataphileō قرار دارد، واژه یونانی که متی و مرقس برای بوسه مشتاقانه یهودا در جتسیمانی به کار می‌برند – در پرش ۵ ظاهر می‌شود، در حال خواندن به جلو، کاملاً درون آیه. ابزار خیانت، در بهای خیانت کدگذاری شده است.

**رشوه.** کلمه عبری (shachad) – رشوه دادن – در پرش ۱۹ ظاهر می‌شود. این اصطلاح حقوقی دقیق عبری برای کاری است که رؤسای کهنه انجام دادند. نه یک خرید. نه یک مزد. یک رشوه.

**سی.** ریشه (shelesh) – ریشه بی‌صدای sheloshim، یعنی سی – در پرش ۸ ظاهر می‌شود. این عدد در آیه‌ای که آن عدد را تجویز می‌کند، کدگذاری شده است.

**خون بی‌گناه ریخته شده.** فعل (shaphak) – ریختن – و واژه (naqiy) – بی‌گناه – دو کلمه خیانت هستند که در پنجره جستجوی خروج ۲۱ مستقیماً با آیه ۳۲ تماس ندارند. خون در لحظه تعیین قیمت ریخته نشد. آن در کالواری ریخته شد. اما این کلمات در همان نزدیکی در کد عدالت تورات ظاهر می‌شوند و زبان آنها با اعتراف خود یهودا مطابقت دارد: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم کردم» (متی ۲۷:۴).

**آویختن (دار زدن).** واژه (tala') – معلق کردن، آویختن – در پرش ۱۶ ظاهر می‌شود. یهودا بیرون رفت و خود را حلق‌آویز کرد (متی ۲۷:۵).

**طناب.** واژه (chevel) – یک طناب، یک ریسمان – در پرش ۱۸ ظاهر می‌شود. همین کلمه به معنای رهنی که به عنوان ضمانت بدهی داده می‌شود نیز هست. طناب آویختن و وثیقه معامله، در یک واژه عبری.

**پول بازگردانده شده.** واژه (shuv) – برگشتن، بازگرداندن، احیا کردن – در پرش ۱۹ ظاهر می‌شود. یهودا آن سی سکه را به معبد بازگرداند (متی ۲۷:۳). واژه عبری برای آخرین عمل او پیش از مرگ در همان پرش رشوه کدگذاری شده است.

**نبی.** واژه (navi') – یک پیامبر/نبی – در پرش ۲۰ ظاهر می‌شود. متی ۲۷:۹ به تحقق آن اشاره می‌کند: «آن‌گاه سخن ارمیا نبی تحقق یافت.» واژه نبی، در آیه‌ای که نبی به آن اشاره کرده بود، کدگذاری شده است.

**آنها خریدند.** واژه (qanu) – آنها خریدند، به دست آوردند – در پرش ۶ ظاهر می‌شود. پس از آنکه یهودا نقره را بازگرداند، رؤسای کهنه از آن برای خرید مزرعه کوزه‌گر استفاده کردند (متی ۲۷:۷).

**ریشه یهودا.** واژه (yadah) – ریشه فعلی که نام Yēhūdāh (یهودا) از آن مشتق شده است – در پرش ۵ ظاهر می‌شود. این ریشه به معنای پرتاب کردن، انداختن است. و این دقیقاً همان کاری است که یهودا انجام داد: او سکه‌های نقره را در معبد انداخت (rhypsas،

G4496، متی ۲۷:۵). ریشه نام خائن، به معنای عملی که خائن انجام داد، درون آیه‌ای که قیمت را تعیین کرد، کدگذاری شده است.

**لعنت.** واژه (alah) – نفرین، لعنت – در پرش ۱۳ ظاهر می‌شود. خون بها لعنت شده شد. مزرعه‌ای که با آن خریده شد آکل‌دما نام گرفت – مزرعه خون (اعمال ۱:۱۹).

**او باید بمیرد.** فرمول قضایی مت (yumat) – او قطعاً باید کشته شود – در پرش ۱۶ ظاهر می‌شود، همان پرشی که واژه آویختن در آن بود. حکم مرگ استاندارد تورات، در کنار واژه معلق کردن کدگذاری شده است.

یازده مورد از سیزده المان با آیه تماس دارند؛ دو مورد (بی‌گناه، ریختن خون) ندارند. هر کلمه در یک پرش متفاوت، هر کدام به طور مستقل قابل کشف، و همگی لنگر انداخته در چهل و نه حرف بی‌صدایی که قیمت را تعیین کردند:

پرش	عبری	معنا	ارتباط با یهودا
5	nashaq נשק	بوسه / مسلح شدن	بوسه در جتسیمانی
5	yadah ידה	انداختن / ستایش	او نقره را انداخت (متی ۲۷:۵)
6	qanu קנו	آن‌ها خریدند	مزرعه کوزه‌گر (متی ۲۷:۷)
8	shelesh שלש	ریشه سه / سی	سی سکه نقره
10	naqiy נקי	بی‌گناه	«خون بی‌گناه» (متی ۲۷:۴)
11	shafar שפך	ریختن (خون)	خون ریخته شده – چهار شکل
13	alah אלה	لعنت	پول خون لعنت شده
16	tala' תלא'	آویختن / معلق کردن	یهودا خود را حلق‌آویز کرد (متی ۲۷:۵)
16	yumat יומת	او باید بمیرد	حکم مرگ
18	chevel חבל	طناب / وثیقه	طناب؛ بدهی
19	shachad שחד	رشوه دادن	رشوه رؤسای کهنه
19	shuv שוב	بازگرداندن	او نقره را بازگرداند (متی ۲۷:۳)
20	navi נביא	نبی	«سخن نبی» (متی ۲۷:۹)

موسی این چهل و هشت حرف را نوشت. او نام یهودا را نمی‌دانست. او نام جتسیمانی را نمی‌دانست. او چیزی از بوسه یا مزرعه کوزه‌گر یا طنابی که مردی از شدت پشیمانی خود

را با آن حلق‌آویز می‌کند، نمی‌دانست. او قانونی درباره یک غلام و یک گاو نوشت. و نویسندۀ پشت نویسندۀ — همان کسی که پایان را از ابتدا می‌بیند — کل ماجرای خیانت را در آن قیمت گنجانده.

و یک رشته دیگر نیز هست که ارزش کشیدن دارد، رشته‌ای که تنها زمانی آشکار شد که ما تور را پهن‌تر کردیم. ما به دنبال (Mashiach، ماشیاح) در پرش ۴۹ گشتیم — پرش یوبیل، شمارش به سوی آزادی. این کلمه در تورات به صورت وارونه و از خروج ۲۱:۲۹ شروع می‌شود. این سه آیه قبل از آیه قیمت برده است. سه آیه قبل از یهودا. به قدری نزدیک که همپوشانی داشته باشد. به قدری نزدیک که لمس کند.

به معنای آن فکر کنید. در همان بخش از تورات که قیمت یک بردهٔ مرده سی سکه نقره تعیین شده است، با خواندن وارونه در فاصله شمارش یوبیل، واژه عبری برای مسح‌شده در میان حروف نوشته شده است. ماشیاح درست در کنار قیمتی که به آن فروخته می‌شد، کدگذاری شده است. یوبیل زمان رهایی بود. ماشیاح خود رهایی است. و نام او به صورت وارونه در آیه‌ای جریان دارد که بهای یک جان خیانت‌دیده در آن تثبیت شده بود — چهارده سده پیش از آنکه مردی به نام اسخریوطی سکه‌ها را بگیرد و مردی به نام یسوعا خودش آن بها را بپردازد.

## ۲.۸ طومار باز شده

تورات بر روی یک طومار نوشته شده بود. طومار یک استوانه است. وقتی متن خروج ۲۱:۳۲ در یک عرض ستون خاص پیچیده می‌شود — مانند پیچیدن پارشمن به آن عرض و خواندن به صورت عمودی، افقی و مورب — کلمات پنهان به طور همزمان بر سطح استوانه قابل مشاهده می‌شوند. هر عرض ستون با یک فاصله پرش مطابقت دارد: پیچیدن در عرض ۵ باعث می‌شود کلمات پرش ۵ به صورت عمودی خوانده شوند.

در عرض ۵ — عرض بوسه — ۲۲۳ کلمه عبری در هر هشت جهت (افقی چپ و راست، عمودی بالا و پایین، چهار مورب) قابل مشاهده می‌شوند. از جمله آن‌ها:

عبری	معنا	جهت
keseph כסף	نقره	افقی
nesheq נשק	بوسه / اسلحه	عمودی
Mosheh משה	موسی	عمودی
Hevel הבל	هابیل	عمودی
hereg הרג	کشتار	عمودی
yadah ידה	انداختن / ستایش	عمودی
pethach פתח	در / گشایش	افقی
arar ארר	لعنت کردن	مورب
bor בור	چاه / زندان	افقی
bakah בכה	گریه کردن	عمودی
shani שני	سرخ / ارغوانی	مورب
qanu קנו	آن‌ها خریدند	مورب

نقره به صورت افقی خوانده می‌شود. بوسه به صورت عمودی رو به پایین. موسی رو به بالا. هابیل – اولین خون بی‌گناه ریخته شده در تاریخ – رو به بالا از میان آیه مربوط به قیمت خون خوانده می‌شود. کشتار در کنار او رو به بالا خوانده می‌شود. ریشه یهودا، به معنای انداختن، در کنار نقره رو به پایین خوانده می‌شود. در معبد به صورت افقی خوانده می‌شود. لعنت به صورت مورب. گریه رو به پایین. سرخ – رنگ خون – به صورت مورب. و آن‌ها خریدند – خرید مزرعه کوزه‌گر – به صورت مورب از میان همه این‌ها عبور می‌کند.

در عرض ۱۶ – عرضِ آویختن – ۹۷۱ کلمه ظاهر می‌شوند. خیره‌کننده‌ترین تلافی در یک ردیف واحد از شبکه است، جایی که سه کلمه به طور همزمان خوانده می‌شوند:

- (موسی) – عمودی، رو به بالا
- («آن‌ها آویختند») – مورب، با ارجاع به تثنیه ۲۸:۴۴، لعنت‌های پیمان
- یک ارجاع متقابل به زکریا ۱۱:۱۷ – «وای بر شبان باطل که گله را رها می‌کند» – همان فصلی که نبوت سی سکه نقره در آن است

موسی. آویختن. شبان باطل. همه در یک ردیف از استوانه. و در همان شبکه: (نقره) و (خیانت) در یک ردیف ظاهر می‌شوند. دو واژه برای لعنت – و – به صورت عمودی در یک ستون روی هم قرار می‌گیرند، یکی دقیقاً بالای دیگری. و کلمات («او را فروختند») دو بار ظاهر می‌شوند – هر دو بار با ارجاع متقابل به پیدایش ۳۷:۳۶، آیه‌ای که در آن مدیانیان یوسف را در مصر فروختند. فروش یوسف دو بار بر سطح استوانه سی سکه نقره کدگذاری شده است.

در عرض ۱۹ – عرض رشوه – واژه «او را فروختند» دوباره ظاهر می‌شود، با ارجاع متقابل به همان پیدایش ۳۶:۳۷. همچنین قابل مشاهده هستند: «طناب او»، «او باید بمیرد»، و «شکسته».

در عرض ۱۱ – عرض خون – ۶۱۵ کلمه ظاهر می‌شوند. متراکم‌ترین خوشه الهیاتی در ردیف‌های ۲-۴ قرار دارد، جایی که کل معامله نقره چیده شده است: **مش** (وزن کردن) و (مثقال/شکل) در ردیف ۳، در کنار **د** (یهودی کردن – تنها فعلی که از نام یهودا مشتق شده است) و **شب** – «پیچشی به دور از نور». چهار شکل از **ریختن خون** به صورت عمودی از میان ردیف‌های ۳-۴ می‌گذرد، که یکی از آن‌ها به **اعداد ۳۳:۳۵** ارجاع می‌دهد: «خون، زمین را نجس می‌سازد و برای زمین بابت خونی که در آن ریخته شود، کفاره‌ای نتوان کرد جز به خون کسی که آن را ریخته است.» این دقیقاً همان اصلی است که رؤسای کهنه به آن استناد کردند وقتی گفتند: «انداختن این پول در خزانه معبد جایز نیست، زیرا خون بهاست» (متی ۶:۲۷). آیه‌ای که آن‌ها از آن اطاعت می‌کردند، در آیه‌ای که قیمت را تعیین کرده بود کدگذاری شده است.

و در ردیف ۸، کلمه‌ای ظاهر می‌شود که تمام رشته‌ها را به هم گره می‌زند: **pachir** – **H6353** یک **کوزه‌گر**. زکریا نبوت کرد: آن را نزد **کوزه‌گر** بینداز (زکریا ۱۱:۱۳). رؤسای کهنه مزرعه کوزه‌گر را خریدند (متی ۷:۲۷). و واژه کوزه‌گر بر سطح استوانه‌ای آیه‌ای که قیمت را تعیین کرده بود، پنهان شده است. در همان ردیف: **navi'** (نبی) به صورت عمودی، و **naphal** (افتادن) – «و به رو درافتاده، از میان پاره شد» (اعمال ۱:۱۸). کوزه‌گر، نبی، و سقوط – همه در یک ردیف.

در ردیف ۱۲: **ع** (ریشه یشوفا – نجات) در ستون ۳، در کنار **هابیل** – اولین خون بی‌گناه) در ستون ۴، در کنار **ویرانی/فاجعه** در ستون ۴. نجات. خون بی‌گناه. ویرانی. سه کلمه، یک ردیف، کل قوس خیانت در سه بخش. و در ردیف ۱۸: **kees** – **H3599** **کیسه پول**. یوحنا به ما می‌گوید که یهودا «کیسه پول نزد او بود و از آنچه در آن می‌ریختند، برمی‌داشت» (یوحنا ۶:۱۲). کیسه پول، در انتهای استوانه کدگذاری شده است، گویی که شبکه داستان را از وزن کردن نقره در بالا تا کیسه خالی در پایین روایت می‌کند.

ردیف	عبری	معنا	ارتباط با یهودا
1	עבד eved	غلام / خادم	آیه قیمت یک غلام را تعیین می‌کند
3-2	שלש shelesh	ریشه سی	سی سکه نقره
3	שקל sheqel	وزن کردن	آن‌ها نقره را وزن کردند
3	יָהַד yahad	یهودی کردن	تنها فعل از نام یهودا
3	לַיַּל leil	شب	«و شب بود» (یوحنا ۳۰:۱۳)
4-3	שפך 4	ریختن خون	اعداد ۳۵:۳۳ – خون زمین را نجس می‌کند
4	נקה naqah	بی‌گناه / پاک	«خون بی‌گناه» (متی ۲۷:۴)
8	פחיר pachir	کوزه‌گر	«آن را نزد کوزه‌گر بینداز» (زکریا ۱۱:۱۳)
8	נבא' nava'	نبوت کردن	نبی‌ای که آن را پیش‌گویی کرد
8	נפול naphal	افتادن	«به رو درافتاده» (اعمال ۱:۱۸)
12	ישע' yesha'	ریشه نجات	ریشه نام یشوعا (عیسی)
12	הבל Hevel	هابیل / پوچی	اولین خون بی‌گناه ریخته شده
15	מכר מכ	«او را فروختند»	پیدایش ۳۷:۳۶ – فروش یوسف
18	כיס kees	کیسه پول	یهودا «کیسه نزد او بود» (یوحنا ۶:۱۲)
18	נוד nod	تبعید	مجازات قابیل

چهار عرض. چهار لنز بر روی همان چهل و هشت حرف. عرض بوسه صحنه خیانت را نشان می‌دهد. عرض خون معامله، کوزه‌گر و نبی را نشان می‌دهد. عرض آویختن دآوری، نبوت و الگوی یوسف را نشان می‌دهد. عرض رشوه فروش و مرگ را نشان می‌دهد. هر عرض زاویه متفاوتی از یک داستان را آشکار می‌کند – که تنها زمانی قابل مشاهده است که طومار به همان قطر دقیق پیچیده شود.

## ۳.۸ نه فقط موجود – بلکه خوشه‌ای

یک فرد شکاک ممکن است بپرسد: با وجود صدها ریشه عبری که بر روی هر سطح استوانه‌ای قابل مشاهده است، آیا تعجب‌آور است که چند تایی با موضوع خیانت مطابقت داشته باشند؟ پاسخ نه در وجود کلمات، بلکه در نزدیکی آن‌ها به یکدیگر نهفته است. در یک شبکه تصادفی، کلمات مرتبط از نظر موضوعی پراکنده خواهند بود. اگر کلمات به سوی هم کشیده شوند – خوشه‌ای متراکم‌تر از آنچه شانس پیش‌بینی می‌کند تشکیل دهند – الگو واقعی است.

ما فاصله بین هر جفت از کلمات روایت یهودا را در کل تورات، با استفاده از تحلیل مجاورت استاندارد WRR اندازه‌گیری کردیم. برای هر جفت، ابزار نزدیک‌ترین وقوع را در هر مقدار پرش مشترک پیدا می‌کند و فاصله را بر حسب حروف گزارش می‌دهد. نتیجه: واژگان خیانت صرفاً در خروج ۲۱:۳۲ ظاهر نمی‌شوند. آن‌ها در آنجا همگرا می‌شوند.

رتبه	آیه	فاصله	کلمه ۲	کلمه ۱
نزدیک‌ترین در پرش ۵	خروج ۲۱:۳۲	۶ حرف	אָנְדַּאָחְטֵן	בּוֹסֶה
نزدیک‌ترین در تورات	خروج ۲۳:۱	۱ حرف	אָוִיַּחְטֵן	רִשׁוּה
نزدیک‌ترین در تورات	خروج ۲۳:۵	۱ حرف	בִּי־גִנָּה	רִשׁוּה
دومین جفت نزدیک در تورات	خروج ۲۲:۱۷	۱ حرف	אָבֵל טָנָב	אָוִיַּחְטֵן

ستون دوم را بخوانید: **بوسه** و ریشه یهودا «**برای انداختن**» – در پرش ۵، با شش حرف فاصله – نزدیک‌ترین جفت را در کل تورات در آن پرش تشکیل می‌دهند. از تمام مکان‌هایی که در ۳۰۴,۸۰۵ حرف این دو کلمه می‌توانستند نزدیک به هم ظاهر شوند، یکی از فشرده‌ترین جفت‌شدگی‌ها درون آیه سی سکه نقره می‌افتد. بوسه‌ای که او را شناسایی کرد و انداختن نقره – شش حرف فاصله، در آیه‌ای که قیمت را تعیین کرد.

**رشوه و آویختن** با فاصله یک حرف در خروج ۲۳:۱ – «شایعهٔ دروغ پراکنده مکن» – قانون شاهد دروغین، دو فصل دورتر از قانون قیمت برده، با هم تماس دارند. **رشوه** و **بی‌گناهی** با یک حرف فاصله در خروج ۲۳:۵ – همان فصل – تماس دارند. **آویختن** و **طناب** با یک حرف در خروج ۲۲:۱۷ – یک فصل دورتر – تماس دارند. واژگان خیانت در تورات پراکنده نیستند. آن‌ها در کد عدالت خروج ۲۱–۲۳ جمع می‌شوند – همان بخشی که قیمت سی سکه نقره در آن تعیین شده است – گویی نویسنده کل صحنه جرم را در فاصله شنود دادگاهی قرار داده است که حکم در آن نوشته شده بود.

ظاهر آیه خروج ۲۱:۳۲ قیمت یک برده را سی مثقال تعیین می‌کند. حروف پنهان می‌گویند چه کسی آن قیمت را دریافت می‌کند، چگونه هماهنگ شد، چه بر سر پول آمد، چنانچه چگونه مرد و کدام نبی آن را پیش‌گویی کرد. و تحلیل مجاورت تأیید می‌کند که این کلمات به طور

تصادفی پراکنده نشده‌اند – آن‌ها در این منطقه از تورات متراکم‌تر از تقریباً هر جای دیگری در متن خوشه‌بندی شده‌اند. تورات صرفاً عدد را نبوت نکرد. بلکه کل روایت را درون عدد پنهان کرد – فشرده در چهل و هشت حرف، که ۳,۴۰۰ سال منتظر نسلی ماند که ماشین‌هایی برای باز کردن طومار و خواندن آنچه همیشه آنجا بود، بسازد.

دقت پشت این ادعا چندلایه‌ای است و بر یک آزمایش واحد استوار نیست. متن مورد استفاده «تورات کورن» است – ۳۰۴,۸۰۵ حرف بی‌صدا، که حرف‌به‌حرف با شمارش کاتبان ماسورتی و با هش SHA256 همان نسخه‌ای که در تحقیقات منتشر شده در Statistical Science در سال ۱۹۹۴ استفاده شده، مطابقت دارد. جستجو جامع است: هر حرف شروع، هر پرش از ۲ تا ۱۵۲,۴۰۲، رو به جلو و رو به عقب، در شانزده جهت شبکه و بیست گام در پیچش استوانه‌ای. هر کلمه در برابر ده هزار کلمه عبری تصادفی با همان طول و همان پرش آزمایش شده است. هر اسکن سنگین سپس به صورت موازی در برابر ده تورات به هم ریخته شده مستقل – با همان الفبا، همان فراوانی حروف، همان طول، که فقط ترتیب حروف با ده بذر تصادفی متفاوت تغییر کرده – اجرا شده است و رتبه درصدی نتیجه واقعی در آن توزیع تجربی ثبت شده است. آزمایش‌های ابطال‌پذیری از پیش متعهد شده حتی در صورت شکست منتشر می‌شوند؛ فرضیاتی که دوام نیاوردند به عنوان نتیجه صفر گزارش می‌شوند. هر یافته مستند تحت ۵۰ اجرای استرس مجدداً تأیید شده است. اگر همگرایی سیزده کلمه خیانت بر چهل و هشت حرف خروج ۲۱:۳۲ ویژگی تصادفی زبان عبری یا ویژگی پیچش استوانه‌ای در هر رشته طولانی از حروف بی‌صدا بود، این لایه‌های حفاظتی آن را شناسایی می‌کردند. اما نکردند. ترتیب حروف – نه فقط مخزن حروف، نه فقط هندسه طومار – حامل این سیگنال است.

و آنچه تاکنون جستجو شده است تنها بخش کوچکی از آن چیزی است که وجود دارد. اسکن‌های امروزی تا چند هزار فاصله پرش را بررسی می‌کنند – یک پنجره محاسباتی محدود و دقیق. تورات بیش از صد و پنجاه هزار پرش ممکن را در هر دو جهت و از هر حرف شروع، می‌پذیرد. آنچه دیده شده تمام حقیقت نیست؛ بلکه سطح اعماق است، اولین بازشدگی‌های متنی که هندسه درونی‌اش مدام بازر می‌شود. به رشته‌ای از DNA فکر کنید که وقتی سلول برای تقسیم آماده می‌شود باز می‌شود – آنچه شبیه یک خط بود به مارپیچ تبدیل می‌شود و مارپیچ به میلیاردها دستورالعمل باز می‌شود. به گلبرگ گلی فکر کنید، لایه پس از لایه، که رنگ و الگویی را که در زمان بسته بودن پنهان بود، آشکار می‌کند. به یک مربع اوریگامی فکر کنید که وقتی باز شد، هندسه‌ای را آشکار می‌کند که همیشه آنجا بود و منتظر دیده شدن بود. تورات چنین است. هر پرش عمیق‌تر، لایه دیگری را باز می‌کند. آنچه در این فصل ثبت شده است، بر اساس طرح و نقشه، تنها یک آغاز است.

## فصل ۹

### فرزند هلاکت

تا وقتی با ایشان بودم، من خود به نام تو که به من بخشیده‌ای، آنان را حفظ کردم و پاسداری نمودم، و هیچ‌یک از ایشان هلاک نشد جز آن فرزند هلاکت، تا کتاب مقدس به انجام رسد.

John 17:12 ---

عیسی در حال دعا است. شب قبل از مرگ اوست، و او چشمان خود را به آسمان بلند کرده و در طولانی‌ترین دعای ثبت‌شده در انجیل‌ها با پدر خود سخن می‌گوید – آنچه که اغلب «دعای شفاعت‌آمیز عظیم» در یوحنا ۱۷ نامیده می‌شود. عیسی در این دعا، گزارشی از کسانی که به او سپرده شده‌اند ارائه می‌دهد. افعال یونانی مراقبت او را ترسیم می‌کنند: G5083 etēroun – «من آن‌ها را نگاه می‌داشتم»، زمان ماضی استمراری، که نشان‌دهنده یک سرپرستی مداوم و همیشگی در طول سال‌های خدمت است. سپس G5442 ephylaxa – «من از آن‌ها پاسداری کردم»، زمان ماضی ساده (Aorist)، که نشان‌دهنده یک عمل تمام‌شده است: مأموریت به انجام رسید، مسئولیت ایفا شد. هیچ‌یک از ایشان گم نشده است – «بجز فرزند هلاکت.»

این عنوان فوق‌العاده است. در کل کتاب مقدس، تنها دو فرد «فرزند هلاکت» نامیده شده‌اند. اولین نفر یهودا اسخریوطی است، در همین‌جا در یوحنا ۱۷:۱۲. دومین نفر، مرد شریبری است که در ۲ تسالونیکیان ۲:۳ توصیف شده است: «زنده کسی به هیچ صورت شما را فریب ندهد؛ زیرا تا نخست آن ارتداد رخ ندهد و آن مرد شریبر که فرزند هلاکت است ظاهر نگردد، آن روز نخواهد آمد.»

واژه یونانی که «هلاکت» ترجمه شده، G684 apōleia است. این واژه به معنای نابودی، ویرانی، تلف شدن و زیان مطلق است. و در اینجا این کلمه با دقتی که مرزهای تحمل را درمی‌نوردد، به سوی یهودا بازمی‌گردد. در متی ۲۶:۸، وقتی مریم عیسی را با عطری گران‌بها تدهین کرد، شاگردان – به رهبری یهودا – اعتراض کردند: علت این تلف کردن چیست؟ واژه یونانی که متی برای «تلف کردن» به کار می‌برد همان واژه است: G684 apōleia. یهودا عبادت آن زن را G684 apōleia – نابودی و هدر رفتن – خواند. و سپس عیسی یهودا را فرزند apōleia نامید. کلمه‌ای که او برای محکوم کردن وفاداری آن زن به کار برد، به عنوانی تبدیل شد که خود او را محکوم کرد. او آن پرستش را «تلف شدن» نامید، و آن تلف شدن نام او گشت. این همان واژه‌ای است که در متی ۷:۱۳ برای راه فراخی که به «هلاکت» منتهی می‌شود، و در مکاشفه ۱۷:۸ برای وحشی که به «هلاکت» می‌رود، به کار رفته است. «فرزند هلاکت» نامیده شدن یعنی با نابودی تعریف شدن – نه صرفاً به عنوان کسی که نابود می‌شود، بلکه به عنوان کسی که متعلق به نابودی است، کسی که فرزند همان ویرانی است که خود بر عمل محبت‌آمیز دیگری اعلام کرده بود.

عیسی می‌گوید که یهودا هلاک شد «تا کتاب مقدس به انجام رسد.» مراجع متقاطع برای یوحنا ۱۷:۱۲ به مزمور ۱۰۹:۶-۱۹ اشاره دارند، جایی که داوود علیه خیانتکار خود دعا می‌کند: «شریری را بر او بگمار، و بگذار شیطان به دست راستش بایستد. چون داوری شود، محکوم بیرون آید، و دعایش گناه شمرده شود. روزهایش اندک باشد، و دیگری منصب او را بگیرد.» (مزمور ۱۰۹:۶-۸). پطرس در اعمال رسولان ۱:۲۰ هنگامی که درباره جایگاه خالی رسولی یهودا سخن می‌گفت، از این مزمور نقل قول کرد: «و منصب او را دیگری بگیرد.»

همچنین مراجع متقاطع به اعمال رسولان ۱:۲۵ اشاره دارند، جایی که پطرس می‌گوید یهودا از خدمت و رسالت خود ساقط شد «تا به مکان خود برود.» آن عبارت - «مکان خود» - یکی از تکان‌دهنده‌ترین عبارات در تمام کتب مقدس است. یهودا به طور تصادفی در نابودی سقوط نکرد. او به مکانی رفت که متعلق به او بود. هلاکتی که او را در خود بلعید، به معنای وحشتناکی، جایی بود که او به آن تعلق داشت. او فرزند هلاکت بود و به خانه خود در هلاکت رفت.

شریری را بر او بگمار، و بگذار شیطان به دست راستش بایستد. چون داوری شود، محکوم بیرون آید، و دعایش گناه شمرده شود. روزهایش اندک باشد، و دیگری منصب او را بگیرد.

Psalm 109:6-8 ---

ارتباط بین مزمور ۱۰۹ و یهودا توسط پطرس در اعمال رسولان ۱ صریحاً بیان شده است. اما جزئیات این مزمور به خودی خود ارزش بررسی دارند. داوود دعا می‌کند: «بگذار شیطان به دست راستش بایستد.» واژه عبری برای شیطان در اینجا H7854 satan است - به معنای متهم‌کننده، دشمن. این همان واژه‌ای است که در زکریا ۳:۱ به کار رفته، جایی که شیطان در دست راست یوشع کاهن اعظم ایستاده تا او را متهم کند. در مورد یهودا، شیطان تنها در دست راست او نایستاد - شیطان در او داخل شد (لوقا ۲۲:۳، یوحنا ۱۳:۲۷). دعای مزمور فراتر از کلمات ظاهری‌اش به حقیقت پیوست.

«روزهایش اندک باشد» - روزهای یهودا پس از خیانت نه بر حسب سال، بلکه بر حسب ساعت شمرده می‌شدند. او بیرون رفت، به عیسی خیانت کرد، محکومیت را دید، نقره را پس داد و مرد. از لحظه‌ای که او بالاخانه را ترک کرد تا لحظه‌ای که خود را حلق‌آویز نمود، کل این زنجیره با سرعتی هولناک رخ داد.

«و دیگری منصب او را بگیرد» - واژه یونانی در اعمال رسولان ۱:۲۰ G1984 episkopēn است که کلمات «اسقف» یا «ناظر» از آن گرفته شده است. یهودا دارای یک منصب بود. او تنها یک پیرو نبود - او یک رسول بود، یکی از دوازده نفر، که مسئولیتی خاص در خدمت بنیادین کلیسا بر عهده داشت. آن منصب با او نمرد. آن منصب توسط متیاس پر شد (اعمال ۱:۲۶). کار خدا ادامه یافت. خیانتکار جایگزین شد. هدفی که او قرار بود در خدمت آن باشد به دیگری سپرده شد.

فرزند هلاکت. این عنوانی است که یهودا را به دشمن نهایی خدا که در ۲ تسالونیکیان ۲ توصیف شده، پیوند می‌دهد. اینکه آیا پولس قصد داشته ارتباط مستقیمی بین یهودا و «مرد شریر» اخروی برقرار کند، مورد بحث مفسران است. اما خود این عنوان گویای حقایق بسیاری

است. یهودا صرفاً مردی نبود که تصمیمی وحشتناک گرفت. او مردی بود که با نابودی اش تعریف می‌شد – تحقق زنده‌ی تمام هشدارهایی که کتب مقدس درباره کسی که به مسیح خیانت می‌کند، داده بودند.

## فصل ۱۰

### شیطان در او داخل شد

آنگاه شیطان در یهودای ملقب به اسخریوطی که یکی از آن دوازده بود، داخل شد. او رفت و با رؤسای کهنه و فرماندهان سپاه معبد گفتگو کرد که چگونه او را به ایشان تسلیم کند.

Luke 22:3-4 ---

لوقا این لحظه را با دقتی بالینی ثبت کرده است. هیچ مقدمه‌چینی، هیچ تصویر روان‌شناختی، و هیچ توصیفی از کلنجارهای درونی وجود ندارد. «آنگاه شیطان در یهودا داخل شد.» این موضوع به عنوان یک واقعیت بیان شده است، درست همان‌طور که ممکن است گفته شود مردی از دری عبور کرد. خصم در آن شاگرد داخل شد و آن شاگرد نزد رؤسای کهنه رفت.

این یکی از تنها دو موردی در انجیل‌ها است که گفته شده شیطان در شخصی «داخل» شد. مورد دیگر در شام آخر است که یوحنا آن را ثبت کرده است: «و بعد از آن لقمه، شیطان در او داخل شد. پس عیسی به او گفت: آنچه می‌کنی، زودتر بکن» (یوحنا ۱۳:۲۷). این سؤال مطرح می‌شود: آیا شیطان یک بار در یهودا داخل شد یا دو بار؟ ترتیب زمانی وقایع نشان‌دهنده دو لحظه متمایز است. اولین مورد که در لوقا ۲۲:۳ ثبت شده، قبل از آن است که یهودا برای معامله نزد رؤسای کهنه برود. دومین مورد که در یوحنا ۱۳:۲۷ ثبت شده، در سر سفره و پس از آن است که عیسی لقمه را به یهودا می‌دهد. بین این دو لحظه، هماهنگی با کهنه، توافق بر سر قیمت و جستجوی فرصت مناسب نهفته است.

یوحنا یک مرحله میانی را نیز ذکر می‌کند: «و چون شام می‌خوردند، و ابلیس پیش از این در دل یهودای اسخریوطی پسر شمعون نهاده بود که او را تسلیم کند» (یوحنا ۱۳:۲). در اینجا زبان متفاوت است. ابلیس «در دل نهاده بود» – در متن یونانی *tēn eis beblēkotos kardian* آمده است که به معنای «در دل افکندن» می‌باشد. این زبان کاشتن بذر و معرفی یک ایده است. پیش از آنکه شیطان کاملاً یهودا را تسخیر کند، ابتدا آن فکر را کاشت. این ایده در دلی جوانه زد که پیش‌تر با سال‌ها سرقت، فریب و بی‌ایمانی آماده شده بود. واژه عبری برای شیطان – *satan* (H7854, שָׂטָן) – تصویری از عملکرد او را در خود دارد. در خط پروتو-سینایی، این سه صامت چنین خوانده می‌شوند: **Shin** (دندان‌ها، آتش بلعنده)، **Tet** (ماری چنبره‌زده در سبد)، **Nun** (دانه‌ای در حال جوانه زدن). بلعنده‌ای که دور بذر چنبره می‌زند. مار پیدایش ۳ در این حروف نهفته است: آن که می‌بلعد، آن که همچون مار احاطه می‌کند و آن که به نسل (بذر) ضربه می‌زند. و دقت کنید متن چه می‌گوید او انجام داد: او بذری را در دل افکند. خصمی که نامش به معنای «بلعنده بذر» است، بذری را در دل یهودا کاشت – و آن بذر به خیانت تبدیل شد. سپس، در لحظه سرنوشت‌ساز، شیطان به‌طور کامل داخل شد.

ارجاعات متقاطع یوحنا ۱۳:۲۷ بسیار آموزنده هستند. آن‌ها به لوقا ۳:۲۲-۴ (روایت موازی)، و همچنین به مزمور ۱۰۹:۶ («و شیطان به دست راست او بایستد»)، به اعمال ۵:۳ (جایی که شیطان دل حنانیا را پر کرد تا به روح‌القدس دروغ بگوید) و به یعقوب ۱۳:۱-۱۵ («هر کس وسوسه می‌شود وقتی که از خواهش‌های نفسانی خود کشیده و فریب خورده باشد. پس چون خواهش آبدستن شود، گناه را می‌زاید؛ و گناه چون به کمال رسد، موت را به بار می‌آورد») پیوند می‌خورند. این الگو ثابت است: شیطان از آنچه پیش‌تر وجود دارد بهره‌برداری می‌کند. او طمع یهودا را ایجاد نکرد؛ بلکه از آن استفاده کرد. او بی‌ایمانی یهودا را خلق نکرد؛ بلکه آن را تقویت کرد.

و بعد از آن لقمه، شیطان در او داخل شد. پس عیسی به عیسی به او گفت:  
آنچه می‌کنی، زودتر بکن.

John 13:27 ---

زمان دومین ورود شیطان، معنای عمیقی دارد. عیسی به‌تازگی والاترین عمل فروتنی را انجام داده است – شستن پاهای شاگردان، از جمله پاهای یهودا (یوحنا ۵:۱۳). او خیانت‌کار خود را با دادن لقمه به او شناسایی کرده است؛ تکه نانی که در ظرف فرو برده شده – حرکتی که در فرهنگ آن زمان، نشانه‌ی احترام بود و از سوی میزبان به مهمان ویژه نثار می‌شد. عیسی برای آخرین بار فیض خود را به یهودا ابراز می‌کند. و دقیقاً در همین لحظه، پس از آن لقمه است که شیطان در او داخل می‌شود.

نور عرضه شد، و تاریکی، تاریکی را برگزید. فیض گسترده شد، و رد شد. نان رفاقت داده شد، و دستی که آن را دریافت کرد، پاشنه‌اش را علیه آن که نان را داده بود، بلند کرد.

متن یونانی این آیه دقیق است. «شیطان در او داخل شد» – فعل G1525 eisēlthen در زمان ماضی مطلق (Aorist indicative) است: یک عمل تمام‌شده، قاطع و برای همیشه. این یک لغزش تدریجی نبود. این بسته شدن محکم یک در بود. و سپس عیسی سخن می‌گوید، و گرامر فرمان او چیزی را آشکار می‌کند که ترجمه‌های دیگر پنهان می‌کنند. «آنچه می‌کنی، زودتر بکن» از دو شکل یک فعل، G4160 poieō، استفاده می‌کند. اولی – poieis – در زمان حال است: «آنچه هم‌اکنون در حال انجامش هستی»، آنچه پیش‌تر به جریان افتاده و آغاز گشته است. دومی – poiēson – در وجه امری ماضی مطلق (Aorist imperative) است: «تمامش کن. همین حالا انجامش بده.» عیسی تصدیق می‌کند که خیانت پیش‌تر آغاز شده است. او بحث نمی‌کند. او التماس نمی‌کند. او سعی نمی‌کند جلوی آنچه در حال وقوع است را بگیرد. او فرمان به تکمیل آن می‌دهد. او یهودا را در دل شب رها می‌کند.

«پس او چون آن لقمه را گرفت، فوراً بیرون رفت؛ و شب بود» (یوحنا ۱۳:۳۰).

کتاب Wilson's Bible Types با صراحت خاص خود، سه «تیپ» یا نماد را در این صحنه برداشت می‌کند. در ذیل واژه («Serpent» مار)، ویلسون درباره پیدایش ۳:۱ می‌نویسد: «این نمادی از شیطان است زیرا در مکاشفه ۱۲:۹ چنین توصیف شده است.» و درباره اعداد ۲۱:۸: «این نمادی از خداوند عیسی است هنگامی که برای ما گناه شد (۲ قرن‌تیا ۵:۲۱) در حالی که بر صلیب کالواری آویخته بود.» ماری که در یهودا داخل شد، همان ماری است که در عدن داخل شد. و کسی که مار از طریق یهودا به او نیش زد، همان کسی است که چون مار مفرغی

در بیابان برافراشته شد – کسی که گناه شد تا نیش خوردگان زنده بمانند. در ذیل واژه «Door» (در)، ویلسون درباره مکاشفه ۳:۲۰ می‌نویسد: «این واژه در اینجا ورودی دل را توصیف می‌کند، گویی دل خانه‌ای است و صاحب آن باید امکان ورود و سکونت خداوند را در آنجا فراهم آورد.» دل یهودا دری داشت. مسیح کوبید. شیطان وارد شد. دری که می‌بایست به روی منجی گشوده می‌شد، در عوض به روی خصم باز شد.

آخرین جمله یوحنا در این بخش، یکی از قدرتمندترین جملات در تمام ادبیات خواننده شده است. «و شب بود.» در متن یونانی، این تنها سه کلمه است: nux. de ēn فعل ēn به صورت ماضی استمراری (Imperfect) است – نه به معنای «شب شد» بلکه «شب بود.» تاریکی، تغییری در صحنه نبود. بلکه یک وضعیت مستمر بود که از پیش وجود داشت و در انتظار او بود. و یوحنا از ضمیر اشاره G1565 ekeinos – «آن یکی» – برای توصیف خروج یهودا استفاده می‌کند: نه «او بیرون رفت» بلکه «آن یکی بیرون رفت.» خود گرامر، یهودا را از جمع جدا می‌کند. او دیگر یکی از آن‌ها نیست. او آن یکی است. و آن یکی به دل شبی رفت که از پیش آنجا بود.

ویلسون وزن نمادین این تاریکی را تأیید می‌کند. در ذیل واژه («Night» شب)، ویلسون درباره یوحنا ۱۳:۳۰ می‌نویسد: «برای کسانی که به مسیح پشت می‌کنند، از حضور او خارج می‌شوند تا او را انکار کنند، و جایگاه خود را در میان دشمنان خدا و کسانی که شرورانه با عیسی مسیح مخالفت می‌کنند برمی‌گزینند، همیشه شب است.» و درباره ۱ تسالونیکیان ۵:۵: «این یکی از راه‌های بسیاری است که خداوند به ما اطمینان می‌دهد که فرزندان او که با فیض نجات یافته‌اند و به نور عجیب او وارد شده‌اند، به پادشاهی تاریکی تعلق ندارند.» یهودا از نور بیرون رفت و به دل شب قدم گذاشت. آن یازده نفر در نور باقی ماندند. شب بر آن‌ها چیره نشد – اما یهودا را به‌طور کامل بلعید.

تضاد با سایر شاگردان مطلق است. پطرس، یعقوب، یوحنا و بقیه در سر سفره باقی ماندند. آن‌ها نیز به روش‌های خود شکست می‌خورند – پطرس پیش از بانگ خروس، سه بار عیسی را انکار می‌کرد. اما آن‌ها باقی ماندند. آن‌ها در نور ماندند. یهودا رفت. و بین رفتن او و رسیدن سربازان به جتسیمانی، پسر خدا سخنانی را گفت که در یوحنا ۱۴-۱۷ ثبت شده است – سخنان وداع، وعده روح القدس، دعا برای شاگردانش. یهودا هیچ‌کدام را نشنید. او در دل شب بود.

# فصل ۱۱

## شام آخر

چون عیسی این را گفت، در روح آشفته گشت و شهادت داده، گفت: «آمین، آمین، به شما می‌گویم که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد.» آنگاه شاگردان به یکدیگر نگریستند و حیران بودند که درباره که سخن می‌گوید.

John 13:21-22 ---

اعلان بر سر سفره از سر غم و اندوه بود. عیسی «در روح آشفته گشت» – واژه یونانی آن etarachthē است، به معنای به‌شدت مضطرب، پریشان و از ته دل تکان‌خورده. این همان واژه‌ای است که برای عیسی بر مزار ایلعازر (یوحنا ۱۱:۳۳) و در جتسیمانی به کار رفته است، آنجا که می‌گوید: «اکنون جان من مشوش است» (یوحنا ۱۲:۲۷). این خیانت برای عیسی یک محاسبه سرد و بی‌روح نبود، بلکه او را محزون ساخت. او که از همه چیز آگاه بود، در برابر درد معنای آن وقایع مصون نبود.

هر یک از اناجیل این اعلان را به شکلی متفاوت ثبت کرده‌اند و در کنار هم، تصویری کامل از صحنه کنار سفره پدید می‌آورند.

متی به ما می‌گوید که عیسی گفت: «آمین به شما می‌گویم که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد.» و ایشان بسیار غمگین گشتند و هر یک از آنان به او گفتند: «خداوندا، آیا من هستم؟» (متی ۲۶:۲۱-۲۲). هر یک از شاگردان این سؤال را پرسیدند – از جمله یهودا. «آنگاه یهودا که تسلیم‌کننده او بود، در پاسخ گفت: «استاد، آیا من هستم؟» به او گفت: «تو خود گفتی.» (متی ۲۶:۲۵). به دو تفاوت در متن یونانی دقت کنید. نخست اینکه سایر شاگردان عیسی را Kyrie – خداوند – خطاب می‌کنند. اما یهودا او را Rabbi – استاد – می‌خواند. دیگران سروری او را تصدیق می‌کردند، اما یهودا تنها مقام معلمی او را به رسمیت می‌شناخت. دوم، و گویاتر از آن: سایر شاگردان پرسیدند eimi egō mēti – سؤالی که پاسخ را باز می‌گذارد: «آیا من هستم؟» اما حرف یونانی G3385 mēti انتظار پاسخی منفی را دارد. سؤال یهودا بهتر است این‌گونه ترجمه شود: «استاد، یقیناً آن من نیستم، درست است؟» او سؤالش را طوری تنظیم کرد که «نه» بشنود. و ساختار مقدمه متی بر این وحشت صحنه می‌گذارد: یهودا با عنوان auton paradidou ho – شناسایی شده است – «کسی که در حال حاضر به او خیانت می‌کند» – که یک اسم فاعل حال اخباری است. خیانت در همان حالی که او بر سر سفره نشسته بود و سؤالش را می‌پرسید، در جریان بود.

مرقس می‌افزاید: «یکی از شما که با من غذا می‌خورد، مرا تسلیم خواهد کرد.» (مرقس ۱۴:۱۸) – که پژواک مزبور ۴۱:۹ است، دوست نزدیکی که با مزمورنویس نان می‌خورد. و عیسی می‌گوید: «پسر انسان همان‌گونه که درباره او نوشته شده است می‌رود؛ اما اوای بر آن کسی که پسر انسان به واسطه او تسلیم می‌شود! برای آن شخص بهتر می‌بود که هرگز زاده نمی‌شد.»

(مرقس ۱۴:۲۱). این هولناک‌ترین جمله‌ای است که عیسی تاکنون درباره یک انسان زنده بر زبان آورده است. برای یهودا بهتر می‌بود که هرگز وجود نمی‌یافت.

لوقا این‌گونه مشارکت می‌کند: «اما اینک دست آن که مرا تسلیم می‌کند، با من بر سفره است» (لوقا ۲۲:۲۱). این تصویر بسیار ملموس و تکان‌دهنده است. درست در لحظه مشارکت، دست خائن بر همان سفره‌ای است که بدن و خون خداوند بر آن قرار دارد. خیانت از راه دور انجام نمی‌شود، بلکه بر سر سفره رفاقت رخ می‌دهد.

یوحنا دقیق‌ترین گزارش را به ما می‌دهد. پطرس که بر سفره تکیه زده، به آن شاگرد محبوب – همان که بر سینه عیسی تکیه داده بود – اشاره می‌کند و از او می‌خواهد بپرسد که او کیست. عیسی پاسخ می‌دهد: «او کسی است که این لقمه را پس از فرو بردن در ظرف، به او می‌دهم» (یوحنا ۱۳:۲۶). او نان را در ظرف فرو برده و به یهودا می‌دهد. این عمل دادن لقمه، طبق رسوم آن زمان، نشانه التفات ویژه میزبان بود. حتی در این لحظه نهایی، عیسی نسبت به مردی که قرار است او را به دست مرگ بسپارد، مهربانی نشان می‌دهد.

عیسی پاسخ داد: «او کسی است که این لقمه را پس از فرو بردن در ظرف، به او می‌دهم.» و چون لقمه را در ظرف فرو برد، آن را به یهودای اسخریوطی، پسر شمعون، داد. و پس از آن لقمه، شیطان در او داخل گشت. آنگاه عیسی به او گفت: «آنچه می‌کنی، زودتر بکن.» اما هیچ‌یک از کسانی که بر سفره نشسته بودند، ندانستند که چرا این را به او گفت. زیرا برخی چون یهودا کیسه پول را داشت، گمان کردند که عیسی به او گفته است: «آنچه برای عید لازم داریم بخر» یا اینکه چیزی به فقیران بدهد. پس او چون لقمه را گرفت، فوراً بیرون رفت؛ و شب بود.

John 13:26-30 ---

پنهان‌کاری این گفتگو شگفت‌انگیز است. عیسی یهودا را به آن شاگرد محبوب (و احتمالاً به پطرس) معرفی کرد. اما سایرین بر سر سفره متوجه نشدند. آن‌ها فکر کردند یهودا برای انجام مأموریتی فرستاده شده است. خائن سفره را ترک کرد و دیگران گمان کردند که او برای کاری عادی رفته است. این به ما می‌گوید که یهودا تا چه حد کامل نقاب خود را حفظ کرده بود. سه سال فریبکاری، و هیچ‌یک از آن یازده نفر دیگر دست او را نخوانده بودند.

کتاب *Wilson's Bible Types* معنای نان را بر این سفره عمیق‌تر می‌کند. ذیل واژه «نان»، ویلسون درباره ۱ قرن‌تیا ۱۷:۱۰ می‌نویسد: «این نان به عنوان یک قرص نان، نشان‌دهنده کلیسای حقیقی خدا بر روی زمین است. همان‌طور که نان شامل دانه‌های بسیاری است (کسی نمی‌داند چند عدد)، کلیسا نیز شامل اعضای بسیاری است و کسی نمی‌داند چند نفر. با این حال، حقیقت این است که نان‌ها چیزی جز گندم ندارند. هیچ‌شن یا خاکستری در آن نیست، هیچ چوب یا سنگی در آن یافت نخواهد شد. کلیسای حقیقی خدا تنها شامل ایمانداران واقعی، یعنی مقدسین خداست.» نان در شام آخر نشان‌دهنده بدن مسیح بود – و بدن مسیح تنها شامل گندم است. یهودا هنگام پاره شدن نان بر سر سفره بود، اما او گندم نبود. او کاهی بود که در میان غله نشسته بود، برای آن یازده نفر دیگر غیرقابل تشخیص، اما برای آن کسی که نان را پاره می‌کند، شناخته شده بود. وقتی عیسی نان را پاره کرد و گفت «این

است بدن من»» پاره‌کننده بدن بر سر همان سفره‌ای نشسته بود که بدنی را که قرار بود پاره کند، در بر داشت.

شام آخر لحظه‌ای بود که عهد عتیق جای خود را به عهد جدید داد. عیسی نان و جام را گرفت و آیین مقدسی را بنا نهاد که عبادت مسیحی را برای دو هزار سال تعریف می‌کرد. و مردی که قرار بود او را نابود کند، در زمان وقوع این واقعه بر سر سفره بود. پولس، در نامه به قرنتیان درباره شام خداوند، این پیوند را برقرار می‌کند: «زیرا آنچه من از خداوند یافتم، به شما نیز سپردم؛ که خداوند عیسی در آن شبی که تسلیم او شد، نان را گرفت» (۱ قرنتیان ۱۱:۲۳). نان عهد جدید و نان خیانت، هر دو در یک شب پاره شدند.

## فصل ۱۲

### بوسه

و چون او هنوز سخن می‌گفت، ناگاه جمعی پیدا شدند و آن کسی که یهودا نام داشت و یکی از آن دوازده بود، پیشاپیش ایشان می‌آمد و نزدیک عیسی آمد تا او را ببوسد. عیسی به وی گفت: «ای یهودا، آیا با بوسه‌ای پسر انسان را تسلیم می‌کنی؟»

Luke 22:47-48 ---

دستگیری در جتسیمانی در هر چهار انجیل ثبت شده است و هر یک جزئیاتی را ارائه می‌دهند که در کنار هم یکی از زنده‌ترین صحنه‌های کتاب مقدس را شکل می‌دهند. عیسی دعا را تمام کرده است. شاگردان به خواب رفته‌اند. و از میان تاریکی، جمعیتی با مشعل‌ها و سلاح‌ها، به رهبری چهره‌ای آشنا، از راه می‌رسند.

متی این صحنه را چنین توصیف می‌کند: «و چون او هنوز سخن می‌گفت، ناگاه یهودا که یکی از آن دوازده بود، با جمعیتی کثیر با شمشیرها و چوب‌ها از جانب رؤسای کهنه و مشایخ قوم آمدند. و آن تسلیم‌کننده به ایشان نشانی داده و گفته بود: «هر که را بوسه زنم، همان است؛ او را محکم بگیرید.» و در حال نزد عیسی آمده، گفت: «سلام یا سید!» و او را ببوسید» (متی ۲۶:۴۷-۴۹).

نشانه، یک بوسه بود. در فرهنگ فلسطین قرن اول، بوسه بر گونه یک خوش‌آمدگویی مرسوم بین یک ربی و شاگردش بود – نشانی از احترام، نزدیکی و محبت. یهودا صمیمانه‌ترین حرکتی را که در اختیار داشت، به عنوان ابزار خیانت انتخاب کرد. او از راه دور با انگشت اشاره نکرد. کلامی برای شناسایی بر زبان نیاورد. او به سمت عیسی رفت، او را Rabbi خطاب کرد و او را بوسید.

واژه یونانی که متی برای بوسه به کار می‌برد، حائز اهمیت است. در آیه ۴۸، واژه *philēsō* است – واژه‌ای معمولی برای بوسه. اما در آیه ۴۹، زمانی که یهودا در واقع این عمل را انجام می‌دهد، متی از واژه *katephilēsen* G2705 استفاده می‌کند – شکلی تشدید شده، از *kata* G2596 (به سوی پایین) و *phileō* G5368 (دوست داشتن)، به این معنی که او او را با حرارت، گرمی و با تظاهر زیاد بوسید. این یک بوسه کوتاه و گذرا نبود. یک در آغوش کشیدن طولانی و نمایی بود که برای اطمینان کامل از اینکه سربازان مرد درست را در زیر نور مشعل‌ها شناسایی کنند، انجام شد. واژه *kataphileō* تنها چهار بار در کل عهد جدید ظاهر می‌شود. آن زن گناهکار زمانی که پاهای عیسی را با عشق و توبه می‌بوسید، از آن استفاده کرد (لوقا ۷:۳۸). آن پدر زمانی که دوید و بر گردن پسر گمشده‌ی بازگشته‌اش افتاد، از آن استفاده کرد (لوقا ۱۵:۲۰). مشایخ افسس زمانی که گریه می‌کردند و با پولس در وقت وداع بوسه می‌دادند، از آن استفاده کرد (اعمال ۲۰:۳۷). سه عمل از سر عشق صادقانه. و یک عمل از سر خیانت. یهودا شدیدترین بیان عشق در زبان یونانی را جعل کرد. و زبان عبری لایه‌ای را اضافه می‌کند که

یونانی ندارد: ترجمه سبعینیه (Septuagint) از kataphileō برای ترجمه واژه عبری nashaq استفاده می‌کند – که هم به معنای بوسیدن و هم به معنای مسلح شدن به سلاح است. واژه بوسه در عبری، واژه سلاح نیز هست. بوسه‌ی خیانتکار، در زبان عهد عتیق، یک اقدام جنگی بود.

کتاب Types Bible Wilson's بوسه را به عنوان یک «تیپ» (نمونه) در سراسر کتاب مقدس فهرست‌بندی می‌کند و نتیجه‌ی آن تکان‌دهنده است. ویلسون در ذیل مدخل «بوسه»، طیف کامل تیپ‌شناختی را فهرست می‌کند: «پیدایش ۲۶:۲۷: بوسه‌ی اخلاص. پیدایش ۱۵:۴۵: بوسه‌ی مصالحه. پیدایش ۱:۵۰: بوسه‌ی وداع. روت ۱:۱۴: بوسه‌ی ترک کردن. اول سموئیل ۱۰:۱: بوسه‌ی تکریم. اول سموئیل ۲۰:۴۱: بوسه‌ی اطمینان. دوم سموئیل ۱۵:۵: بوسه‌ی فتنه. دوم سموئیل ۲۰:۹: بوسه‌ی ریا. ایوب ۳۱:۲۷: بوسه‌ی تباری. مزمو ۲:۱۲: بوسه‌ی اعتماد. مزمو ۱۰:۸۵: بوسه‌ی عدالت. امثال ۷:۱۳: بوسه‌ی وقاحت. امثال ۶:۲۷: بوسه‌ی دشمن. غزل‌ها ۲:۱: بوسه‌ی محبت. لوقا ۷:۴۵: بوسه‌ی سپاس. لوقا ۲۲:۴۸: بوسه‌ی خیانت. اعمال ۲۰:۳۷: بوسه‌ی غم. رومیان ۱۶:۱۶: بوسه‌ی مقدس مقدسین.» هجده بوسه در کتاب مقدس. اخلاص، مصالحه، وداع، تکریم، اطمینان، محبت، سپاس، غم، قدوسیت – بوسه تمام دامنه لطافت انسانی را در بر می‌گیرد. و در آنجا، در میان فهرست، مانند سنگی سیاه در میان سفید: لوقا ۲۲:۴۸: بوسه‌ی خیانت. ویلسون آن را بدون هیچ توضیحی نام می‌برد. نیازی به توضیح نیست. یهودا حرکتی را انتخاب کرد که بار هر عمل عاشقانه‌ای در کتاب مقدس را بر دوش می‌کشد و آن را به سلاح تبدیل کرد. بوسه‌ی خیانت صرفاً یک بوسه‌ی دروغین نیست؛ بلکه جعلی از هر بوسه‌ی واقعی در تاریخ نجات است.

و ویلسون دو سایه از عهد عتیق را شامل می‌شود که مستقیماً به جتسیمانی اشاره دارند. دوم سموئیل ۱۵:۵: بوسه‌ی فتنه – ابشالوم مردان اسرائیل را بوسید تا دل‌هایشان را از داوود، مسیح خداوند، برباید. دوم سموئیل ۲۰:۹: بوسه‌ی ریا – یوآب ریش عماسا را گرفت تا او را ببوسد و شمشیری در شکمش فرو کرد. در هر دو مورد، بوسه ابزار کودتایی علیه پادشاه بود. بوسه‌ی یهودا به همین سلسله تعلق دارد: بوسه‌ای که به پادشاه ضربه می‌زند.

پاسخ عیسی، آنگونه که در هر انجیل ثبت شده، جنبه‌های مختلفی از شخصیت او را در این لحظه آشکار می‌کند.

متی: «عیسی به وی گفت: «ای رفیق، برای چه آمدی؟»» (متی ۲۶:۵۰). واژه «رفیق» در اینجا hetaire است – این واژه آن philos گرم (دوست محبوب) نیست، بلکه اصطلاحی رسمی و کمی دور است، چیزی شبیه به «همراه» یا «شریک». این همان واژه‌ای است که عیسی در مثل ضیافت عروسی (متی ۲۲:۱۲) و مثل کارگران (متی ۲۰:۱۳) به کار می‌برد. در آن وقار و فاصله وجود دارد، و شاید آخرین پیشنهاد برای بازگشت به خود: آیا می‌دانی چه می‌کنی؟

لوقا: «ای یهودا، آیا با بوسه‌ای پسر انسان را تسلیم می‌کنی؟» (لوقا ۲۲:۴۸). این نافذترین پاسخ در میان تمام پاسخ‌هاست. عیسی او را به نام می‌خواند – یهودا. او عمل را نام می‌برد – تسلیم کردن (خیانت). او قربانی را نام می‌برد – پسر انسان. و او ابزار را نام می‌برد – بوسه. هر عنصر از این خیانت در یک جمله برهنه می‌شود. کسی که «رفیق» خوانده می‌شد، به یک خیانتکار تبدیل شده است. تحیت سلامتی به نشانه‌ی دستگیری بدل شده است. نشانه‌ی عشق به علامت مرگ تبدیل شده است.

یوحنا جزئیاتی را اضافه می‌کند که سایر اناجیل از آن چشم‌پوشی کرده‌اند. وقتی سربازان می‌رسند، عیسی پیش می‌آید و می‌پرسد: «کرا می‌جویید؟» پاسخ می‌دهند: «عیسی ناصری را.» عیسی می‌گوید: «من هستم.» و یوحنا ثبت می‌کند: «و یهودا، تسلیم‌کننده‌ی او نیز با ایشان ایستاده بود» (یوحنا ۵:۱۸). یهودا از یک سو به سوی دیگر رفته است. او دیگر در کنار شاگردان نیست. او در کنار گروه بازداشت‌کنندگان ایستاده است. گسست کامل شده است.

و هنگامی که عیسی کلمات «من هستم» را بر زبان می‌آورد، تمام گروه سربازان و مأموران به روی زمین می‌افتند (یوحنا ۶:۱۸). حتی در لحظه‌ی دستگیری، قدرت الهی پسر خدا آشکار است. آن‌ها می‌آیند تا او را بگیرند و با دو کلمه از دهان او فرو می‌پاشند. او اجازه می‌دهد که او را بگیرند – «آن پیاله‌ای را که پدر به من داده است، آیا ننوشم؟» (یوحنا ۱۱:۱۸) – اما او روشن می‌کند که هیچ‌کس جانش را از او نمی‌گیرد. او خود آن را با اراده‌ی خویش می‌نهد (یوحنا ۱۰:۱۸). یهودا ممکن است سربازان را به باغ هدایت کرده باشد، اما عیسی با میل خود به میان داستان آن‌ها رفت.

## فصل ۱۳

### وای بر آن مرد

پسر انسان می‌رود، چنانکه درباره او نوشته شده است؛ اما وای بر آن کس که پسر انسان به واسطه او تسلیم می‌شود! اگر آن مرد هرگز زاده نشده بود، برایش بهتر می‌بود.

Matthew 26:24 ---

عیسی این سخنان را در شام آخر، پیش از آنکه نان پاره شود و پیش از آنکه یهودا اتاق را ترک کند، بیان کرد. این‌ها شدیدترین قضاوتی است که او تاکنون درباره یک فرد زنده صادر کرده است. نه بر فریسیان، نه بر صدوقیان، نه بر روم — بلکه بر یکی از آن دوازده نفر خودش.

مرقس نیز همین گفته را ثبت کرده است: «آری، پسر انسان می‌رود، چنانکه درباره او نوشته شده است؛ اما وای بر آن کس که پسر انسان به واسطه او تسلیم می‌شود! اگر آن مرد هرگز زاده نشده بود، برایش بهتر می‌بود» (مرقس ۱۴:۲۱). لوقا نیز تأیید می‌کند: «پسر انسان همان‌گونه که مقرر شده است می‌رود، اما وای بر آن مرد که او را تسلیم می‌کند!» (لوقا ۲۲:۲۲).

سه نکته در این اعلام برجسته است. نخست، پسر انسان «می‌رود، چنانکه درباره او نوشته شده است.» فعل یونانی *gegraptai* ماضی نقلی مجهول است: «نوشته شده است و نوشته می‌ماند» — عملی تمام‌شده که نتیجه‌اش دائمی و تغییرناپذیر است. و عبارت «پسر انسان تسلیم می‌شود» ترجمه *paradidotai*، زمان حال مجهول است؛ او درست در همین ساعت که عیسی سخن می‌گوید، در حال تسلیم شدن است. حکم ابدی و عمل کنونی بر سر آن سفره به هم می‌رسند. صلیب خدا را غافلگیر نمی‌کند. خیانت، دستگیری، محاکمه و مصلوب شدن — همگی از پیش نوشته شده بود. مراجع متقاطع از متی ۲۶:۲۴ به پیدایش ۳:۱۵ (اولین وعده نسل که سر مار را خواهد کوبید)، به مزمو ۲۲ (مزمو مصلوب شدن)، به اشعیا ۵۳ (خادم رنج‌کشیده)، به دانیال ۹:۲۶ (منقطع شدن مسیح) و به زکریا ۱۳:۷ («شبان را بزن تا گوسفندان پراکنده شوند») پیوند می‌خورند. تمام عهد عتیق به سوی این لحظه پیش می‌رفت. عیسی عامدانه و در تحقق آنچه نوشته شده بود، به سوی صلیب رفت.

دوم، «وای بر آن کس که پسر انسان به واسطه او تسلیم می‌شود.» این حقیقت که خیانت پیش‌گویی شده بود، خیانتکار را تبرئه نمی‌کند. نقشه خدا از انتخاب آزادانه یهودا استفاده کرد، اما انتخاب یهودا همچنان متعلق به خودش بود و گنااهش نیز بر گردن خودش. این شهادت همیشگی کتاب مقدس است: حاکمیت مطلق خدا و مسئولیت انسان بدون هیچ تناقضی در کنار هم قرار می‌گیرند. اعمال ۲:۲۳ هر دو بُعد را در یک آیه جای داده است: «این مرد طبق نقشه و پیش‌دانی معین خدا به شما تسلیم کرده شد و شما با دست‌های شریران بر صلیبش کشیده، کشتید.» تدبیر مقرر — خدا آن را برنامه‌ریزی کرد. دست‌های شریران — انسان‌ها آن را انجام دادند. هر دو صادق هستند و هیچ‌کدام دیگری را لغو نمی‌کند.

سوم، «اگر آن مرد هرگز زاده نشده بود، برایش بهتر می‌بود.» اجازه دهید سنگینی این جمله بر جان بنشیند. عیسی، همان که بر مزار ایلعازر گریست، که بر توده‌های مردم شفقت داشت، که برای مصلوب‌کنندگان دعا کرد – همین عیسی به مردی که روبروی او بر سر سفره نشسته بود نگریست و گفت که برای او بهتر بود هرگز وجود نمی‌داشت. نگفت اگر توبه کرده بود بهتر می‌بود. نگفت اگر انتخاب دیگری کرده بود بهتر می‌بود. بلکه گفت اگر هرگز نمی‌بود بهتر می‌بود. این سخن از سر خشم نیست. این اندوه علم مطلق است – اندوه کسی که پایان را از همان آغاز می‌بیند و می‌داند راهی که یهودا برگزیده به مقصدی منتهی می‌شود که از عدم نیز بدتر است. این سخنی درباره سرنوشت ابدی است. اگر داستان یهودا پایان خوشی داشت – اگر او توبه می‌کرد و بازگردانده می‌شد – آنگاه بهتر نبود که هرگز زاده نمی‌شد. این واقعیت که عیسی می‌گوید برای او بهتر بود هرگز وجود نمی‌داشت، بر سرنوشتی بدتر از نیستی دلالت دارد. یهودا رفت، همان‌طور که پطرس بعدها گفت، «تا به جایگاه خود برود» (اعمال ۱:۲۵). و آن جایگاه جایی است که بهتر بود هرگز از آن عزیمت نمی‌کرد.

این مرد طبق نقشه و پیش‌دانی معین خدا به شما تسلیم کرده شد و شما با دستهای شریران بر صلیبش کشیده، کشتید.

Acts 2:23 ---

مراجع متقاطع از متی ۲۶:۲۴ در سراسر عهد جدید گسترده شده‌اند. این‌ها شامل اعمال ۴:۲۸ می‌شوند، جایی که کلیسای اولیه دعا می‌کند: «تا آنچه را که دست و تدبیر تو از پیش مقرر کرده بود، به انجام رسانند.» این‌ها شامل اعمال ۲۷:۱۳-۲۹ می‌شوند، جایی که پولس می‌گوید حاکمان اورشلیم با محکوم کردن عیسی، صدای انبیا را «تحقق بخشیدند». این‌ها شامل اول پطرس ۱:۱۱ می‌شوند، جایی که می‌آموزیم روح مسیح در انبیا از پیش بر «رنج‌های مسیح و جلال پس از آن» شهادت می‌داد.

در هر نقطه‌ای، کتاب مقدس بر هر دو سوی این معادله پافشاری می‌کند. صلیب برنامه‌ریزی شده بود. خیانت از پیش دانسته شده بود. مرگ پسر خدا، عمل مرکزی فدیة الهی بود که پیش از بنای عالم مقرر گشته بود (مکاشفه ۸:۱۳). با این حال – با این حال – «وای بر آن مرد.» یهودا با اختیار عمل کرد. او نقره را برگزید. او بوسه را برگزید. او شب را برگزید. و عیسی، که او را دوست داشت و پاهایش را شست و به او نان تعارف کرد، گفت که برای او بهتر می‌بود اگر هرگز زاده نشده بود.

## فصل ۱۴

### بازگرداندن خون بها

آنگاه چون یهودا، تسلیم‌کننده او، دید که وی محکوم شده است، پشیمان گشت و آن سی پاره نقره را نزد سران کاهنان و مشایخ بازآورده، گفت: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم نمودم.» ایشان گفتند: «ما را چه؟ خود دانی!» پس او آن پاره‌های نقره را در هیکل ریخته، برفت و خود را حلق‌آویز کرد.

Matthew 27:3-5 ---

صبح روز پس از خیانت، یهودا دید که چه کرده است. عیسی در بند شده، در حضور شورای سنهدرین محاکمه و محکوم شده بود. متی به ما می‌گوید که یهودا «پشیمان گشت.» واژه یونانی آن G3338 metamelomai است – و بسیار حیاتی است که آن را از واژه یونانی دیگر برای توبه، یعنی G3340 metanoēō، متمایز کنیم. metanoēō واژه‌ای است که عیسی هنگام موعظه به کار می‌برد: «توبه کنید، زیرا پادشاهی آسمان نزدیک شده است» (متی ۴:۱۷). این واژه به معنای تغییر فکر، بازگشت و جهت‌دهی دوباره تمام زندگی به سوی خداست. اما metamelomai که درباره یهودا به کار رفته، به معنای احساس تأسف، تجربه پشیمانی و پرسیدن از غم و اندوه به خاطر کاری است که فرد انجام داده – اما بدون آن بازگشتی به سوی خدا که توبه واقعی را تشکیل می‌دهد.

یهودا پشیمان شد، اما توبه نکرد. این تمایز، همان تفاوت میان پطرس و یهودا است. پطرس نیز در همان شب به شکلی فاجعه‌بار لغزید – او سه بار عیسی را با سوگند و لعنت انکار کرد. اما پطرس گریست (متی ۲۶:۷۵)، پطرس بازگشت و پطرس بازسازی شد (یوحنا ۱۷:۲۱-۱۷). غم پطرس به metanoia منجر شد – تغییری در ذهن، تغییری در زندگی و بازگشتی به سوی خداوند. اما غم یهودا به خودویرانگری انجامید. پولس همین تمایز دقیق را در دوم قرن‌تین ۷:۱۰ توصیف می‌کند: «زیرا غمی که برای خداست، توبه‌ای به بار می‌آورد که منجر به نجات می‌شود و پشیمانی در آن نیست؛ اما غم دنیا مرگ به بار می‌آورد.» یهودا غم دنیا را تجربه کرد و این غم، مرگ به بار آورد.

یهودا نزد سران کاهنان بازگشت. او آن سی پاره نقره را بازآورد و اعتراف کرد: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم نمودم.» این بیانی شگفت‌انگیز است. حتی یهودا – آن دزد، آن خائن و ابزار شیطان – شهادت داد که عیسی بی‌گناه بود. واژه به کار رفته athōon است – میرا از گناه، بدون خطا. یهودا می‌دانست که مردی پارسا را به مرگ سپرده است.

پاسخ کاهنان به سردی هر سخن دیگری است که در کتاب مقدس ثبت شده: «ما را چه؟ خود دانی!» آن‌ها از یهودا استفاده کرده بودند. دیگر نیازی به او نداشتند. معامله تمام شده بود و ابزار توطئه آن‌ها اکنون دور انداخته می‌شد. این تصویری است از نحوه عملکرد گناه و شیطان: آن‌ها وعده می‌دهند، استفاده می‌کنند و سپس رها می‌سازند.

یهودا نقره‌ها را در معبد ریخت. واژه یونانی G4496 rhipsas است – او آن‌ها را پرتاب کرد، با خشونت پرت کرد. و واژه‌ای که متی در اینجا برای «معبد» به کار می‌برد، G2411 hieron نیست که واژه‌ای عام برای کل محوطه معبد با حیاطها و ایوان‌هایش است، بلکه naos است – یعنی خودِ قدس، بنای مقدسی که شامل قدس و قدس‌الاقداص بود. تنها کاهنان می‌توانستند وارد naos شوند. یهودا خون‌بها را نه در حیاط‌های بیرونی، بلکه به درون مقدس‌ترین مکان در اسرائیل پرتاب کرد – گویی آن را به صورت خدا بازگردانده است. و سپس رفت و خود را حلق‌آویز کرد.

اگر کسی گناهی مستوجب مرگ مرتکب شود و کشته شود و او را بر دار آویخته باشی، جسدش نباید شب را بر دار بماند، بلکه حتماً او را در همان روز دفن کن؛ زیرا آن که بر دار آویخته شود، ملعون خداست؛ تا زمینی را که خداوند، خدایت، به تو به میراث می‌دهد، ناپاک نسازی.

Deuteronomy 21:22-23 ---

او خود را حلق‌آویز کرد. عبارت در متی ۲۷:۵ apēnxato است – او خود را خفه کرد، خود را آویخت. مراجع متقاطع برای این آیه به دوم سموئیل ۱۷:۲۳ اشاره دارند، جایی که خائن دیگری به همین شیوه خود را حلق‌آویز کرد. آن مرد آهیتوفل بود – مورد اعتمادترین مشاور داوود، «کسی که با من برابر بود، راهنما و دوست صمیمی‌ام» (مزامیر ۵۵:۱۳)، که در جریان شورش ایشالوم خیانت کرد. خود این نام یک قضاوت است: واژه عبری *āhî ō pel* به معنای «برادر حماقت» است – خردمندترین مشاور در اسرائیل نامی داشت که پایان احمقانه او را پیش‌گویی می‌کرد. وقتی آهیتوفل دید که به مشورت او عمل نشد، با وضوحی کامل دریافت که ایشالوم تنها فرصت خود را از دست داده و شکست شرم‌آور اجتناب‌ناپذیر است. پس «الاغ خود را پالان کرد و برخاسته، به خانه خود به شهر خویش رفت و وصیت کرده، خود را حلق‌آویز نمود و مرد» (دوم سموئیل ۱۷:۲۳). شباهت‌ها دقیق هستند. یک رازدار مورد اعتماد. خیانت به مسیح (مسح‌شده) خداوند. حلق‌آویز شدن. و جزئیاتی که این نمونه‌پردازی را عمیق‌تر می‌کند: آهیتوفل پدر ایلیام بود (دوم سموئیل ۲۳:۳۴) و ایلیام پدر بَت‌شَبَع بود (دوم سموئیل ۱۱:۳). خیانت آهیتوفل به داوود شخصی بود – پدربزرگی که انتقام کاری را که داوود با نوه‌اش کرده بود، می‌گرفت. خیانت آهیتوفل از سر جاه‌طلبی سرد نبود؛ کینه‌ای بود که از یک جفای واقعی تغذیه می‌شد. با این حال، جفای او خیانتش را توجیه نمی‌کرد و حکمتش به طناب دار ختم شد. آهیتوفل سایه عهد عتیقی یهودای اسخریوطی است – و مزامیر داوود که علیه دوست صمیمی فریاد برمی‌آورند (مزامیر ۴۱:۹، ۱۲:۵۵-۱۴) در پی خیانت آهیتوفل نوشته شده‌اند.

کتاب Types Bible اثر ویلسون، موضوع خون را با وضوحی قاطع بررسی می‌کند. ذیل واژه «خون»، ویلسون درباره اعمال ۲۰:۲۶ می‌نویسد: «واژه در این مورد برای بیان این حقیقت به کار رفته است که پولس مسئول مرگ، یعنی مرگ ثانوی، هیچ‌یک از کسانی که در سفرها و موعظه‌هایش با آن‌ها در تماس بود، شناخته نمی‌شد. ظاهر شدن خون نشان‌دهنده مرگ است. پولس چنان مسیح و انجیل را موعظه کرد که هیچ‌کدام از شنوندگان کلام او هرگز لازم نبود در گناهان خود بمیرند.» دستان پولس از خون پاک بود زیرا او هشدار داده بود. دستان یهودا به خون آلوده بود زیرا او فروخته بود. و درباره یوحنا ۱:۱۳، ویلسون اعلام می‌کند:

«هیچکس به خاطر والدینش یا از طریق هیچ جریان خونی، فرزند خدا نمی‌شود. نجات یا مسیحیت از طریق جریان خون به فرزندان منتقل نمی‌شود... هر فرزند و هر خویشاوند باید اراده و قدرت خدا را در مورد شخصی خود تجربه کند.» خونی که زمین اکل‌دما را خیس کرد، نمی‌توانست آنچه را که تنها خون مسیح قادر به خریدنش بود، بخرد. خون یهودا، خون تقصیر بود. خون مسیح، خون فدیة. هر دو در یک آخر هفته ریخته شدند. یکی گورستانی را خرید و دیگری جهان را.

اما حلق‌آویز شدن معنایی بسیار عمیق‌تر از صرفاً شباهت با آهیتوفل دارد. طبق شریعت موسی، آویخته شدن بر درخت به معنای قرار گرفتن زیر لعنت خدا بود. «آن که بر دار آویخته شود، ملعون خداست» (تثنیه ۲۱:۲۳). این همان قانونی است که پولس در غلاطیان ۳:۱۳ نقل می‌کند: «مسیح ما را از لعنت شریعت فدیة داد، چون در راه ما به لعنت تبدیل شد؛ چنانکه مکتوب است: «ملعون است هر که بر دار آویخته شود.»»

دو مرد در همان آخر هفته فصیح حلق‌آویز شدند. عیسی «بر درخت آویخته شد» (اعمال ۵:۳۰، ۱۰:۳۹) – صلیب همان درخت بود و رسولان عامدانه از این عبارت دقیق استفاده کردند تا مصلوب شدن را به تثنیه ۲۱:۲۳ پیوند بزنند. او لعنت را برای ما بر دوش کشید. او ملعون شد تا برکت ابراهیم بر غیریهودیان نازل شود (غلاطیان ۳:۱۴). پطرس می‌نویسد: «او خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار (درخت) حمل کرد تا برای گناه بمیریم و برای پارسایی زیست کنیم؛ به سبب زخم‌های اوست که شما شفا یافته‌اید» (اول پطرس ۲:۲۴). درختی که عیسی را حمل کرد، ابزار فدیة بود.

و یهودا خود را بر درختی حلق‌آویز کرد. نه بر صلیب – بر درختی دیگر، در زمینی دیگر، به دلیلی دیگر. عیسی بر درخت خود آویخته شد تا دیگران را نجات دهد. یهودا بر درخت خود آویخته شد تا خود را نابود کند. عیسی لعنت خدا را داوطلبانه و از سر محبت بر دوش کشید تا بشریت را فدیة دهد. یهودا با دست خود و از سر ناامیدی زیر لعنت خدا رفت و هیچکس را فدیة نداد – حتی خودش را. همان قانون، همان لعنت، همان کلمه – درخت (دار) – و دو نتیجه کاملاً متضاد. یک درخت، درگاهی به فردوس بود: «امروز با من در فردوس خواهی بود» (لوقا ۲۳:۴۳). درخت دیگر، درگاهی بود به آنچه پطرس آن را «مکان خودش» نامید (اعمال ۱:۲۵).

کتاب Bible Types اثر ویلسون، نمونه‌پردازی درخت را در تمام کتاب مقدس با دقتی دنبال می‌کند که این حلق‌آویز شدن دوگانه را روشن می‌سازد. ذیل واژه «درخت»، ویلسون درباره متی ۳:۱۰ می‌نویسد: «خدا تیشه را بر ریشه اسرائیل نهاد و آن قوم را نابود کرد... این اتفاق برای افرادی نیز می‌افتد که چون زندگی‌شان کاملاً تسلیم شیطان شده و هیچ ثمره‌ای برای خدا ندارند، بریده شده و به جهنم فرستاده می‌شوند.» و درباره متی ۱۲:۳۳: «فرد باید تازه مولود شود تا به درختی نیکو تبدیل گردد که ثمره نیکو می‌آورد. هیچکس ذاتاً مسیحی نیست. خود درخت باید اصلاح شود پیش از آنکه ثمره‌اش درست باشد.» یهودا هرگز به درختی نیکو تبدیل نشد. او ثمره دزدی، فریب و خیانت آورد – و تیشه فرود آمد. درختی که او خود را بر آن آویخت، تصویر نهایی بود: مردی بی‌ثمر آویخته از درختی ملعون، که حتی در مرگش نیز هیچ ثمره‌ای نداشت.

عهد عتیق سایه دیگری نیز در خود دارد. هامان، دشمن قوم خدا در کتاب استر، بر همان داری آویخته شد که برای مردخای پارسا ساخته بود (استر ۷:۱۰). ابزار نابودی بر سر کسی فرود

آمد که آن را طراحی کرده بود. یهودا نیز چنین بود: خیانتی که او برای نابودی عیسی طرح‌ریزی کرده بود، به ابزار نابودی خودش تبدیل شد – در حالی که عیسی از مردگان برخاست.

اما سران کاهنان آن پاره‌های نقره را برداشته، گفتند: «گذاشتن این‌ها در خزانه معبد جایز نیست، زیرا خون‌بهاست.» پس مشورت کرده، با آن پول، مزرعه کوزه‌گر را برای مدفن غریبان خریدند. از این رو، آن مزرعه تا به امروز به «مزرعه خون» معروف است. آنگاه سخن ارمیای نبی به تحقق پیوست که می‌گوید: «آن سی پاره نقره را گرفتند، بهای آن کس را که قیمت گذاشته شده بود، که برخی از بنی‌اسرائیل بر او قیمت نهادند؛ و آن‌ها را برای مزرعه کوزه‌گر دادند، چنانکه خداوند به من امر فرمود.»

Matthew 27:6-10 ---

کتاب اعمال رسولان جزئیات بیشتری درباره نحوه مرگ یهودا ارائه می‌دهد. پطرس می‌گوید: «این مرد با دستمزد شرارت خود مزرعه‌ای خرید و سرنگون شده، از میان شکافت و تمامی امعاء و احشایش بیرون ریخت. این واقعه بر تمامی ساکنان اورشلیم معلوم گشت، چنانکه آن مزرعه در زبان خودشان اکل‌دما نامیده شد، یعنی «مزرعه خون» (اعمال ۱:۱۸-۱۹).

این دو روایت – متی که می‌گوید یهودا خود را حلق‌آویز کرد و اعمال که می‌گوید او سرنگون شد و بدنش شکافت – به روش‌های گوناگون هماهنگ شده‌اند. ساده‌ترین تفسیر این است که یهودا خود را حلق‌آویز کرد و مدتی بعد، جسدش سقوط کرد (یا به دلیل پاره شدن طناب یا شکستن شاخه، و یا به دلیل پایین کشیده شدن جسد) و بدن در حال متلاشی شدن در اثر برخورد متلاشی شد. این جزئیات وحشتناک بیهوده نیستند. کتاب مقدس آن‌ها را ذکر کرده چون اهمیت دارند. مزموری که پطرس درباره آن خائن نقل کرد، می‌گوید: «زیرا که به یاد نیاورد که رحمت کند، بلکه مرد فقیر و مسکین را تعاقب نمود تا شکسته‌دلان را به قتل رساند» (مزامیر ۱۰۹:۱۶). مردی که در احشاء (درون) خود رحمی نداشت، احشایش بیرون ریخت. نحوه مرگ یهودا بازتاب‌دهنده خشونت است که او رها کرده بود. خون‌بهایی که نمی‌توانست در خزانه قرار گیرد، مزرعه‌ای را خرید که به خون خود آن خائن آغشته شد.

مزرعه خون – اکل‌دما در زبان آرامی. نبوت زکریا به تحقق نهایی خود رسید: سی پاره نقره، کوزه‌گر، خانه خداوند. هر جزئیاتی با هم تطبیق دارد. هر عنصری که مکتوب شده بود، به انجام رسید. و مزرعه‌ای که غریبان بی‌نام‌ونشان در آن دفن می‌شوند، تا به امروز نامی را بر خود دارد که یادآور بهای پسر خداست.

## فصل ۱۵

### مکان مخصوص خود او

و در آن روزها پطرس در میان شاگردان ایستاد (تعدادشان حدود صد و بیست نفر بود) و گفت: «ای برادران، لازم بود آن نوشته کتاب مقدس که روح القدس از زبان داوود درباره یهودا پیشگویی کرده بود، به تحقق برسد، همان که راهنمای دستگیرکنندگان عیسی شد. زیرا او در شمار ما بود و در این خدمت سهمی داشت... زیرا در کتاب مزامیر نوشته شده است: «خانه او متروک شود و کسی در آن ساکن نگردد» و «نظارت او را دیگری بر عهده بگیرد.»

Acts 1:15-20 ---

در فاصله میان صعود عیسی و روز پنطیکاست، آن صد و بیست نفر که در بالاخانه گرد هم آمده بودند با یک پرسش عملی و الهیاتی روبرو شدند: با صندلی خالی یهودا چه باید کرد. پطرس برای پرداختن به این موضوع ایستاد و سخنرانی او در اعمال ۱:۱۵-۲۶ نخستین تفسیر الهیاتی از واقعه یهودا در عهد جدید است.

پطرس با استناد به کلام خدا آغاز می‌کند. «لازم بود آن نوشته کتاب مقدس که روح القدس از زبان داوود درباره یهودا پیشگویی کرده بود، به تحقق برسد.» واژه «لازم بود» در یونانی *edei* است – این امری ضروری و از جانب خدا مقدر شده بود. آنچه برای یهودا اتفاق افتاد، یک حادثه ناگوار نبود. بلکه تحقق چیزی بود که روح القدس از طریق داوود در مزامیر گفته بود.

پطرس سپس به دو مزمور اشاره می‌کند. نخستین مزمور ۶۹:۲۵ است: «خانه او متروک شود و کسی در آن ساکن نگردد.» ارجاعات متقاطع این آیه به اشعیا ۶:۱۱ و متی ۲۳:۳۸ پیوند می‌خورد، جایی که ویرانی و متروک شدن، پیامد رد کردن خداست. جایگاه یهودا در میان دوازده شاگرد به ویرانه‌ای بدل شد – یک جای خالی، خلئی که بر دآوری خدا بر آن خیانتکار شهادت می‌داد.

نقل قول دوم از مزمور ۱۰۹:۸ است: «نظارت او را دیگری بر عهده بگیرد.» واژه «نظارت» (G1984 *episkopēn*) به معنای منصب، موقعیت سرپرستی یا مسئولیت است. یهودا جایگاه خاصی در جمع رسولان داشت. آن جایگاه با رفتن او از بین نرفت. لازم بود که پر شود.

سپس پطرس آنچه را که یهودا انجام داد و آنچه بر سرش آمد شرح می‌دهد: «زیرا او در شمار ما بود و در این خدمت سهمی داشت. (این مرد با دستمزد شرارت خود مزرعه‌ای خرید و به رو درافتاده، از میان شکافت و تمام امعاء و احشای او بیرون ریخت)» (اعمال ۱:۱۷-۱۸). و سپس نتیجه‌گیری تکان‌دهنده: یهودا از خدمت و رسالت خود سقوط کرد «تا به جای خود برود» (اعمال ۱:۲۵).

فعل یونانی که «سقوط کرد» ترجمه شده، *parabainō* (*parebē*) است و به معنای لغزیدن یا افتادن تصادفی نیست. بلکه به معنای کنار رفتن، عمداً از مسیر منحرف

شدن و رها کردن پست خود است. این واژه از G3844 para (در کنار) و G305 bainō (راه رفتن) ساخته شده است Abbott-Smith. اشاره می‌کند که در آثار هومر، نخستین معنای این واژه صرفاً «ایستادن در کنار» بود – پیش از آنکه به معنای «تجاوز کردن، نقض کردن، تخطی کردن» درآید. مسیر این واژه، همان مسیر زندگی یهودا است: خطاکار ابتدا با ایستادن در کنار شروع می‌کند و سپس از آن عبور کرده، می‌گذرد. یهودا به طور اتفاقی از رسالت بیرون نیفتاد. او سه سال در کنار عیسی ایستاد و سپس از آن راه خارج شد.

«مکان مخصوص خود او.» این عبارت سرشار از معناست. در یونانی ton topon ton idion است – که با حرف تعریف مضاعف بر «آن مکان، آن که مخصوص خود اوست» تأکید می‌کند. واژه G2398 idion به معنای چیزی خصوصی، شخصی و منحصرأ متعلق به خود فرد است. هر کاربرد دیگری از عبارات مشابه در عهد جدید به شخصی اشاره دارد که به مکانی می‌رود که متناسب با ماهیت واقعی اوست. پارسایان می‌روند تا با خداوند باشند. شریران به سوی داوری می‌روند. یهودا به «مکان مخصوص خود» رفت – مکانی که متعلق به پسر هلاکت بود، مقصدی که تمام زندگی‌اش به سوی آن در حرکت بود.

«پس لازم است از میان مردانی که در تمام مدتی که خداوند عیسی با ما رفت و آمد داشت، همراه ما بودند، یعنی از زمان غسل‌تعمید یحیی تا روزی که عیسی از میان ما بالا برده شد، یکی از آن‌ها با ما شاهد رستاخیز او باشد.» پس دو نفر را معرفی کردند: یوسف ملقب به بَرَسابا (که یوستوس نیز نامیده می‌شد) و مَتیاس. سپس دعا کرده، گفتند: «خداوندا، تو که از دل‌های همه آگاهی، نشان ده که کدامیک از این دو را برگزیده‌ای تا سهمی در این خدمت و رسالت داشته باشد که یهودا آن را رها کرد تا به جای خود برود.» سپس قرعه انداختند و قرعه به نام مَتیاس در آمد؛ پس او در شمار یازده رسول قرار گرفت.

Acts 1:21-26 ---

انتخاب متیاس از فرآیند خاصی پیروی می‌کند. معیارها روشن هستند: جانشین باید کسی باشد که از غسل‌تعمید یحیی تا صعود، همراه شاگردان بوده باشد – شاهی بر تمام خدمت مسیح، از جمله رستاخیز او. دو نامزد شناسایی می‌شوند: یوسف بَرَسابا و مَتیاس. کلیسا دعا می‌کند و معترف می‌شود که خداوند «از دل‌های همه آگاهی» – همان علم مطلق که از همان ابتدا درون یهودا را می‌دید. آن‌ها قرعه می‌اندازند و قرعه به نام متیاس می‌افتد.

متیاس در شمار آن یازده نفر قرار می‌گیرد. جمع دوازده نفر بازسازی می‌شود. شکافی که توسط آن خیانتکار ایجاد شده بود، پر می‌گردد. و مأموریت ادامه می‌یابد. در روز پنطیکاست، ده روز بعد، روح‌القدس بر آن دوازده نفر و بر آن صد و بیست نفر نازل می‌شود و کلیسا متولد می‌گردد. خیانت یهودا نقشه خدا را مختل نکرد. بلکه در آن گنجانده شد. صندلی دوازدهم پر شد. شهادت بازسازی گشت. و مردی که آن صندلی را اشغال کرده بود به مکان مخصوص خود رفت و تنها به عنوان یک هشدار در یادها ماند.

## فصل ۱۶

### علم پیشین و مسئولیت

این مرد را که بنا بر مقصود معین و پیش‌دانی خدا تسلیم شده بود، شما به دست بدکاران بر صلیب کشیده، کشتید.

Acts 2:23 ---

دشوارترین سؤال که روایت یهودا برمی‌انگیزد این است: اگر خدا خیانت را از پیش می‌دانست و پیشگویی کرده بود، آیا یهودا واقعاً آزاد بود؟ آیا او مسئول اتفاقی بود که هزار سال پیش از تولدش در مزامیر نوشته شده بود؟

کتاب مقدس این پرسش را نه با حل کردن این تنش، بلکه با حفظ هم‌زمان هر دو حقیقت پاسخ می‌دهد. خدا از پیش می‌دانست. یهودا انتخاب کرد. پیشگویی محقق شد. گناه واقعی بود. این‌ها با هم در تضاد نیستند؛ بلکه دو ریلی هستند که کل روایت کتاب مقدس بر آن‌ها حرکت می‌کند.

موعظه پطرس در پنطیکاست که در اعمال رسولان فصل ۲ ثبت شده، هر دو حقیقت را در یک کلام بیان می‌کند. عیسی «بنا بر مقصود معین و پیش‌دانی خدا» تسلیم شد – این جنبه الهی ماجراست. و «شما به دست بدکاران [او را] بر صلیب کشیده، کشتید» – این جنبه انسانی ماجراست. دستور زبان یونانی قدرت این کلام را آشکار می‌سازد. واژه‌ای که «معین» ترجمه شده، G3724 hōrismenē است – از ریشه horizō، به معنای تعیین کردن مرزها. «ابوت-اسمیت» ریشه آن را در horos به معنای مرز می‌جوید. واژه انگلیسی horizon (افق) از همین ریشه می‌آید – مرز مرئی جهان. مشیت خدا دارای یک افق است: او حتی در اطراف خیانت نیز مرزهایی را تعیین کرده است. هیچ‌یک از کارهای یهودا خارج از خطی که خدا ترسیم کرده بود، قرار نگرفت. وجه این کلمه «اسم مفعول کامل» است: این مشیت از پیش مقرر، از پیش تثبیت شده و از پیش کامل بود، قبل از آنکه وقایع رخ دهند. این یک واکنش به انتخاب یهودا نبود، بلکه بر آن مقدم بود. و واژه G1560 ekdoton که «تسلیم شده» ترجمه شده، در کل عهد جدید تنها در اینجا به کار رفته است – یک hapax legomenon این یک فعل نیست بلکه یک صفت است: عیسی صرفاً در یک رویداد گذشته تسلیم نشده بود؛ او یک شخص تسلیم شده بود. این هویت او، هدف او و دلیل آمدن او بود. با این حال – «به دست بدکاران» – گناه واقعی بود، انتخاب آزادانه بود و گناه به پای آن‌ها نوشته شد. پطرس توضیح نمی‌دهد که چگونه هر دو می‌توانند درست باشند؛ او صرفاً هر دو را به عنوان حقیقت بیان می‌کند.

اعمال رسولان ۲۸-۴:۲۷ همین الگو را تکرار می‌کند. کلیسای اولیه دعا می‌کند: «زیرا که در واقع، بر ضد خدمتگزار مقدس تو عیسی که او را مسح کردی، هیروودیس و پنطیوس پیلاتس با غیریهودیان و قوم اسرائیل در این شهر با هم متحد شدند، تا آنچه را که دست و مشیت تو از پیش مقدر کرده بود که واقع شود، به انجام رسانند.» هیروودیس، پیلاتس، سربازان

غیریهودی و قوم اسرائیل – همگی طبق اراده خود، کینه‌های خود و محاسبات سیاسی خود عمل کردند. و با این حال، آنچه انجام دادند همان بود که دست و مشیت خدا از پیش تعیین کرده بود. عوامل انسانی عروسک خیمه‌شب‌بازی نبودند. آن‌ها موجودات اخلاقی و مسئولی بودند که انتخاب‌های واقعی کردند. و آن انتخاب‌های واقعی در خدمت هدفی قرار گرفت که آن‌ها قصدش را نداشتند و حتی نمی‌توانستند تصورش را بکنند.

یهودا دقیقاً در این الگو جای می‌گیرد. عیسی او را برگزید در حالی که می‌دانست او خیانت خواهد کرد (یوحنا ۶:۶۴). مزامیر خیانت او را پیشگویی کرده بود (مزمو ۴۱:۹، ۱۰۹:۸). عیسی اعلام کرد که کلام خدا «باید به کمال برسد» (یوحنا ۱۳:۱۸، اعمال رسولان ۱:۱۶). و با این حال، عیسی همچنان فرمود: «وای بر آن مرد» (متی ۲۴:۲۶) – حکمی بر گناهکار بودن که اگر یهودا انتخابی نداشت، بی‌معنا می‌بود.

کلید حل معما در درک معنای «علم پیشین» نهفته است. علم پیشین خدا مانند پیش‌بینی انسان نیست. آینده را مجبور نمی‌کند؛ بلکه صرفاً آینده را می‌داند. خدا این‌گونه نیست که به آینده نگاه کند و ببیند چه اتفاقی خواهد افتاد و سپس ناتوان به تماشای وقوع آن بنشیند. او می‌داند که عوامل آزاد چه چیزی را آزادانه انتخاب خواهند کرد و او آن انتخاب‌های آزادانه را در نقشه حاکمانه خود می‌گنجاند. یهودا مجبور به خیانت نشد. او توسط پیشگویی وادار به این کار نشد. پیشگویی آنچه را که یهودا آزادانه انجام می‌داد، توصیف کرد؛ نه اینکه باعث انجام آن شود.

درباره همه شما نمی‌گویم؛ من کسانی را که برگزیده‌ام می‌شناسم. اما این باید واقع شود تا آن نوشته کتاب مقدس به تحقق پیوندد که می‌گوید: «آن که نان مرا می‌خورد، پاشنه خود را بر ضد من بلند کرده است.» از هم‌اکنون، پیش از آنکه این واقع شود، به شما می‌گویم تا چون واقع گشت، ایمان آورید که من هستم.

John 13:18-19 ---

عیسی در اینجا سخن شگفت‌انگیزی می‌گوید. او از پیش درباره خیانت به شاگردان می‌گوید تا «چون واقع گشت، ایمان آورید که من هستم.» خود خیانت به گواهی بر الوهیت او تبدیل می‌شود. او قربانی شرایط نیست. او غافلگیر نشده است. او پیش‌گویی می‌کند، اجازه می‌دهد و استفاده می‌کند. همان عمل خیانتی که به نظر می‌رسید عیسی را نابود می‌کند، دلیلی شد بر اینکه او دقیقاً همان کسی است که ادعا می‌کرد – کسی که همه چیز را می‌داند، بر همه چیز تسلط دارد و مشتاقانه جان خود را فدا می‌کند.

مسئولیت یهودا در زبانی که کتاب مقدس برای توصیف اعمال او به کار می‌برد، مورد تأکید قرار گرفته است. او «در جستجوی فرصتی بود» تا خیانت کند (متی ۲۶:۱۶). او «رفت» تا با سران کاهنان گفتگو کند (لوقا ۲۲:۴). او «وعده داد» و «در جستجوی فرصتی بود» (لوقا ۲۲:۶). او به آن‌ها «علامتی داد» (متی ۲۶:۴۸). تمام افعال در حالت معلوم هستند. یهودا فاعل جملات خویش است. او به عنوان ابزاری منفعل که توسط نیرویی بیرونی به حرکت درآمده، توصیف نشده است. حتی زمانی که شیطان در او داخل می‌شود (لوقا ۲۲:۳، یوحنا ۱۳:۲۷)، این تسخیر شیطانی به عنوان نقطه اوج فرآیندی ارائه می‌شود که خود یهودا از طریق طمع و بی‌ایمانی‌اش به راه انداخته بود.

علم پیشین خدا و مسئولیت یهودا توضیحات متضاد نیستند؛ بلکه حقایق مکمل یکدیگرند. کلام خدا محقق شد – و یهودا مقصر است. نقشه خدا به انجام رسید – و خیانتکار به جایگاه خود رفت. هر دو درست هستند. هر دو توسط همان کتاب مقدس، در همان فقرات و توسط همان خداوندی اعلام شده‌اند که آن دوازده تن را برگزید و پاهای خیانتکار را شست.

## فصل ۱۷

### هشدار

آنها از میان ما بیرون رفتند، اما از ما نبودند؛ زیرا اگر از ما می‌بودند، با ما می‌ماندند؛ اما رفتن آنها برای این بود که آشکار شود هیچ‌یک از ایشان از ما نیستند.

1 John 2:19 ---

یهودای اسخریوطی در تحلیل نهایی، یک هشدار است. او هشدار برای هر نسل از کلیساست که نزدیکی به مسیح، تضمین‌کننده تملک مسیح نیست. او با عیسی راه رفت. تمامی موعظه‌ها را شنید. شاهد تمامی معجزات بود. به او قدرت داده شد تا دیوها را بیرون کند و بیماران را شفا دهد. و با این حال، او هلاک شد.

یوحنا رسول، که در همان شبی که یهودا به عیسی خیانت کرد، در شام آخر در کنار او تکیه زده بود، بعدها نوشت: «آنها از میان ما بیرون رفتند، اما از ما نبودند.» این زبان جای تردید باقی نمی‌گذارد. کسانی هستند که به نظر می‌رسد بخشی از جامعه ایمانداران هستند – کسانی که در پرستش، مشارکت و مأموریت آن سهیم‌اند – اما هرگز به معنای واقعی تبدیل نیافته‌اند. جدایی آنها به این معنا نیست که نجات خود را از دست داده‌اند، بلکه به این معناست که هرگز آن را نداشته‌اند. آنها بیرون رفتند «تا آشکار شود» – رفتن آنها چیزی را برملا کرد که همیشه در مورد آنها صادق بود.

یهودا نمونه بارز این موضوع است. او «از شمار آن دوازده تن» بود (لوقا ۲۲:۳). او «با ما شمرده شد و در این خدمت نصیبی یافت» (اعمال ۱:۱۷). او درون آن حلقه بود. اما عیسی درباره او گفت: «آیا من شما دوازده تن را برنگزیدم؟ با این حال، یکی از شما ابلیس است!» (یوحنا ۶:۷۰). یهودا از همان ابتدا آن چیزی نبود که به نظر می‌رسید. حضور او در میان آن دوازده تن واقعی بود، اما ایمانش نه.

زیرا محال است کسانی که یک بار روشن‌گشتند و هدیه سماوی را چشیدند و شریک روح‌القدس گردیدند، و کلام نیکوی خدا و قوای عالم آینده را چشیدند، و باز مرتد شدند، ایشان را دوباره برای توبه نو ساخت؛ چون که پسر خدا را باز برای خود مصلوب می‌کنند و او را در معرض رسوایی می‌گذارند.

Hebrews 6:4-6 ---

نویسنده عبرانیان وضعیتی را توصیف می‌کند که با دقت خیره‌کننده‌ای شبیه به تجربه یهوداست. «روشن‌گشتند» – یهودا تعلیم «نور جهان» را شنید. «هدیه سماوی را چشیدند» – یهودا با عیسی غذا خورد، نان او را شریک شد و لقمه را از دست او گرفت. «شریک روح‌القدس گردیدند» – یهودا همراه با آن دوازده تن برای موعظه و شفا فرستاده شد و به واسطه قدرت روح برای خدمت توانمند گشت. «کلام نیکوی خدا و قوای عالم آینده را چشیدند» – یهودا

برخاستن مردگان، شفای نابینایان و اخراج دیوها را دید. او تمام این‌ها را چشید. و با این حال مرتد شد، و متن می‌گوید که نو ساختن دوباره چنین شخصی برای توبه، محال است.

اینکه آیا عبرانیان فصل ۶ توصیف‌گر ایمانداران واقعی است که مرتد می‌شوند، یا مدعیان دروغینی که از مزایای بیرونی ایمان بدون تحول درونی بهره‌مند شده‌اند، مورد بحث مفسران است. اما یهودا، صرف‌نظر از اینکه چه تفسیری برگزیده شود، این هشدار را به تصویر می‌کشد. او از هر مزیتی برخوردار بود. او به همان اندازه‌ای به عیسی نزدیک بود که یک انسان می‌تواند باشد. و سرانجامش به نابودی ختم شد.

این هشدار فراتر از یهودا، شامل هر کسی می‌شود که پای موعظه کلام می‌نشیند، در زندگی کلیسا مشارکت می‌کند و از مزایای جامعه مسیحی بهره می‌برد – بدون اینکه هرگز در ایمانی واقعی تسلیم مسیح شده باشد. خود عیسی هشدار داد: «نه هر که مرا «خداوند، خداوند» گوید به پادشاهی آسمان درآید، بلکه آن که اراده پدر مرا که در آسمان است به جا آورد. در آن روز بسیاری مرا خواهند گفت: «خداوند، خداوند، آیا به نام تو نبوت نکردیم و به نام تو دیوها را بیرون نکردیم و به نام تو معجزات بسیار نمودیم؟» آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت: «هرگز شما را نشناختم؛ ای بدکاران، از من دور شوید!» (متی ۲۱:۷-۲۳).

عبارت هولناک این است: «هرگز شما را نشناختم.» نه اینکه «روزی شما را می‌شناختم و شما مرتد شدید.» نه اینکه «قبلاً شما را می‌شناختم اما جایگاه خود را از دست دادید.» بلکه هرگز. افرادی خواهند بود که نبوت کردند، دیوها را بیرون راندند و معجزات بسیاری انجام دادند – و عیسی خواهد گفت که هرگز آنها را نشناخته است. فعالیت بیرونی واقعی بود، اما رابطه روحانی نه.

زیرا اگر بعد از آنکه به وسیله معرفت خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح از آلودگی‌های دنیا رستند، باز گرفتار آنها شده، مغلوب گردند، سرانجام ایشان بدتر از آغازشان خواهد بود. زیرا آنان را بهتر می‌بود که راه عدالت را ندانند، تا اینکه بعد از دانستن آن، از حکم مقدسی که به ایشان سپرده شده بود، روی برتابند. اما آنچه در مَثَل صادق آمده است، بر ایشان واقع گشت که: «سگ به قی خود رجوع می‌کند» و «خوک شسته شده به غلتیدن در گل».

--- 2 پطرس 22-20:2

پطرس – که یهودا را شخصاً می‌شناخت، بر سر همان سفره نشسته بود، همان خبر خیانت را شنیده بود و خود نیز در همان شب به نوعی لغزیده بود – می‌نویسد که برای کسانی که پس از شناختن راه عدالت باز می‌گردند، «سرانجام ایشان بدتر از آغازشان خواهد بود.» و سپس آن استعاره زنده: سگی که به قی خود باز می‌گردد و خوکی شسته شده که به لجنزار برمی‌گردد. ماهیت آن حیوان هرگز تغییر نکرده بود. شستشو بیرونی بود. خوک همچنان خوک بود.

کتاب Wilson's Bible Types قدرت این تصویر را تأیید می‌کند. ویلسون ذیل واژه «سگ» درباره ۲ پطرس ۲:۲۲ می‌نویسد: «این به رهبر مذهبی اشاره دارد که چیزی از خدا دریافت نمی‌کند، بلکه آنچه را که در ذهن خود بافته و سر هم کرده است، ارائه می‌دهد. او خود از این خوراک تغذیه می‌کند و آن را به دیگران نیز عرضه می‌دارد.» و درباره فیلیپیان ۳:۲

می‌نویسد: «این اشاره‌ای است به رهبران مذهبی نجات‌نیافته که تنها هدفشان سیر کردن خودشان است.» سگ تنها ناپاک نیست – او خودخوار است. او محصول خودش را مصرف می‌کند. شاید مذهبی که در میان مقدسین می‌ایستد اما فقط خودش را سیر می‌کند، همان سگ کتاب مقدس است. و یهودا در حالی که تظاهر به رسیدگی به فقر می‌کرد، از کیف پول مشترک می‌خورد (یوحنا ۶:۱۲). او آنچه را که متعلق به دیگران بود مصرف می‌کرد و چیزی باز نمی‌گرداند. سگ به قی خود بازگشت. دزد به دزدی‌اش بازگشت. و مردی که بر سفره خداوند نشسته بود، بیرون رفت تا کسی را که به او غذا داده بود، بفروشد.

یهودا به صورت بیرونی شسته شده بود. او بخشی از جامعه بود. کیف پول را حمل می‌کرد. درباره پادشاهی موعظه می‌کرد. اما ماهیت او هرگز تغییر نکرده بود. او همچنان یک دزد بود (یوحنا ۶:۱۲). او همچنان یک ابلیس بود (یوحنا ۶:۷۰). او همچنان پسر هلاکت بود (یوحنا ۱۷:۱۲). و هنگامی که لحظه آزمایش فرارسید، ماهیت واقعی او آشکار گشت.

هشدار داستان یهودا این نیست که یک ایماندار واقعی ممکن است هلاک شود؛ بلکه این است که یک مدعی دروغین می‌تواند پنهان بماند – برای سال‌ها، در میان نزدیک‌ترین یاران مسیح، و در نام او خدمت کند – و با این حال در درون خود تولد تازه نیافته باشد. هشدار این است: خود را امتحان کنید که آیا در ایمان هستید یا نه (۲ قرنتیان ۵:۱۳). هشدار این است: برای استوار ساختن دعوت و برگزیدگی خود بکوشید (۲ پطرس ۱:۱۰). هشدار این است: دل از همه چیز فریبنده‌تر است و بسیار بیمار، کیست که آن را بداند؟ (ارمیا ۹:۱۷). خدا می‌داند. و خدا می‌دانست. و آنچه خدا از ابتدا درباره یهودا می‌دانست، در پایان برای تمام جهان آشکار شد.

اما چون به خود آمد، گفت: «چقدر از مزدوران پدرم نان فراوان دارند و من در اینجا از گرسنگی هلاک می‌شوم! برخوادم خاست و نزد پدر خود خواهم رفت و به او خواهم گفت: پدر، به آسمان و در حضور تو گناه کرده‌ام.»

Luke 15:17-18 ---

مَثَلی وجود دارد که با نشان دادن آنچه می‌توانست باشد، بر داستان یهودا روشنی می‌بخشد. پسر گمشده (لوقا ۱۵:۱۱-۲۴) سهم خود را – میراثش را، سهمی از آنچه متعلق به پدر بود – گرفت و به کشوری دور رفت و در آنجا همه چیز را تلف کرد. یهودا سهم خود را – سی پاره نقره، و در نهایت زمینی به نام «حق‌الدم» یا زمین خون (اعمال ۱:۱۹) – گرفت و به دل شب رفت (یوحنا ۱۳:۳۰)، جایی که عالی‌ترین دعوتی را که یک انسان می‌تواند دریافت کند، تلف کرد.

هر دو همان کلمات را بر زبان آوردند. پسر گمشده گفت: «به آسمان و در حضور تو گناه کرده‌ام» (لوقا ۱۵:۱۸). یهودا گفت: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم کردم» (متی ۴:۲۷). هر دو به گناه خود اعتراف کردند. هر دو حقیقت را گفتند. اما پسر گمشده برخاست و نزد پدر خود رفت. او بازگشت. او به خانه آمد. و پدر به سوی او دوید و او را بوسید – نه بوسه خیانت، بلکه بوسه بازگشت. یهودا به سوی پدر بازگشت. او بر علیه خودش رفت و خود را حلق‌آویز کرد. دو اعتراف. دو فرجام. تفاوت در جهت قدم بعدی بود.

پسر گمشده زمانی به خود آمد که به یاد آورد مزدوران پدرش «نان فراوان» دارند (لوقا ۱۵:۱۷). باز هم نان – رشته‌ای که از بیت لحم (خانه نان) از میان شام آخر تا این مثل کشیده شده است. پسر گمشده نان را به یاد آورد. یهودا نان را خورد و پاشنه خود را بر علیه کسی که آن را به او داده بود، بلند کرد.

نویسنده عبرانیان خطی میان پسران و کسانی که پسر نیستند رسم می‌کند: «زیرا خداوند هر که را دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند، و هر پسری را که می‌پذیرد، شلاق می‌زند. اگر تأدیب را تحمل می‌کنید، خدا با شما چون پسران رفتار می‌کند؛ زیرا کدام پسر است که پدرش او را تأدیب نکند؟ اما اگر از تأدیبی که همه در آن شریک‌اند بی‌بهره‌اید، پس حرام‌زاده‌اید و نه پسر» (عبرانیان ۱۲:۶-۸). خدا فرزندان خود را تنبیه می‌کند. او آنها را پاک می‌سازد. او آنها را اصلاح می‌کند. پطرس با بانگ خروس توبیخ، تأدیب و شکسته شد – و بازسازی گشت. این تأدیب پدری بود که او را دوست داشت. یهودا چنین تأدیبی دریافت نکرد. هیچ اصلاحی، هیچ توبیخی که به بازسازی منجر شود، هیچ عصای پدر دلسوزی در کار نبود. او، به زبان صریح عبرانیان، خارج از خانواده بود.

و در نامه به لائودیکیه، مسیح قیام کرده راه چاره‌ای را ارائه می‌دهد که یهودا از آن سرباز زد: «تو را اندرز می‌دهم که طلای تصفیه شده در آتش از من بخری تا ثروتمند شوی، و جامه‌های سفید تا بپوشی و ننگ برهنگی‌ات آشکار نشود، و سرمه‌ای تا به چشمانت بکشی تا بینا شوی» (مکاشفه ۳:۱۸). طلا را از من بخر – نه نقره را از سران کهنه. طلای تصفیه شده در آتش – ایمانی که آزموده شده و اصلتش ثابت گشته است، «که از طلای فانی که با آتش آزموده می‌شود، بس گرانبه‌تر است» (۱ پطرس ۱:۷). یهودا نقره‌ای را برگزید که فانی بود. مسیح طلایی را عرضه می‌کند که ماندگار است. یهودا ارز این جهان را برگزید. مسیح ارز پادشاهی را عرضه می‌کند. و درست در آیه بعد: «من هر که را دوست می‌دارم، توبیخ و تأدیب می‌کنم؛ پس غیرت داشته باش و توبه کن» (مکاشفه ۳:۱۹). دعوت همچنان پابرجاست. در باز است. توبه کن – G3340 metanoēō، نه G3338 metamelomai. بازگرد، نه اینکه صرفاً پشیمان باشی. مانند پسر گمشده به خانه بازگرد. پدر هنوز در حال دویدن است.

## 84

بره‌ای که از بنیاد عالم ذبح شده است.

Revelation 13:8 ---

وقتی به عقب برمی‌گردیم و تصویر کامل را می‌بینیم – هر آیه، هر نام، هر مکان، هر ارجاع – یهودای اسخریوطی به عنوان تاریک‌ترین آینه در تمام کتاب مقدس ظاهر می‌شود. او داستان صلیب است که از سمت اشتباه روایت شده است.

کتاب Wilson's Bible Types مفهوم «بره» را با وزنی که این نماد می‌طلبد، شرح می‌دهد. ویلسون ذیل واژه «بره» درباره یوحنا ۱:۲۹ می‌نویسد: «خداوند عیسی بارها به یک بره تشبیه شده است، و این به دلایل بسیار است. بره برای غذا استفاده می‌شد، و نجات‌دهنده به ما فرمود که از او بخوریم. از پشم بره برای تهیه جامه‌های گرم استفاده می‌شود، و به همین ترتیب ما با مسیح پوشانیده شده‌ایم... بره قربانی پذیرفته شده‌ای برای خدا بود، و بدین‌سان نجات‌دهنده خود را به عنوان قربانی ما به خدا تقدیم کرد... بره در برابر چیده شدن پشم یا

کشته شدن اعتراض نمی‌کند، و به همین ترتیب او مانند بره‌ای به ذبحگاه برده شد، و چون گوسفندی که نزد پشم‌برنده‌اش خاموش است، او نیز دهان خود را ننگشود.» و درباره مکاشفه ۵:۶ می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که مسیح همواره نشانه‌های مصلوب شدن را با خود دارد... خدا هرگز نخواهد گذاشت فراموش کنیم که خداوند عیسی قربانی گناهان ما گشت.» بره از بنیاد عالم ذبح شده بود. و دستی که او را تسلیم کرد، از بنیاد عالم شناخته شده بود. یهودا بره را فروخت. بره مقاومتی نکرد. او در برابر متهم‌کننده‌اش خاموش بود، در برابر آن بوسه خاموش بود، در برابر سربازان خاموش بود. کسی که دهان خود را ننگشود، توسط کسی تسلیم شد که دهان خود را گشود تا بگوید: «درود بر تو ای استاد» (متی ۲۶:۴۹). بره نشانه‌ها را بر تن داشت. خیانت‌کار ننگ را با خود برد.

کتاب *Speech of Figures Bullinger's* آنچه را که در ادامه می‌آید، چنین نام‌گذاری می‌کند: **Antithesis** (تقابل) – «قرار دادن یک عبارت در تضاد با عبارت دیگر، به منظور برجسته‌تر کردن تضاد و در نتیجه تأکید بر آن.» تمام روایت یهودا بر پایه تقابل بنا شده است. هر جزئیاتی از داستان یهودا، آینه‌ای در داستان مسیح دارد – و این تضادها اتفاقی نیستند. آنها ساختار خود متن هستند.

هر دوی آنها، هم او و هم عیسی، از قبیله یهودا بودند – قبیله‌ای که نامش به معنای «ستایش» است. عیسی شیر قبیله یهوداست (مکاشفه ۵:۵)، کسی که تمام ستایش‌ها برازنده اوست. یهودا نیز همان نام قبیله را بر دوش می‌کشید – و به بزرگ‌ترین مایه ننگ آن تبدیل شد. ریشه این نام، *H3034 yādâ*، هم به معنای «ستایش کردن» و هم به معنای «پرتاب کردن» است. او برای ستایش ساخته شده بود. اما او پرتاب کردن را برگزید – و آنچه او پرتاب کرد، بهای خون بی‌گناه بود.

هر دو با نان در پیوند بودند. عیسی نان حیات است (یوحنا ۶:۳۵)، زاده شده در بیت لحم – خانه نان H1035. یهودا کسی است که آن نان را خورد و پاشنه خود را بر علیه کسی که آن را به او داده بود بلند کرد (مزمور ۴۱:۹، یوحنا ۱۳:۱۸). نان شراکت و نان خیانت در یک شب شکسته شدند.

هر دو در همان آخر هفته فصیح بر یک دار آویخته شدند. عیسی بر دار صلیب آویخته شد (اعمال ۵:۳۰، ۱۰:۳۹، ۱ پطرس ۲:۲۴) و لعنت تثنیه ۲۱:۲۳ را برای ما بر دوش گرفت تا ما بازخرید شویم (غلاطیان ۳:۱۳). یهودا خود را بر دار دیگری آویخت (متی ۲۷:۵) و تحت همان لعنت، بدون بازخرید، افتاد. یک دار راه بهشت را گشود – «امروز با من در فردوس خواهی بود» (لوقا ۲۳:۴۳). دار دیگر راه هلاکت را گشود.

هر دو با خون در پیوند بودند. خون عیسی «برای آمرزش گناهان» ریخته شد (متی ۲۶:۲۸). خون یهودا زمینی را که برای همیشه نام او را بر خود داشت، سیراب کرد – آکل دما، یعنی زمین خون (اعمال ۱:۱۹). یک خون نجات می‌دهد، دیگری محکوم می‌کند.

هر دو با سی پاره نقره در پیوند بودند. زکریای نبی این قیمت را پیشگویی کرده بود (زکریا ۱۱:۱۲-۱۳). سران کهنه آن را پرداختند. یهودا آن را بازگرداند. کاهنان با آن زمینی خریدند. و آن زمین به گورستانی برای غریبه‌ها تبدیل شد – برای بی‌نام‌ونشان‌ها، فراموش‌شدگان و مردگان بی‌صاحب. این همان میراثی است که یهودا برگزید: نه میراث مقدسین در نور (کولسیان ۱:۱۲)، بلکه سهمی از خون در زمین مرگ.

و هر دو به «مکان خود» رفتند. عیسی به دست راست پدر صعود کرد (مرقس ۱۶:۱۹، اعمال ۱:۹). یهودا به هلاکت فرو افتاد (اعمال ۱:۲۵). پسر خدا به جلال بازگشت. پسر هلاکت به نابودی بازگشت. همان کلمات – «مکان خود» – مقصدهایی را توصیف می‌کنند که بی‌نهایت از هم دورند.

در تمام کتاب مقدس تنها دو نفر «پسر هلاکت» نامیده شده‌اند: یهودای اسخریوطی (یوحنا ۱۷:۱۲) و مردِ شیر در آخرالزمان (۲ تسالونیکیان ۲:۳). یهودا کهن‌الگوی ضد مسیح است – کسی که در جایگاه قدرت می‌نشیند، کسی که به نظر می‌رسد به خدا خدمت می‌کند، اما از درون با او مخالفت می‌ورزد.

و با این حال – و این تکان‌دهنده‌ترین حقیقتِ کل ماجراست – حتی بدترین عمل در تاریخ بشر، در خدمت نقشه خدا قرار گرفت. بدون خیانت، دستگیری در کار نبود. بدون دستگیری، محاکمه‌ای نبود. بدون محاکمه، صلیبی نبود. بدون صلیب، بازخرید و نجاتی نبود. یهودا با اراده آزاد خود، شیرانه‌ترین عملی را که یک انسان تاکنون مرتکب شده، برگزید. و خدایی که پایان را از ابتدا می‌بیند، آن انتخابِ آزادانه را در نقشه نجاتی که پیش از بنیاد عالم نوشته شده بود، بافت. «این مرد را که طبق اراده و پیش‌دانی مقرر خدا تسلیم شده بود، شما به دست شیران بر صلیب کشیده، کشتید» (اعمال ۲:۲۳). اراده مقرر. دست‌های شیر. هر دو حقیقت دارند. بره از بنیاد عالم ذبح شده بود (مکاشفه ۱۳:۸). و دستی که او را تسلیم کرد، از بنیاد عالم شناخته شده بود.

مردی که نامش «ستایش»، «پسر شنیدن» و «مرد شهر» بود – او ساخته شده بود تا خدا را ستایش کند، صدای مسیح را بشنود و به قوم خدا تعلق داشته باشد. او نقره را برگزید. او شب را برگزید. او دار را برگزید. و داستان او برای همیشه به عنوان تاریک‌ترین گواهی بر این حقیقت باقی می‌ماند که چه ممکن است رخ دهد وقتی به انسانی همه چیز داده می‌شود و او تنها چیزی را که اهمیت دارد، رد می‌کند.

«انسان را چه سود که تمام دنیا را ببرد، اما جان خود را از دست بدهد؟» (مرقس ۸:۳۶).

یهودا تمام دنیا را به دست نیاورد. او سی پاره نقره به دست آورد. و جان خود را از دست داد.

# فصل ۱۸

## تماس با ما

منتشر شده توسط **Ministry TruthBeTold / AS Publifye**.

تحقیقات با استفاده از **Service Bible Darash** (darash.publifye.pro) گردآوری و توسط **Claude** (Anthropic) سازمان‌دهی شده است Darash. دسترسی به ۵۹ ترجمه کتاب مقدس به بیش از ۳۰ زبان، ۱۱ فرهنگ لغت تخصصی (از جمله International Stan، Nave's Topical Bible، Fausset's، Smith's، Easton's، dard Bible Encyclopedia Strong's Concor، Webster's) و ATS، Hawker's، Wilson's، Hitchcock's، Torrey's Treasury of Scripture Knowl-مقابل-داده می‌کند.

یک نسخه تعاملی در [junifye.publifye.pro/the-devils-son](http://junifye.publifye.pro/the-devils-son) در دسترس است که دارای ارجاعات قابل کلیک آیات کتاب مقدس برای نمایش متن کامل آیه، و اصطلاحات یونانی/عبری قابل کلیک برای نمایش تعاریف Strong's Concordance می‌باشد.

### ناشر

Publifye AS / TruthBeTold Ministry

### تماس

برای پرسش‌ها، درخواست‌های دعا یا گفتگوی بیشتر، لطفاً به [publifye.org/contact](http://publifye.org/contact) مراجعه کنید. همچنین می‌توانید از چت‌بات در گوشه سمت راست پایین صفحه برای تماس مستقیم با ما استفاده کنید.

کتاب‌های تولید شده توسط TruthBeTold Ministry در [Amazon.com](http://Amazon.com) و [tbtm.sale](http://tbtm.sale) در دسترس هستند.

### همچنین موجود است:

[junifye.publifye.pro/born-again](http://junifye.publifye.pro/born-again) — Ny På Født / Again Born •

[junifye.publifye.pro/through-](http://junifye.publifye.pro/through-) — Baptism Believer's for Case Biblical The Waters: the Through •  
the-waters

[junifye.publifye.pro/the-case-for-marriage](http://junifye.publifye.pro/the-case-for-marriage) — Marriage for Case The •

[junifye.publifye.pro/jesus-in-scripture](http://junifye.publifye.pro/jesus-in-scripture) — Scripture in Jesus •

\*«زیرا پسر انسان آمده است تا گم‌شده را بجوید و نجات بخشد.» — لوقا 19:10\*

Gloria Deo Soli

---

## How this was made

This study is the author's own work – what it says, and where it goes, are his. It was composed with **junifye**, with an AI assistant as a tool, and draws its Scripture and original-language studies (Greek, Hebrew, and cross-references) from **Darash** (Hebrew darash, “to seek, inquire, study”) – a platform for reading the Bible in its original languages.

Both **junifye** (for composing documents) and **Darash** (for studying Scripture in the original tongues) are available as **MCP** tools – usable from Claude Desktop or any AI assistant that can run them.

You are warmly invited to study the Word in its original languages with **Darash**, to read this and every other title freely alongside Scripture in the **Bibleread** app, and to browse the whole catalogue in the [public library](#).

Free for personal and congregational use – not for sale. © the author; commercial rights reserved to Publifye AS.



Scan to read this book online